



گاهنامه علمی - تخصصی آواداد / انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان
سال چهارم - دوره جدید - شماره دوم - مرداد ماه ۱۴۰۲



آنچه در این شماره میخوانید:

- اهمیت حق آزادی و تاثیر آن بر قانون گذاری مطلوب
- تأملی در مورد تکلیف قضات نسبت به عدم اجرای مقررات موضوع اصل ۱۷۰ قانون اساسی ج.ا.ا
- برهم زدن نامزدی و خسارت های ناشی از آن
- بازخوانی انتقادی امکان آموزش و پرورش غیردولتی بر اساس قانون اساسی ج.ا.ا
- لزوم بازنگری در قوانین آزمایشی در نظام حقوقی ایران
- مصاحبه با معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان لرستان





تقویت دانش قضائی: دانش قضائی بایستی تقویت بشود. بسیاری از این احکامی که یا ضعیفند یا مخدوشند. حالا گاهی تصادفاً طبق یک گزارشی، یک چیزی، بعضی از احکام به ما رسیده، ارائه شده. انسان که نگاه میکند، بعضی از این احکام خیلی ضعیف است. [مثلاً] قاضی ده استدلال که برای یک حکم ذکر کرده، اغلب استدلالهایی که ذکر شده، قابل خدشه است، ضعیف است. استدلال باید متقن باشد، باید قوی باشد. نه فقط در مورد دادگاه، حتی در مورد دادسرا. ادله‌ای که دادستان در کیفرخواست ارائه میدهد باید ادله‌ی متقنی باشد، بتواند از آنها دفاع کند، [البته] معنایش این نیست که حالا هر چه دادستان گفت، بالاخره مورد قبول قرار خواهد گرفت، اما باید ادله‌ای باشد که قابل استدلال باشد، قابل دفاع باشد. در مورد قاضی و دادگاه که خب اهمیت این جهت خیلی بیشتر است. پس این شد مسئله‌ی احاطه‌ی علمی و قضائی، هم به موضوع، هم به حکم؛ یعنی دانش قضائی باید بالا برود.

دیدار رهبر معظم انقلاب با مسئولان قوه قضائیه

صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان

مدیر مسئول:

سجاد باقری

سردبیر:

آیدا مهرپور

هیأت تحریریه:

دکتر حامد رهدارپور، محمد مقصودی، مرضیه شیخیان، مریم زمانی

زهرا جعفرآبادی، هانیه علی حسینی، سجاد باقری، نرگس کریمی،

مینا فلاحتی، محمد مهدی مؤمنی، صبا گل آقایی شاپور آبادی،

محمد حسین شکوری راد

ویراستار و مشاور علمی:

دکتر حامد رهدارپور

ویراستار ادبی:

پرویز صالح کمائی

صفحه آرا و طراح جلد:

محمد مهدی مؤمنی

با تشکر از:

دکتر فاطمه احمدی، دکتر مهدی امید، سرکار خانم سیده زهرا رحیم زاده

و همه عزیزانی که ما را در انتشار نشریه یاری دادند.

نشانی:

لرستان، خرم آباد، کیلومتر ۵ جاده خرم آباد تهران، دانشگاه لرستان،

دانشکده فنی و مهندسی، اداره انجمن های علمی،

انجمن علمی- دانشجویی حقوق

تلفکس: ۰۶۶۳۳۱۲۰۶۲۱

پست الکترونیکی: avadad.law@gmail.com

آدرس کانال تلگرام: [@lawdepartmentlorestan](https://t.me/lawdepartmentlorestan)

آدرس صفحه اینستاگرام انجمن: [@lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi)

فهرست

۵	سخن سردبیر
۶	اهمیت حق آزادی و تأثیر آن بر قانون گذاری مطلوب
	تأملی در مورد تکلیف قضات نسبت به عدم اجرای مقررات موضوع اصل ۱۷۰ قانون
۸	اساسی ج.ا.ا
۱۵	برهم زدن نامزدی و خسارت های ناشی از آن
۱۹	بازخوانی انتقادی امکان آموزش و پرورش غیردولتی براساس قانون اساسی ج.ا.ا
۲۶	لزوم بازنگری در قوانین آزمایشی در نظام حقوقی ایران
۳۰	مصاحبه با معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان لرستان
۳۸	مواد قانونی مرتبط با فیلم سینمایی علفزار
۴۳	پیشینه بهمن کشاورز به قلم خود
۴۶	اخبار حقوقی
۴۷	فعالیت های ادوار گذشته انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان
۵۵	افتخاری دیگر برای انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان
۵۶	معرفی رمان حقوقی شاید
۵۷	سایت های حقوقی
۵۸	به یاد بزرگان
۵۹	سخن پایانی
۶۰	شیوه نامه ارسال مقالات

سخن سردبیر

«بسمه تعالی»

قال علی علیه السلام: «دانش نابود کننده نادانیت»
تقدیم به تمامی علاقه مندان علم حقوق و دوستداران دانش؛

بسیار خرسندیم که با لطف و عنایت پروردگار و تلاش روز افزون دوستان و دانشجویان کوشا و تلاشگر توانستیم در این عرصه فعالیت داشته باشیم و اندک دانش خود را با دیگر دانشجویان و دوستداران علم حقوق به اشتراک بگذاریم. انشالله که خداوند توفیق دهد که بتوانیم در مراحل بعدی هم در کنار دوستان باشیم و فعالیت های بیشتری را در خصوص نشریات حقوقی و با موضوعات جدید و به روز داشته باشیم. در این زمینه لازم میدانم که به نوبه خود از اساتید دغدغه مند و دلسوز و کوشایی همچون دکتر حامد رهدارپور و همچنین دکتر فاطمه احمدی و سرکار خانم زهرا رحیم زاده و دکتر مهدی امید و آقای سجاد باقری مدیر مسئول محترم نشریه که ما را در این مسیر همراهی کردند و همچنین از جناب آقای مومنی که در زمینه طراحی جلد و گرافیک و صفحه آرایی فعالیت داشتند و قبول زحمت کردند و آقای کمائی ویراستار محترم نشریه تقدیر و تشکر لازم را به عمل آورم و از خداوند منان برایشان توفیق روز افزون خواستارم.

همانطور که مستحضرید این نشریه، دومین شماره از نشریه آواداد می باشد و شامل بخش های مختلفی همچون نقد فیلم علفزار به قلم خانم هانیه علی حسینی، زندگی نامه استاد بهمن کشاورز به قلم خانم مینا فلاحی و بخش خبر توسط خانم نرگس کریمی و چندین مقاله از اساتید و دانشجویان دانشگاه لرستان و... می باشد که لازم میدانم چه از این دوستان و چه از سایر دوستانی که ما را صبورانه در این زمینه همراهی کردند نهایت تقدیر و تشکر را به عمل آورم. ناگفته نماند به عنوان آخرین سخن از شما خواستاریم که برای بهبود هر چه بیشتر کمیت و کیفیت ظاهری و باطنی نشریه در شماره های بعدی نظرات، انتقادات، پیشنهادات خود را به آدرس الکترونیکی نشریه avadad.law@gmail.com ارسال کنید.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست.....

«با احترام و سپاس فراوان»

سردبیر آیدا مهرپور»



اهمیت حق آزادی و تأثیر آن بر قانون گذاری مطلوب

"آزادی بت نیست؛ بت شکن است"
- محمد مجتهد شبستری

دکتر حامد رهدار پور (عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه لرستان)

مقدمه

پذیرش و شناسایی حق آزادی از چنان اهمیتی برخوردار است که به عنوان یکی از مهم ترین و ابتدایی ترین شرایط نیل به حقوق بشر در جامعه مطرح است. این حق از بعد فرامرزی - به دلیل فراغت بیشتر نهادهای حقوقی بین المللی و فراملی از مصلحت اندیشی های داخلی - با قید و بند کمتری نسبت به قوانین ملی، مورد تأکید بوده است. برای مثال، اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۳ و ۹ به صراحت به لزوم تعلق این حق به همه افراد نوع بشر تأکید کرده است. همچنین ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از اسناد مهم بین المللی در این خصوص است. در بعد منطقه ای نیز، ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و نیز ماده ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و در نهایت ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، حق آزادی را مورد شناسایی و تأکید قرار داده اند. هرگاه حق آزادی در یک جامعه پذیرفته نشود و یا با چنان محدودیت هایی مواجه شود که عملاً به «استثنای اکثر» تبدیل شود، نه تنها اصل آزادی از بین رفته بلکه اصولاً مجوزی برای به چالش کشیدن مشروعیت قدرت حاکم ایجاد میکند؛ زیرا بدون شناسایی حق آزادی و علی الخصوص حق آزادی بیان و ملزومات و لوازم آن، دولت در مفهوم واقعی آن معنا نخواهد یافت. دلیل این مدعا این است که دولت در مفهوم حقوقی، خصوصاً دولت قانونی، زمانی معنا می یابد که نماینده مردم و مجری قانون باشد. این امر نیز به نوبه خود تنها در بستر پاسخگو بودن دولت قابل تحقق است. در نتیجه، در وهله اول در صورت فقدان آزادی، وضع قوانین دقیق و همه جانبه و تشکیل و ابتنائی دولت بر قانون، با چالش مواجه میشود. همچنین در وهله دوم، اساساً نمی توان وضع قوانین مناسب را نیز توسط قوای تقنینی انتظار داشت. هرگاه دولت در مفهوم عام دریابد که در مقابل مردم پاسخگو نیست، به تدریج حس رهایی از چارچوب های محدود کننده، دولت را به وضع خودسرانه قانون و قانونی کردن اهداف خاص سیاست گذاران سوق خواهد داد؛ وضعیتی که در ادامه، از آن، به عنوان «حاکمیت به وسیله قانون» یاد خواهیم نمود. بنابراین فقدان آزادی به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر وضع قوانین تأثیر گذار بوده و مانع تقنین با کیفیت است.

الف - آزادی بدون هزینه برای همه

صورتی معنا می یابد که اعمال آن توسط افراد بدون هزینه باشد. در واقع منظور از وجود آزادی، «وجود آزادی بدون هزینه» است. بی نیاز از توضیح است که آزادی مانند هر حق دیگری به صورت مطلق قابل اعمال نبوده و در جامعه بنابر مقتضیاتی محدود میگردد. با این حال، باید دانست که اولاً این چارچوب باید محدود به اصول اساسی عادلانه مورد وفاق اکثریت جامعه ضمن

بحث قابل ذکر در اینجا این است که شرط تحقق آزادی در جامعه، وجود آن برای همه است. یعنی همه افراد در جامعه باید این فرصت را داشته باشند که از آزادی در تمام وجوه آن بهره ببرند. اما نکته مهم و اساسی که باید به آن اشاره کرد شرطی است که وجود آزادی مبتنی بر آن است؛ به این معنا که آزادی تنها در



- در خوشبینانه‌ترین حالت - وجود نداشته باشد، می‌تواند عملاً به خودکامگی اکثریت تبدیل شود و یا قانون‌گذاری را به ابزاری در دست هیأت حاکمه جهت پیش‌برد اهداف خاص منقلب کند که از حالت اخیر، به دیکتاتوری قانونی یا «حاکمیت به وسیله قانون» یاد می‌شود که نقطه مقابل «حاکمیت قانون» است.

پ - تضمین قانون‌گذاری مطلوب

پذیرش و التزام به عقلانیت در تقنین، اعمال دقیق اصول اساسی حقوق بشر، و نیز التزام کامل به ملزومات و لوازم دموکراسی، برای احترام از ایجاد وضعیت «حاکمیت به وسیله قانون»، بسیار حیاتی است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد تعیین سازوکاری قانونی لااقل با شأن قانون اساسی جهت نظارت بر قوه مقننه، ضروری است. همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که وجود آزادی در نقد قانون تنها به اقلیتی که از نظر سیاسی در وضع قانون نقش نداشته‌اند، محدود نمی‌شود، بلکه جهت جلوگیری از وضع قانون نامناسب و ضعیف، بایستی این امکان برای هر شخصی وجود داشته باشد که طی انجام شرایط قانونی و در یک نهاد حقوقی بتواند از قانون بی‌کیفیت انتقاد نموده و خواستار رسیدگی به آن مورد شود. در اینجا می‌توان به سازوکار قانونی کشورهای اروپایی اشاره کرد. در اروپا این امر به شکل توسعه یافته‌تری در قالب یک نهاد بین‌المللی صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد بین‌المللی می‌تواند در حال حاضر ضمانت اجرای تقریباً مناسبی در این خصوص بوده و تا حدودی در شرایط حاضر، قانون مطلوب را در راستای آزادی شهروندان اروپایی تأمین نماید. در کشورهای غیراروپایی و خصوصاً ایران، تعیین یک نهاد ملی در قانون اساسی برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی، گرچه کاملاً مطلوب نیست، می‌تواند از بلا تکلیفی موجود کاسته، و گامی رو به جلو باشد. نکته آخر در این خصوص این است که اعتراض فردی به یک قانون عادی و ملی که از مجرای یک نهاد دموکراتیک گذشته است، را نمی‌توان قیام یا حتی اعتراض علیه دموکراسی یا حکومت اکثریت نامید؛ زیرا آنچه مؤدای بحث حاضر است، آزادی اعتراض و نقد قوانین نامطلوب است و تشخیص نهایی آن باز هم بایستی به یک نهاد دموکراتیک واگذار شود؛ به همین دلیل، نگارنده در اینجا اولاً اعتقاد به شناسایی چنین نهادی در قانون اساسی دارد و ثانیاً پس از تشخیص نامطلوب بودن قانون، معتقد است می‌توان آن را مجدداً برای طرح و بررسی در پارلمان، به این نهاد برگرداند. البته تعیین شرایط و سازوکار این امر، مجال و زمان مختص و مناسب خود را می‌طلبد.

تضمین حقوق اقلیت در بستر اصول اساسی حقوق بشر باشد؛ و ثانیاً باید اصل را بر آزادی گذاشت و موارد مشکوک و جنجال برانگیز و اختلافی را حمل بر آزادی رفتارها نمود نه ممنوعیت آنها. مدعی برخی، این است که هر کسی در جامعه آزاد است چون عملاً می‌بینیم که رفتارهای مخالف زیادی در جامعه انجام می‌شود و عملاً مانعی بر اجرا و اعمال آزادی کسی در جامعه وجود ندارد؛ فقط نکته مهم این است که هر کسی که آزادی خود را اعمال می‌کند بایستی هزینه‌های آن را نیز بپردازد!! اعتقاد به این نظر، نشان‌دهنده درک کاملاً متفاوت از مفهوم آزادی است؛ زیرا در این معنا هیچ حاکمیتی مخالف آزادی نیست! بر این اساس، کسانی چون هیتلر و صدام و استالین و... هم مشکلی با آزادی نداشته‌اند! بنابراین آنچه که از مفهوم آزادی و اعمال آن برمی‌آید، «آزادی بدون هزینه» است. بر این اساس هرگاه طرفین یک بحث، از شرایط و تضمینات امنیتی یکسان برخوردار نباشند حتی اگر هر دو طرف تمام اندیشه‌های خود را ابراز نمایند نمی‌توان قائل به آزادی بود. اساساً بدون هزینه بودن، شرط ذاتی اعمال آزادی است؛ و الا مسلم است که موافقان وضعیت حاکم همواره در کمال صحت و سلامت قادر به بیان دیدگاه‌های خود هستند. به همین دلیل هرگاه در خصوص آزادی سخن به میان می‌آید، منظور «آزادی مخالفان» است؛ نه موافقانی که مجبزیگوی وضعیت حاکم باشند. لذا حساسیت و اهمیت آزادی همواره نسبت به تأمین امنیت و سلامت همه جانبه مخالفان است. همچنانکه تأکید شد، منظور از مخالفت و نقد و بیان مخالف، آن دسته از رفتارهایی نیست که وجدان جمعی عمومی به طور واضح آنها را منع میکند بلکه اموری است که یا موافق وجدان جمعی است و یا در خصوص آنها وفاق در جامعه وجود ندارد.

ب - آزادی شرط حاکمیت قانون

در حوزه قانون‌گذاری نیز همین وضعیت حاکم است. همواره قانون توسط هیأت حاکمه وضع می‌گردد که در حالت خوشبینانه، نمایندگان اکثریت مردم هستند. با این حال، اولاً اقلیت نیز همواره بایستی این قدرت و حق را داشته باشند که نسبت به قوانین نامطلوب اعتراض خود را اعلام نموده و دولت را مکلف به پاسخگویی نمایند. این شیوه مانعی عملی و مناسب در جهت الزام قوه قانون‌گذاری در وضع قانون مناسب است. با این حال در کشورهای مبتنی بر تقسیم قوا که وضع قانون عادی به عهده قوه مجزایی واگذار شده و قوه مجریه و قضاییه نیز معمولاً بیشتر در معرض ارتباط مستقیم با شهروندان و اعتراضات آنها قرار دارند، این نگرانی قابل تأمل وجود دارد که اگر شیوه و سازوکاری مجزا و قانونی در جهت پاسخگویی قوه قانون‌گذاری در مقابل اقلیت مردم

2. Wintgens, L. J. (2006). Legisprudence as a New Theory of Legislation. Ratio Juris, 19(1), 1-25. p. 3

۳. ر.ک. ملکیان، مصطفی. (۴ خرداد ۱۳۹۴). اهمیت وجود آزادی بدون هزینه در جامعه. میزگرد دینداری در جهان معاصر. دانشگاه امیرکبیر.

۴. همان.

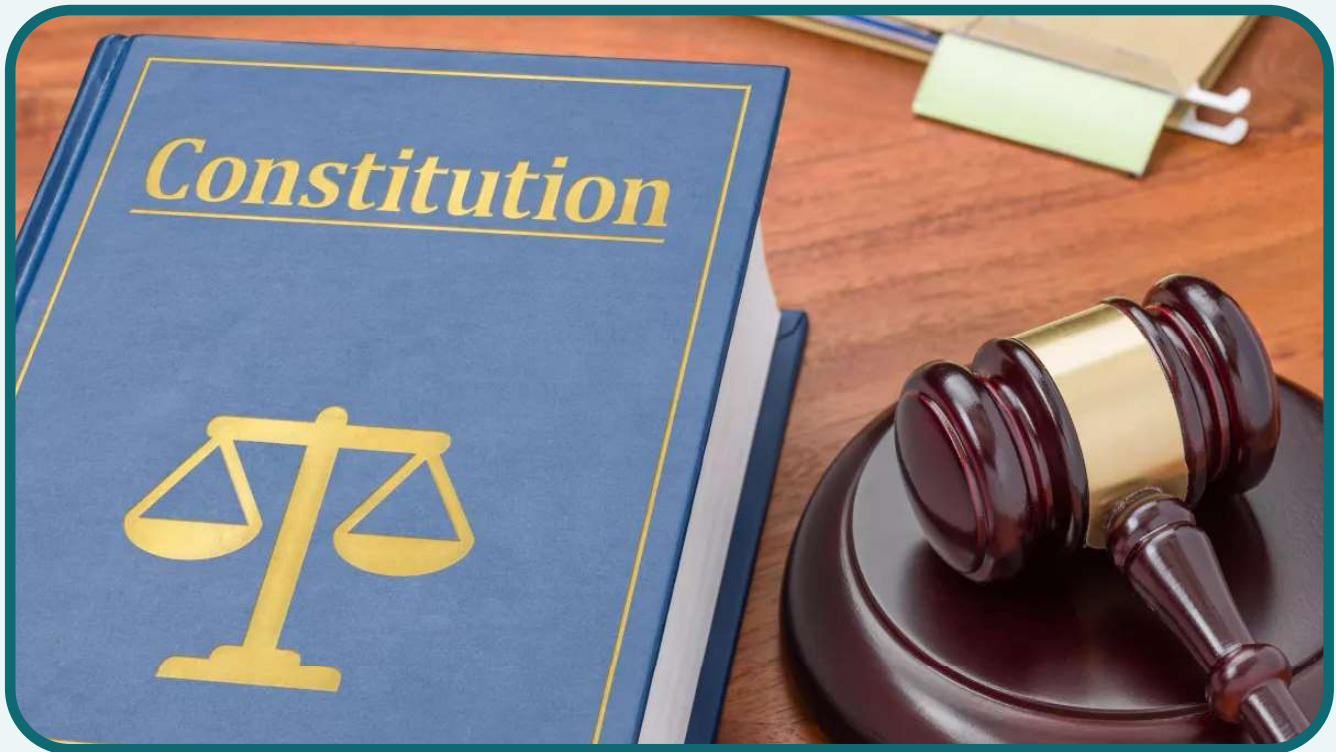
5. Rule by Law or Rule Through the Law

6. See: Hamburger, P. (۲۰۱۴). *Is Administrative Law Unlawfully?*. University of Chicago Press. p. 227

۷. همین نکته سبب تمایز نهاد پیش نهادی، از شورای نگهبان قانون اساسی میشود.

8. European Court of Human Rights

۹. ر.ک. مؤذن زادگان؛ رهدارپور، ۱۳۹۷، اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران، دیدگاه‌های حقوق قضایی بهار



تأملی در مورد تکلیف قضات نسبت به عدم اجرای مقررات موضوع اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مرضیه شیخیان (دانش آموخته کارشناسی رشته حقوق دانشگاه لرستان)

چکیده:

نظارت قضایی نظارتی است که ضمانت اجرای آن ابطال مقررات دولتی مغایر قوانین و مقررات اسلامی از طرف دیوان عدالت اداری و خودداری از اجرای آنها توسط قضات محاکم است.

این چالش به ذهن متبادر می شود که اگر وظیفه تشخیص مغایرت را بر عهده قضات بدانیم پس چه نیازی به پیش بینی تشکیلات دیوان برای این امر بوده است؟

و از طرفی اگر این وظیفه را بر عهده دیوان بدانیم چه ضرورتی برای بیان تکلیف قضات به خودداری از چنین مقرراتی وجود داشته است؟

لذا پرسش اصلی در این پژوهش این است که وظیفه تشخیص مغایرت چنین مصوباتی با قوانین بر عهده کیست؟

در این نوشتار سعی شده است به روش توصیفی-تحلیلی و بررسی های کتابخانه ای به این موضوع پرداخته شود، که در آن چنین استدلال شده است که هرچند در این اصل دونهاد نظارتی برای تشخیص این امرپیش بینی شده است اما اعمال آن به گونه ای است که اختیار قضات تازمانی است که دیوان تعیین تکلیف نکرده باشد و در صورتی که رای دیوان مبنی بر مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات با قوانین باشد تبعیت از نظر دیوان برای قاضی تکلیف محسوب می شود، هرچند ضمانت اجرایی به صورت مستقیم برای آن پیش بینی نشده است ولی شاید بتوان پیشنهاد داد که آن را ذیل اصل ۱۷۱ قانون اساسی از باب تقصیر و یا یکی از مصادیق تخلفات انتظامی قضات در قانون نظارت بر رفتار قضات دانست.

همچنین اصل ۱۷۰ ضمن اینکه بر آیین نامه های مادون قانون عادی تاکید می کند شامل آیین نامه هایی که در عرض قانون هستند نیز می شود ولی آیین نامه هایی که جایگاهی بالاتر از قوانین عادی دارند مشمول عموم و اطلاق اصل ۱۷۰ نمی شوند. و نیز در مورد لزوم یا عدم لزوم تشخیص مغایرت آیین نامه ها با قوانین فراتر از قوانین عادی مانند قانون اساسی و یا هنجارهای مادون قانون عادی مانند تصویب نامه هیات وزیران اختلاف نظرهایی وجود دارد، ولی به نظر می رسد این صلاحیت می تواند شامل چنین مقرراتی نیز بشود.

کلید واژگان: اصل ۱۷۰ قانون اساسی، نظارت قضایی، مقررات دولتی، دیوان عدالت اداری.



اصل ۱۷۰ قانون اساسی مقرر می دارد: «قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.» از آنجا که اصل ۱۷۰ به نظارت قضایی دادگاه ها و دیوان عدالت اداری بر مقررات دولتی تاکید می نماید، بنابراین همزمان با دو نوع نظارت قضات دادگاه ها و دیوان عدالت اداری نسبت به مقررات دولتی روبه رو هستیم. از جمله مسائل چالش برانگیز این اصل می تواند در مورد این موضوع باشد که اگر وظیفه تشخیص مغایرت مقررات دولتی با قوانین و مقررات اسلامی را بر عهده قضات محاکم بدانیم آیا قاضی صلاحیت تشخیص این موضوع را دارد؟ و اگر چنین صلاحیتی دارد چه نیازی به ایجاد تشکیلات دیوان عدالت اداری برای این امر بوده است؟ و از طرفی اگر بگوییم این وظیفه بر عهده دیوان عدالت اداری است و بعد از تشخیص مغایرت و ابطال آنها از سوی دیوان، قاضی مکلف است از اجرای چنین مقرراتی خودداری کند، پس چه ضرورتی برای بیان این موضوع در این اصل بوده است؟ چرا که مطابق اصل ۱۶۷ «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.» قاضی موظف است از اجرای مقررره ای که ابطال شده است خودداری کند، و نیز چنین امری می تواند از موجبات اطاله دادرسی باشد. بنابراین پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که وظیفه تشخیص مغایرت مقررات دولتی با قوانین و مقررات اسلامی بر عهده کیست؟ بر اساس مطالب پیشین می توان پرسش های متعدد دیگری را در ارتباط با این اصل مطرح کرد که یافتن پاسخ برای هر یک می تواند از ابهامات موجود در این اصل بکاهد. از جمله این پرسش ها عبارتند از: صلاحیت قضات در برخورد با آیین نامه ها و مصوبات سایر نهادها چگونه است؟ با توجه به سلسله مراتب قواعد حقوقی دامننه صلاحیت قضات نسبت به انواع آیین نامه ها به چه ترتیبی است؟ وجود چنین صلاحیتی برای قضات یک تکلیف است یا اختیار؟ در صورت اعمال یا عدم اعمال این اصل، ضمانت اجرایی برای قضات پیش بینی شده است یا خیر؟

مبنای نظری تحقیق:

«در علم حقوق موسوم است که قواعد حقوقی را بر حسب اهمیت آنها دسته بندی نموده و به تنظیم سلسله مراتب آنها مبادرت می کنند.» (قاضی، ۱۳۹۰: ۴۶).

«امروزه نظارت بر دستگاه اداری و نقش آن در تأمین عدالت و تضمین کامل حقوق مردم و تأمین عدالت و برابری به تمام سطوح جامعه و در نهایت تحقق دولت و نظام اداری کارآمد و مطلوب بر کسی پوشیده نیست.» (موسی زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

«بی شک با وجود خلاء نقص اجمال و تعارض قوانین تفسیر غذایی امری اجتناب ناپذیر و پذیرفته شده در همه نظام های حقوقی است.» (بابایی مهر، علی؛ کیوانی فر، مژگان، ۱۴۰۰: ۳۵).

«قاعده حقوقی قاعده الزام آور است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت میکند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود.» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۵۹).

حقوق عمومی «قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط سازمانهای وابسته آن با مردم است تا جایی که این سازمان ها در مقام اعمال حق حاکمیت و اجرای اقتدار عمومی هستند.» (همان: ۸۶)
«امروزه تقریباً در همه کشورهای جهان تفکیک قوا پذیرفته شده است ولی میزان این تفکیک متفاوت است.» (مدنی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

هدف:

با توجه به مطالب فوق هدف اصلی در این مقاله ضمن تحلیل چگونگی اعمال صلاحیت قضات در اجرای اصل ۱۷۰، اعمال این صلاحیت نسبت به انواع مصوبات و همچنین تأثیر آن از باب ضمانت اجراییان خواهد شد.

روش تحقیق:

بدین منظور این مقاله بنا دارد تا به روش توصیفی-تحلیلی و استنتاج منطقی و بررسی های کتابخانه ای با رجوع به کتب، مقالات معتبر، اسناد و قوانین مربوطه به بررسی موضوعات پیرامون آن بپردازد.

پیشینه تحقیق:

۱- استوارسنگری، کورش، رابطه دیوان عدالت اداری و تکلیف قضات در اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سال اول، شماره اول: مفاهیم اصل و موارد اعمال این اصل توسط قضات و نظریه شورای نگهبان در خصوص مفهوم آیین نامه های دولتی مورد بحث قرار گرفته است.

دولتی موضوع اصل ۱۷۰، و در بخش چهارم به بررسی نظارت قضایی بر قوانین و مقررات اسلامی موضوع اصل ۱۷۰ خواهد پرداخت.

بخش اول: بررسی مفهوم و مبانی نظارت قضایی:

گفتار اول: مفهوم نظارت قضایی:

در اصطلاح لغوی «نظارت از ریشه «نظر» به معنای عمل ناظر و مقام او، مراقبت در اجرای امری» (عمید، ۱۳۸۹: ۲۰۲۲). در اصطلاح حقوقی «نظارت قضایی ترجمه عبارت «Judicial Review» است که عمدتاً به سه مفهوم به کار میرود: گاهی به معنای «تجدید نظر قضایی» است که در آن نظارت قضایی دادگاه های عالی در دادگاه های تالی صورت می گیرد، در مواردی هم به مفهوم «نظارت قانون اساسی» یا «دادرسی اساسی» است؛ جایی که نظارت قضایی دادگاه های قانون اساسی بر مطابقت قوانین موضوعه و مصوب مجلس با قانون اساسی صورت می گیرد. سومین مفهوم به نظارت قضایی دادگاه ها بر قانونی بودن اقدامات و تصمیمات دولت است که از آن به «بازنگری قضایی» تعبیر می شود. (آزایی، وحید؛ ملک محمدی، حمیدرضا، ۱۳۹۲: ۱۵۷) که مقصود ما از نظارت قضایی در این پژوهش معنای اخیر آن است.

گفتار دوم: مبانی نظارت قضایی:

«یکی از مبانی اصلی نظارت قضایی، حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون و قانونمندی بدین معناست که تمام امور حاکمیت از قانون تبعیت می کند... مبنای دیگر نظارت قضایی بر اعمال دستگاه های اداری، مردم سالاری است. مردم سالاری با استبداد سازگار نیست به همین جهت نظام های مردم سالار ناگزیر به تدوین قانون اساسی برای حمایت از حقوق شهروندان خود شده اند تا بر اساس آن حکومت ها در حیطه اختیارات خود عمل کرده و از سویی مکلف به حفظ حقوق مردم نیز باشند بنابراین اعمال و اقدامات دستگاه های اداری و اجرایی باید مقید به قوانین بوده و در چارچوب صلاحیت خود عمل کند و این امر ضرورت نظارت قضایی را بیش از پیش آشکارتر می کند... مسئولیت و پاسخگویی مبنای سوم نظارت قضایی است... با شناسایی قانون و به تبع آن مسئولیت و پاسخگویی مقامات اداری از تعدی به حقوق مردم جلوگیری به عمل خواهد آمد.» (همان: ۱۵۹ و ۱۶۰).

بخش دوم: رابطه دیوان عدالت اداری و قضات محاکم

در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی:

«صلاحیت دیوان عدالت اداری در نظارت بر مقررات اجرایی خود به دو صلاحیت زیر مجموعه می تواند تجزیه شود: نخست صلاحیت قانونمندی مقررات اجرایی، و سپس صلاحیت

۲_ تقی زاده، جواد؛ نجابت خواه، مرتضی؛ فدایی، رضوان، صیانت از قانون اساسی توسط قضات محاکم با تاکید بر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی، دوره هشتم، شماره اول: قانون اساسی درباره صلاحیت نظارت اساسی قضات محاکم در قوانین عادی ساکت است اما اصل ۱۷۰ نظارت قضایی قضات محاکم بر تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی را پیش بینی کرده است.

۳_ میرداماد نجف آبادی، علی، صلاحیت و حدود اختیارات دیوان عدالت اداری، دوره اول، شماره اول: دیوان عدالت اداری وظیفه رسیدگی به شکایات و تظلمات مردم در مورد تصمیمات و اعمال سازمان های اداری و دولتی را بر عهده دارد.

۴_ ویژه، محمدرضا، نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر مقررات اجرایی، سال چهاردهم، شماره ۳۷: نظارت قضایی نظارتی است که ضمانت اجرای آن ابطال عمل اداری یا الزام مقام اداری به انجام آن به موجب حکم مرجع قضایی است.

۵_ هداوند، مهدی، نظارت قضایی تحلیل مفهومی تحولات اساسی (طرحی برای توسعه حقوق اداری و ارتقاء نظارت قضایی)، سال هشتم، شماره نهم: نظارت قضایی بر اعمال دولت ریشه در مفهوم بنیادین حکومت قانون دارد.

ضرورت تحقیق:

در حال حاضر کتب و مقالات متعددی پیرامون نظارت قضایی و اعمال این صلاحیت نگارش شده است، اما به نظر می رسد ضرورت نگارش مقاله ای که به طور مستقیم و مستقل به پاسخ سوالات پیرامون تکلیف قضات در اعمال این صلاحیت، صلاحیت قضات نسبت به انواع آیین نامه ها و تصویب نامه ها با توجه به سلسله مراتب قواعد حقوقی و بررسی جنبه تکلیفی یا اختیاری بودن این صلاحیت و متعاقب آن ضمانت اجرای عدم اجرای آن بپردازد احساس می شود، و همچنین در زمینه لزوم یا عدم لزوم تشخیص مغایرت آیین نامه ها با قوانین فراتر از قانون عادی و یا فروتر از آن، مطالب در این زمینه با اختلاف نظرهایی همراه است که پاسخ این مسئله نیازمند نگارش مطالب بیشتری است.

سامان دهی تحقیق:

بدین منظور پژوهش حاضر در چهار بخش سامان یافته است؛ که در بخش اول آن به بررسی مفاهیم و مبانی نظارت قضایی، در بخش دوم آن رابطه دیوان عدالت اداری و قضات محاکم در اجرای اصل ۱۷۰، در بخش سوم به بررسی تصویب نامه ها و آیین نامه های



اعمال ضمانت در صورت نقض قانون مداری... بدین معنا

که با تحقق نقض قانون مداری در صور گوناگون دیوان این صلاحیت را می یابد تا ضمانت اجرای لازم (ابطال) را برای این مقررات اعمال نماید.» (ویژه، ۱۳۹۱: ۱۸۲). «... در این نوع از نظارت، دادگاه به ابطال مقررات مغایر قانون نپرداخته و صرفاً از اجرای آن استنکاف می کند.» (آقای طوق؛ لطفی، ۱۴۰۱: ۲۸۱ و ۲۸۰).
گفتار اول: لزوم یا عدم لزوم تبعیت قضات از نظر دیوان: «... باتوجه به انفکاک این دو روش نظارت از هم، قضات دادگاه ها ملزم به تبعیت از رویکرد دیوان عدالت اداری نیستند» (همان: ۲۸۲). اما به نظر می رسد این دیدگاه چندان مورد توجه نباشد، به همین دلیل به بیان نظرمخالف آن می پردازیم. «تکلیف قضات در اصل ۱۷۰ تا قبل از تعیین تکلیف دیوان عدالت اداری موضوعیت دارد و پس از رسیدگی دیوان و صدور

آمره تلقی نماییم باید ضمانت اجرا داشته باشد که در قوانین عادی نیز چنین ضمانتی پیش بینی نشده است، اما چون لازمه عمل به این اصل تشخیص و تفسیر قضات نسبت به موازین شرعی و قانونی است و این امر بنا به تشخیص قاضی موضوعیت پیدا می کند، بنابراین باید موضوع را در ماهیت به عنوان اختیارات قضات محسوب نمود» (استوارسنگری، ۱۳۹۸: ۴۹ و ۴۸). این نظریه مانند نظر قبل جامع نیست. به نظر می رسد باید قائل به تفکیک شد به این صورت که صلاحیت قاضی تا قبل از اعلام نظر دیوان با اینکه نظراً تکلیف است ولی در عمل جنبه اختیاری دارد چرا که تشخیص قضات امری درونی و اختیاری است، اما بعد از اعلام رای دیوان، قاضی موظف به تبعیت از نظر دیوان است به همین جهت در این صورت یک تکلیف برای قضات محسوب می شود.

اما نکته دیگر اینکه در صورت خودداری قضات از اجرای این اصل چه در حیطه اختیار به صورت خودداری از اجرای مصوبه ای که خلاف قانون نباشد و یا در صورت اجرای مصوبه خلاف قانون، و چه در حیطه



رای نسبت به یک آیین نامه و بخشنامه، قضات دیگر صلاحیتی به استناد این اصل ندارند و نمی توانند به استناد اصل ۱۷۰ نسبت به آیین نامه ها و تصویب نامه ها عمل نمایند و بایستی تابع رای دیوان عدالت اداری

در خصوص مقررات دولتی باشند» (استوارسنگری، ۱۳۹۸: ۴۹). بنابراین در صورت صدور رأی دیوان مبنی بر ابطال یا عدم ابطال مصوبات از سوی دیوان، قضات محاکم باید از نظر دیوان تبعیت کنند. گفتار دوم: تکلیفی یا اختیاری بودن نظارت قضایی قضات: «در حال حاضر خودداری از اجرای مقررات مغایر قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از اختیارات قوه مجریه جزو وظایف قضات می باشد نه اختیار آن ها» (آقای طوق؛ لطفی، ۱۴۰۱: ۲۸۱). اما به نظر می رسد نمی توان بدین صورت یک حکم کلی در این مورد بیان کرد و این دیدگاه چندان کامل به نظر نمی رسد. «ظاهراً اصل ۱۷۰ عدم اجرای مقررات دولتی خلاف شرع و قانون را به عنوان تکلیف قضات اعلام کرده است. اگر حکم مقرر در اصل را

تکلیف بعد از اعلام نظر دیوان و عدم تبعیت از نظر او، چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟ تاجایی که مجال بررسی فراهم بوده است پاسخ مستقیمی در قوانین و نیز منابع نگارش شده در این مورد وجود ندارد، ولی می توان پیشنهاد داد که آیامی توان آن را مشمول اصل ۱۷۱ قانون اساسی از باب تقصیر قضات و یا طبق قانون نظارت بر رفتار قضات مشمول مصادیق تخلفات انتظامی از جمله ماده ۱۸ آن دانست یا خیر؟
بخش سوم: بررسی تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی
موضوع اصل ۱۷۰ قانون اساسی:

اصل ۱۷۰ از تعبیر «دولتی» برای تصویب نامه ها و آیین نامه ها استفاده کرده است که این عبارت دارای ابهام است؛ بر همین اساس در گفتار اول به مفهوم و قلمرو تصویب نامه و آیین نامه های موضوع

با توجه به تعدد مراجع مقررہ گذاری در نظام حقوقی ایران از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی امنیت ملی، شوراهای عالی فراقوه‌ای و مقام رهبری، سلسله مراتب قواعد حقوقی با چالش‌هایی مواجه است که این مقاله در مقام بررسی جایگاه و اعتبار یا عدم اعتبار آنها نیست اما واقعیت عینی که وجود دارد این است که مقررہ گذاری این نهادها آثاری از جمله لزوم رعایت قواعد مصوب این مراجع را دارد. قدر متیقن مراد قانونگذار از آیین نامه‌های دولتی شامل آیین

نامه‌هایی که در مرتبه‌ای پایین تر از قانون اساسی و قانون عادی قرار دارند می‌باشد، اما در مورد آیین نامه‌هایی که در عرض یا بالاتر از قوانین عادی قرار دارند باید بررسی شود. فصل اول: بیان مصادیق:

۱_ شورای عالی امنیت ملی: «مطالعه مستندات حقوقی مهمی چون نظریات شورای نگهبان و آرای برخی از مراجع قضایی موید آن است که مصوبات این شورا چنانچه در چارچوب صلاحیت موضوعی آن تصویب شوند عملاً در جایگاهی هم‌تراز و حتی در مواقعی بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرند و به دلیل ساختار مستقل نهاد تصویب کننده آن با وضع قوانین و مقررات بعدی قابل نسخ یا تغییر نیستند» (مقدسی، مهدی؛ اکبری، احسان، ۱۳۹۶: ۸۷۳).

۲_ شورای عالی انقلاب فرهنگی: «مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به شرط رعایت محدوده اختیارات خود برتر از سه دستگاه دیگر است و مجلس، دولت و مجمع، حق تصویب مصوبه‌ای معارض با مصوبات قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی را ندارند» (الهام، غلامحسین؛ میرحمیدی، مصطفی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).
۳_ آیین نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت: «ویژگی خاصی که این دادگاه را از سایر دادگاه‌ها جدا می‌کند عدم

اصل ۱۷۰، و در گفتار دوم به بررسی امکان نظارت قضایی بر انواع آیین نامه‌ها با توجه به اصل سلسله مراتب قواعد حقوقی می‌پردازیم.

گفتار اول: مفهوم و قلمرو تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های موضوع اصل ۱۷۰:

نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۹۳۸۷/۳۰/۸۳ مورخ ۲۱/۱۰/۱۳۸۳، مراد از تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی را مصوبات قوه مجریه اعلام کرده است. اما به نظر می‌رسد چنین

تفسیری یک تفسیر لفظ گرا از قانون باشد و بهتر است قائل به نزدیکی می‌باشیم؛ «شایسته است از آرای دیوان عدالت اداری به نحوی در اصل ۱۷۰ قانون اساسی استفاده گردد تا با فلسفه وضع این اصل و نگاه قانونگذار اساسی مبنی بر کنترل تمام هنجارهای درجه سوم هماهنگی داشته باشد... لذا رسیدگی به شکایت از تصمیمات و مصوبات تمامی نهادهای حکومتی به جز مواردی که در تبصره ماده ۱۲ قانون دیوان استثنا شده اند را باید در زمره صلاحیت دیوان عدالت اداری قرارداد. دیوان عدالت اداری اداره در موارد متعددی رسیدگی و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و



مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را از صلاحیت خود خارج دانسته است اما در خصوص استثنائات مطرح شده در تبصره ماده ۱۲ مذکور به نظر می‌رسد شایسته است میان اعمالی که نهادهای مذکور به عنوان وظایف سیاسی و اقتصادی خود انجام می‌دهند و اعمالی که در قالب امور اداری و سازمانی آنها صورت می‌پذیرد تفکیک قائل شد» (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶ و ۱۴).

گفتار دوم: نظارت قضایی بر انواع آیین نامه‌ها به لحاظ سلسله مراتب قواعد حقوقی:



تصویب قانونی برای تشکیل آن توسط قوه مقننه وعدم تعلق به سازمان رسمی قوه قضاییه بلکه تاسیس و فعالیت آن تحت نظر مقام رهبری است» (خالقی، ۱۳۹۸: ۸۷). باتوجه به قرینه های متعدد دراین آیین نامه نتیجه گرفته می شود که این آیین نامه درواقع یک قانون کامل است که به تصویب مقام رهبری رسیده است و جایگاه آن بالاتر از قوانین عادی است. فصل دوم: اعمال صلاحیت نظارت قضایی بر انواع آیین نامه ها: با درنظر داشتن این نکته که با فقدان منبعی که بدین صورت به این امر بپردازد مواجه هستیم، می توان چنین اظهار نظر کرد؛ باتوجه به مصادیق ذکر شده و همچنین تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲) به نظر می رسد می توان بدین نحو نتیجه گرفت که در برخورد با آیین نامه هایی که در عرض قانون هستند می توان آن ها را مشمول عموم و اطلاق اصل ۱۷۰ دانست و قاضی می تواند با مداخله رویه قضایی و به کارگیری تفسیر قضایی به حل تعارض میان آنها اقدام کند و بدین طریق وظیفه نظارتی خود را اعمال نماید. اما آیین نامه هایی که جایگاهی بالاتر از قوانین عادی دارند مشمول عموم و اطلاق اصل ۱۷۰ نمی شوند؛ چرا که علاوه بر اینکه در قوانین مختلف برای آنها مشخص وجود دارد مانند تبصره ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری، نظریات شورای نگهبان و آرای برخی مراجع قضایی قرینه ای بر این است که مراد قانونگذار در اصل ۱۷۰ آیین نامه های بالاتر از قانون را شامل نشود و این اصل در مقام بیان چنین آیین نامه هایی نبوده است.

بخش چهارم: بررسی نظارت قضایی بر سایر قوانین و مقررات اسلامی موضوع اصل ۱۷۰:

اصل ۱۷۰ لفظ قوانین و مقررات اسلامی را به کار برده است، آیا منظور فقط قوانین عادی است یا شامل قانون اساسی و سایر هنجارهای بالاتر از قانون مانند مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی و یا سایر احکام و فرامین نیز می شود؟ و از طرفی آیا این صلاحیت شامل سایر مقررات مادون قانون مانند آیین نامه های مصوب هیئت وزیران در صورتی که آیین نامه وزیران مغایر آن باشد نیز می شود؟

گفتار اول: قانون اساسی و سایر هنجارهای بالاتر از قانون:

فصل اول: بررسی از طریق مقایسه هنجارهای درجه دوم با هنجارهای درجه سوم:

در مورد نظارت اساسی قضات بر قوانین عادی نظرات موافق و مخالفی وجود دارد. (ر.ک: تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴)

در این پژوهش چنین استدلال شده است که اگر با قیاس آیین نامه ها با قوانین عادی به لحاظ اشتراک در مرتبه ای پایین تر از قانون اساسی قرار گرفتن بررسی شود باید گفت باتوجه به اینکه «قانون اساسی در خصوص نظارت اساسی قضات بر هنجارهای درجه دوم بیانی ندارد و نظارت بر مصوبات مجلس را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است» (همان: ۴). بنابراین به قیاس اولویت در مورد هنجارهای درجه سوم نیز چنین صلاحیتی ندارند. هر چند قائل شدن به چنین نظری اشکالاتی دارد و می توان گفت با اینکه قانون اساسی اصول معینی را برای نحوه کنترل قانون عادی به لحاظ مطابقت با قانون اساسی مقرر نداشته اما بهتراست قضات در مواردی که قانون یا آیین نامه ای را منطبق با قانون اساسی (به عنوان قانون برتر) نمی دانند از اجرای آن خودداری کنند.

فصل دوم: بررسی صلاحیت از دیدگاه دیگران:

«اگر بخواهیم میان اصل حاکمیت قانون از یک طرف و لزوم حفظ امنیت حقوقی از طرف دیگر تعادل ایجاد کنیم نباید این اصل را به طور موسع تفسیر کنیم... بنابراین به نظر نمی رسد که بتوان لفظ قوانین را شامل قانون اساسی نیز دانست. ضمن اینکه اگر قاضی بتواند به استناد قانون اساسی از اجرای مقررات استنکاف کنند می تواند نظم اداری و هنجاری کشور را دچار اختلال کند...» (آقای طوق؛ لطفی، ۱۴۰۱: ۲۸۳).

«به نظر می رسد که منظور از واژه قوانین در اصل ۱۷۰ قانون اساسی اعم از قانون اساسی و قانون عادی است لذا قضات از صلاحیت نظارت اساسی بر هنجارهای درجه سوم همانند صلاحیت قانونی بر آنها برخوردار هستند... در این خصوص رویه دیوان عدالت اداری دلالت دارد که منظور از واژه قوانین اعم از قوانین عادی و اساسی است. با وجود این زمانی که در لایحه اخیر مربوط به دیوان عدالت اداری قید «اساسی» ذکر شد با مخالفت شورای نگهبان مواجه و به حذف واژه اساسی از متن قانون منجر گردید؛ اما همچنان قضات دیوان عدالت اداری از رویه سابق پیروی می کنند...» (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸ و ۱۲).

گفتار دوم: هنجارهای مادون قانون عادی:

«آیا قضات می توانند از اجرای مصوباتی که با مصوبات بالاتر از خود مغایرت دارند خودداری کنند به عنوان مثال آیا قاضی مکلف است از اجرای آیین نامه وزیر که مغایر با آیین نامه هیات وزیران است خودداری کند؟ هر چند امکان چنین نظارتی می تواند به تقویت اصل

۲_ خالقی، علی، (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهلیم، موسسه مطالعات حقوقی و پژوهش های حقوقی شهردانش، تهران مقالات:

۳_ آرایبی، وحید؛ ملک محمدی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی مبانی نظارت قضایی بر اعمال دستگاه های اداری و ارزیابی الگوهای نظارتی در نظام حقوقی ایران، انگلیس، فرانسه، آلمان، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱۰۱، (از ص ۱۵۵ تا ۱۷۶)

۴_ استوار سنگری، کوروش، (۱۳۹۸)، رابطه دیوان عدالت اداری و تکلیف قضات در اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهش های نوین حقوق اداری، شماره یک، (از ص ۳۱ تا ۵۰)

۵_ الهام، غلامحسین؛ میرمحمدی میبدی، مصطفی، (۱۳۹۲) بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره اول، (از ص ۱۵۵ تا ۱۷۹)

۶_ تقی زاده، جواد؛ نجابت خواه، مرتضی؛ فدایی، رضوان، (۱۳۹۵)، صیانت از قانون اساسی توسط قضات محاکم با تاکید بر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هشتم، شماره اول، (از ص ۱ تا ۲۷)

۷_ مقدسی، مهدی؛ اکبری، احسان، (۱۳۹۶)، جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی در نظام حقوق اساسی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۴، (از ص ۸۷۳ تا ۸۹۵)

۸_ ویژه، محمدرضا، (۱۳۹۱)، نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر مقررات اجرایی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۳۷، (از ص ۱۷۱ تا ۲۰۲)

قانون:

۹_ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱۰_ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲

۱۱_ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲

۱۲_ نظریه تفسیری شورای نگهبان، شماره ۸۳/۳۰/۹۳۸۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۳۱

حاکمیت قانون بیانجامد اما امنیت حقوقی خدشه دار می شود، چرا که حجم و تعداد مقررات بسیار بیشتر از قوانین است و اگر به هر یک از قضات چنین امکانی داده شود که پس از سنجش روابط میان مقررات به اجرای آنها بپردازند دیگر نمی توان اطمینان داشت که مقررات اجرا شوند. ضمن اینکه در متن اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز به قوانین و مقررات اسلامی اشاره شده و توجهی به سایر مقررات مانند آیین نامه ها نشده است. «(آقای طوق؛ لطفی، ۱۴۰۱: ۲۸۳). اما به نظر می رسد این دیدگاه با چالش هایی مواجه باشد چرا که دلیلی وجود ندارد تا در صورت مغایرت چنین مصوبه ای با مصوبه هیات وزیران، مصوبه ای که در مرتبه پایین تر قرار دارد را اعتبار داد.

نتیجه گیری:

در مورد تکلیف قضات نسبت به اجرای مقررات موضوع اصل ۱۷۰ قانون اساسی می توان گفت تکلیف قضات تا قبل از تعیین تکلیف دیوان عدالت اداری عملاً و ماهیتاً جنبه اختیاری دارد، و بعد از رای دیوان مبنی بر مغایرت یا عدم مغایرت آیین نامه ها با قوانین و مقررات اسلامی تابع رای دیوان است و برای قاضی تکلیف محسوب می شود؛ هر چند در قوانین ضمانت اجرای مستقیمی برای اعمال یا عدم اعمال این اصل وجود ندارد. ولی شاید بتوان پیشنهاد داد آن را مشمول اصل ۱۷۱ قانون اساسی از باب تقصیر قضات و یا مشمول مصادیق تخلفات انتظامی قضات در قانون نظارت بر رفتار قضات دانست. همچنین در مورد اعمال صلاحیت نظارت بر انواع آیین نامه ها می توان گفت که این اصل علاوه بر اینکه شامل آیین نامه هایی که در مرتبه پایین تر از قانون اساسی و قانون عادی قرار دارند شامل آیین نامه هایی که در عرض قانون هستند نیز می شود اما آیین نامه هایی که جایگاهی بالاتر از قوانین عادی دارند مشمول عموم و اطلاق اصل ۱۷۰ نمی شوند لذا نظارت قضایی بر آنها اعمال نمی شود. و این نکته را هم باید اضافه نمود که در مورد لزوم یا عدم لزوم تشخیص مغایرت آیین نامه ها با قوانین فراتر از قوانین عادی مانند قانون اساسی، و یا هنجارهای مادون قانون عادی مانند تصویب نامه هیات وزیران، اختلاف نظرهایی وجود دارد ولی به نظر می رسد این صلاحیت می تواند شامل چنین مقرراتی نیز بشود.

منابع:

کتاب:

۱_ آقای طوق، مسلم؛ لطفی، حسن، (۱۴۰۱)، حقوق اداری ۱، انتشار سوم،

سهامی انتشار، تهران



برهم زدن نامزدی و خسارت های ناشی از آن

محمد مقصودی (دانش آموخته کارشناسی رشته حقوق دانشگاه لرستان)

چکیده: همانطور که از ظاهر قانون مشخص است شخصی که وصلت نامزدی را برهم می زند مکلف نیست خسارت ناشی از آن را جبران کند ولی همانطور که مشخص است اگر واکنشی نسبت به برهم زدن نامزدی وجود نداشته باشد به نظر می رسد که هر شخص هر موقع بخواهد نامزدی می کند و هر موقع بخواهد به راحتی آن را برهم می زند و اینگونه با آبرو و حیثیت افراد و خانواده ها و همچنین عواطف و احساسات طرف مقابل برهم زنده ی نامزدی بازی می شود و به سخره گرفته می شوند اما باید توجه داشت اگر در دوران نامزدی هزینه ای انجام نشده باشد و هر دو طرف مقابل از برهم زدن آن راضی باشند و خسارت مادی و معنوی متحمل نشوند مشکلی به وجود نمی آید و می توانند آن (نامزدی) را برهم بزنند. اگر واکنشی در نظر گرفته نشود افراد می توانند با نامزدی کردن از طرف مقابل سو استفاده های زیادی از آن ها بکنند و بعد نامزدی را برهم بزنند.

(طبق ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی: ... بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.) پس می توان گفت که خسارت وارد شده توسط شخص برهم زنده نامزدی با توجه به قاعده فقهی غرور، در صورت نداشتن علت موجه، خسارت، شرعا قابل مطالبه هست و این به این معنی هست که طرفی که از برهم خوردن نامزدی خسارت دیده، فریب خورده باشد و خسارت مادی و معنوی ای را متحمل شده باشد در این صورت می تواند جبران خسارت ها را بر مبنای قاعده غرور خواستار شود.

کلید واژه ها: نامزدی، غرور، جبران خسارت، برهم زدن، خسارت مادی، خسارت معنوی

ناشی از برهم زدن نامزدی در صلاحیت دادگاه خانواده است

مقدمه

چالش تحقیق:

سوال تحقیق:

آیا برهم زدن نامزدی مسئولیتی ایجاد می کند یا خیر؟
چارچوب نظری تحقیق: هر کس به دیگری خسارتی وارد کند ملزم به جبران خسارت می باشد.

طبق ظاهر قانون مدنی مشخص هست که شخصی که وصلت را برهم می زند مکلف نیست خسارات ناشی از آن را جبران کند حتی اگر عذر موجهی نداشته باشد ولی در بند ۱ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده ذکر شده که خسارت

هدف تحقیق:

اگرچه این نظر برسییم که فرد با برهم زدن نامزدی برای اومسئولیت ایجاد می شود قطعاً ملزم خواهد شد که جبران خسارت کند. (ملزم دانستن شخصی که نامزدی را برهم زده هدف تحقیق ماست)

روش تحقیق:

روش تحقیق ما توصیفی تحلیلی می باشد چون می خواهیم به چرایی و به دلایل مسئل ندانستن فرد و چرایی مسئل دانستن او در صورت برهم زدن نامزدی بپردازیم.

ابزار و روش جمع آوری داده ها:

ابزار و روش جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای می باشد چون قرار هست با رجوع به اسناد و مدارک داده ها را به دست بیاوریم.

پیشینه تحقیق یا ادبیات تحقیق:

مورد اول: مقاله ی آقای عبد الرسول دیانی با عنوان (نامزدی، قسمت اول) که در این مقاله درباره ی آثار حقوقی برهم زدن نامزدی در کشورهای مختلف اروپایی بحث صورت گرفته که آیا اگر یک شخص اروپایی نامزدی را برهم بزند مسئل هست یا خیر.

مورد دوم: مقاله آقای سعید توکلی کرمانی با عنوان (خواستگاری و نامزدی) که به این مورد پرداختند که در صورت خواستگاری غیر مجاز اگر خسارت به زن وارد شود زن می تواند از مرد تقاضای جبران خسارت کند و اینکه اگر در دوران نامزدی مرد برای زن مزاحمت ایجاد کند می تواند مرد را مورد تعقیب کیفری قرار دهد یا خیر.

مورد سوم: مقاله ی آقای مرتضی عادل با عنوان (توافق بر خسارت بر قراردادها) که در مورد الزام به پرداخت خسارت های توافقی تحقیق صورت گرفته که یعنی اگر نامزدی را برهم بزنند و خسارت های توافقی را در نظر بگیرند طرفین ملزم به پرداخت هستند.

مورد چهارم: مقاله دیگر از آقای عبد الرسول دیانی با عنوان (نامزدی، قسمت پایانی) که در مورد مسئل دانستن مدنی برهم زننده و متخلف از تعهد به ازدواج تحقیق کرده اند.

ضرورت تحقیق:

در همه موارد همانگونه که در ادبیات تحقیق دیدیم به خسارت های ناشی از برهم زدن نامزدی اشاره شده بود، حال این تحقیق از این جهت ضرورت دارد که چرا قانون مدنی مسئل دانستن را برای شخص برهم زننده ی نامزدی متصور نشده و در صورت عدم در نظر گرفتن مسئل دانستن چه مشکلاتی به وجود می آید و تکلیف خسارت های ناشی از برهم زدن نامزدی به واسطه فریب طرف مقابل و

خسارت های معنوی ناشی از آن در این تحقیق بحث شده است.

سامان دهی تحقیق و تقسیم مطالب

در این مقاله خسارت های ناشی از برهم زدن نامزدی در دو گفتار مهم بررسی می شود:

گفتار الف: خسارات برهم خوردن نامزدی ناشی از فریب خوردگی (قاعده غرور).

گفتار ب: دادگاه صالح برای رسیدگی به خسارت های ناشی از برهم خوردن نامزدی

گفتار الف: خسارات برهم خوردن نامزدی ناشی از فریب خوردگی

نامزدها باید روابط خودشان را با محدودیت های شرعی تنظیم کنند، باید بدانند که هنوز زن و شوهر نیستند، روابط نزدیک آنان، به ویژه روابط جنسی، نامشروع و فرزند ناشی از آن نیز نامشروع است، اگرچه در آینده نزدیک ازدواج کنند و به طور رسمی نکاح خود را ثبت نمایند (گرجی، ۱۳۹۲: ۲۰) همانطور که پیداست نامزد شدن ایجاد مسئل دانستن می کند و همانند ازدواج محدودیت هایی دارد که باید آن ها را رعایت کرد، پس به این معنی است که ممکن است منحل شود و یک طرف یا دو طرف آن را برهم بزنند و خساراتی به بار آید که به آن خسارت های ناشی از برهم زدن نامزدی می گویند. پشیمانی یکی از دو طرف نیز باعث برهم خوردن نامزدی می شود که این مورد هم منجر به پرداخت خسارت های ناشی از برهم زدن آن (نامزدی) می شود (ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی). یکی از عوامل موثر در ایجاد مسئل دانستن فریب خوردن است بدین معنا که اگر شخص اقدام به عملیاتی کند که موجب فریب دیگری شود؛ مثلاً در عقد نکاح، زوج یا زوجه طرف مقابل خود را فریب داده باشد و یا در عقد بیع خریدار از فروشنده فریب بخورد، در این صورت برای فریب دهنده مسئل دانستن و ضمان ایجاد می شود (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۷۷). این نوع از مسئل دانستن که ضمان ناشی از خدعه و فریب هست، در اصطلاح حقوقی (ضمان غرور) نامیده می شود که نوعی ضمان قهری هست که در حقوق از آن به مسئل دانستن مدنی یاد می شود. مباحث مربوط به ضمان غرور، به عنوان قاعده فقهی (المغرور یرجع الی من غره) یا قاعده غرور شهرت دارد (حسینی عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۴۵). مغرور به کسی اطلاق می شود که از فعل و یا گفتار شخصی، در اثر غفلت و بی توجهی و یا در اثر طمع کاری، فریب خورده باشد و غار (خدعه کننده) به کسی اطلاق می شود که فعل یا گفتار او دیگری را گول بزند، اعم از اینکه بداند که در اثر گفتار یا عمل او کسی فریب می خورد



یا نداند یا در حال اشتباه باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۵۵)

در همه این مواردی که ذکر شد معلوم می شود که با فریب خوردگی هم نامزدی بر هم می خورد و می تواند خسارتی برای فریب دهنده به همراه داشته باشد. اگر کسی از راه عمل یا گفتار کسی را فریب دهد و از این ناحیه به او ضرر و خسارتی وارد کند، آن کسی که مغرور شده حق دارد شرعا و قانونا به کسی که فریبش داده رجوع کند و همه خسارات و غرامات وارده را از او مطالبه نماید؛ اگر چه فریب دهنده قصد خدعه هم نداشته باشد، بلکه اگر فریب دهنده جاهل و یا امربر او مشتبه شده باشد و یا خودش از ناحیه دیگری فریب خورده باشد، بر او

واجب هست ضرر و

زیان وارد شده بر مغرور

را جبران نماید و شرعا

ضامن خواهد بود

(محقق داماد، ۱۳۸۲:

۱۶۳).

با توجه به نقل ها اگر

کسی نامزدی کند و به

طرف مقابلش علاقه

مند شود ولی معلوم

شود که طرف مقابل

قصد فریب دادن او را

داشته و نی خواسته مثلا اموال او را ببرد می توان گفت که باید آن

اموال را مسترد دارد اما حال، چگونه می تواند خسارت معنوی وارد

شده در اثر برهم خوردن این نامزدی را جبران کند؟ آیا معیاری برای

جبران کردن این خسارت معنوی وجود دارد؟ آیا اصلا این خسارت

معنوی قابل جبران هست؟ اگر بخواهیم اتخاذ موضعی برای این

نقدمان داشته باشیم باید گفت که چون زیان دیده می تواند همه

ی خسارات و غرامات وارده را مطالبه نماید، می تواند به خاطر آن

شکست عاطفی تصمیم بگیرد چیزی را مطالبه کند که بیشترین

افسوس را برای فریب دهنده داشته باشد مثلا از او بخواهد

ماشین چند صد میلیاردی ای را که برای او خریده پس بگیرد.

بدون شک قاعده غرور در صورتی که مغرور آگاه به تدلیس و فریب

از جانب غار باشد جریان ندارد بنابراین جهل مغرور از شرایط

اصلی قاعده غرور هست (مصطفوی، ۱۷۸: ۱۴۲۱؛ محقق داماد، ۱۳۸۲:

۱۶۹؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۴۱).

برخی اظهار داشته اند: برای اینکه عنوان مغرور تحقق پیدا کند جاهل بودن شخص فریب خورده شرط اصلی هست (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۷۷). می توان گفت کسی که از برهم خوردن نامزدی متضرر می شود و قربانی شده هست نباید اطلاع داشته باشد که فریب دهنده دارد او را فریب می دهد، به نظر می رسد اگر اینگونه نمی بود فریب خورده می توانست عالم بودن خود را مخفی نگه دارد و بعد از اینکه فریب دهنده عمل فریب را انجام می داد طوری رفتار کند و تظاهر کند که انگار فریب خورده و احساسات و عواطف اطرافیان فریب دهنده و حتی خود فریب دهنده را طوری تحت تأثیر قرار دهد که

حتی آن ها حاضر شوند

دو برابر هزینه های

انجام شده را بپردازند

که بتوانند وجدان

آسیب دیده ی خود را آرام

کنند و در این صورت هم

فریب خورده ی تقلبی

از این شرایط بیشترین

سو استفاده های

ممکن را انجام می دهد

، پس می توان گفت با

توجه به این اظهارات کاملا منطقی به نظر می رسد که شخصی که

فریب می خورد کاملا نسبت به این فریب و خدعه بی اطلاع باشد.

اصولا در اسلام تاسیس نامزدی ریشه و مبنای شرعی ندارد؛ اما باید

توجه داشت که نامزدی اگر چه فاقد جواز شرعی و از تاسیسات

حقوقی غیر اسلامی هست ولی در عرف اسلامی این مقدار بوده

و هست که قبل از اجرای صیغه نکاح، با مشارکت افرادی از دو

طرف ازدواج، مذاکرات مقدماتی و اصطلاحا خواستگاری صورت

میگیرد چه همراه با تشریفات و مراسمی هست و برای طرفین

مخارجی را در بر دارد. در اسلام نیز مرسوم بوده هست که زوج قبل

از نکاح می توانسته مالی به زوجه بدهد و بعد با او ازدواج کند

همچنین در باب نکاح ذکر شده که زوج قبل از نکاح می تواند

زوجه را ببیند (شیخ طوسی، بی تا، ج ۲: ۳۵۷؛ سبحانی، ۱۳۱۶، ج ۱: ۱۵)

پس این به این معنی هست که وقتی نامزدی صورت می گیرد و

مخارجی برای آن صرف می شود در صورت برهم زدن آن هزینه های

بپردازد چه هزینه های مادی ای که پرداخت شده و چه هزینه های مادی ناشی از خسارت معنوی باید پرداخت شود. که در این راستا باید توجه داشت فسخ نامزدی اگر در آن هیچ هزینه ای انجام نشده باشد یا خسارات مادی و معنوی وارد نشده باشد برای کسی که نامزدی را برهم می زند مسئولیت ایجاد نمی کند، تنها در صورتی برای او مسئولیت ایجاد خواهد کرد که وقتی نامزدی را فسخ می کند در واقع موجب بروز خساراتی شود مانند اینکه روشن شود در دوران نامزدی طرف مقابل را فریب داده باشد که اموالی به نام او سند بزند و بعد از اینکه اموال به نام او شد نامزدی را فسخ کند در واقع این به این معنی هست که وقتی این شرایط و اوضاع و احوال احراز شد روشن می شود که خسارتی به طرف مقابل زده هست و طرف مقابل هم که فریب خورده مستحق جبران خسارت می باشد. پس با توجه به این مطالب می طلبد قانون گذار برای کسی که نامزدی را برهم می زند واکنشی در نظر بگیرد که افراد با رعایت و ملاحظه بیشتری به سمت رابطه با طرف مقابل بروند و همچنین این که طرف مقابلی که از برهم خوردن نامزدی خسارت مادی و معنوی دیده قانون را حامی خودش می داند. و ایجاد محدودیت در این زمینه باعث می شود که آبرو و حیثیت افرادی که از برهم خوردن نامزدی آسیب می بینند کمتر بازچه دست افراد خوش گذران بشود.

منابع

- _ گرجی ابوالقاسم. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- _ مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق)، مائة قاعدة فقیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- _ حسینی عاملی، سید جواد ابن محمد. (۱۴۱۹ق)، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- _ موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهية، قم: نشر الهادی
- _ محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۲)، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
- _ حسینی مراغی، میر عبد الفتاح. (۱۴۱۸ق)، العناوین، قم: موسسه النشر الاسلامی
- _ شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق) الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیة
- _ سبجانی، جعفر، (۱۴۱۶ق)، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغما، قم: موسسه امام صادق (ع)

صرف شده قابل مطالبه هستند چه آن هزینه های مادی صرف شده مثل انگشتر که باید مسترد شود و چه آن هزینه های ناشی از خسارت های معنوی مثلاً هزینه داروهای آرام کننده عصاب برای طرفی که از برهم خوردن نامزدی دچار بیماری روحی شده هست، پس این به این معنی هست که تمام خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی قابل مطالبه هست، اما اینکه خسارت معنوی ناشی از برهم زدن نامزدی چگونه قابل مطالبه هست در قانون نیامده و در این مورد بحثی صورت نگرفته، مثلاً اگر بعد از گذشت چند ماه از برهم خوردن نامزدی یکی از طرفین خودکشی کند آیا می توان به لحاظ قانونی این مورد را خسارت معنوی ناشی از برهم زدن نامزدی دانست یا خیر.

گفتار ب: دادگاه صالح برای رسیدگی به خسارت های ناشی از برهم خوردن نامزدی

مطابق قانون حمایت از خانواده جدید، دعاوی مرتبط با نامزدی در دادگاه خانواده رسیدگی می شود، اما باید دقت داشت، خودداری از ازدواج به تنهایی مجوز مطالبه خسارت در دادگاه نیست، بلکه اگر در اثر برهم خوردن نامزدی بدون علت موجه به حیثیت و آبروی یکی از دو طرف لطمه وارد شود، نامزد زیان دیده می تواند جبران خسارت مادی را بخواهد. در خصوص ورود خسارت و زیان های معنوی که از برهم زدن قرارداد نامزدی به یکی از نامزدها وارد می شود، نیز باید گفت که بدیهی هست مطابق با مقررات قانون مسئولیت مدنی و در صورت اثبات ورود خسارات ناشی از برهم خوردن قرارداد نامزدی، امکان مطالبه خسارات معنوی و روحی نیز وجود دارد. لکن به صورت معمول رویه قضات دادگاه های دادگستری معطوف به خسارات معنوی نبوده و کمتر اتفاق می افتد که در بررسی و اظهار نظر نسبت به چنین پرونده هایی، آرای مبنی بر پرداخت مبالغی وجه نقد به عنوان جبران خسارت معنوی صادر شود. نکته این که مطابق قانون جدید حمایت از خانواده خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی باید در دادگاه خانواده رسیدگی شود. با این وجود شخصی که حقی دارد، باید به طور راسخ و مصمم با استفاده از دانش حقوقی و اطلاعات قانونی و با آگاهی نسبت به قانون جدید، نسبت به احقاق حق خود و پیگیری های آن پیش رود تا بتواند عدالت را بر خودش اجرا شدن ببیند.

نتیجه

با توجه به مطالب ذکر شده نتیجه گرفته می شود که کسی که نامزدی را برهم می زند باید تمام خسارت ناشی از برهم زدن آن را



بازخوانی انتقادی امکان آموزش و پرورش غیردولتی براساس قانون اساسی ج.ا.ا.

زهرا جعفرآبادی (دانش آموخته کارشناسی رشته حقوق دانشگاه لرستان)

چکیده:

دولت با توجه به قانون اساسی باید آموزش برابر را تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد اما مدارس غیردولتی آموزش نابرابر و بسیار بالاتری به قشر مرفه در مقایسه با امکانات طبقه متوسط ارائه می دهند. وجود مدارس غیردولتی در سطح کشور که به صورت رایگان نیستند، مخالفتی با قانون اساسی ندارد و از طرفی دولت مکلف به ارائه ی وسایل آموزش و پرورش رایگان و همچنین عدم تبعیض در جامعه است. در این مقاله سعی شده است با روش توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه ای به بیان چالش و موضوع پردازیم. هدف قانونگذار اساسی از وضع اصول مرتبط با آموزش همگانی و رایگان، ریشه کن کردن بیسوادی در سطح جامعه بوده است. از طرفی برای کارآمدی بهتر مدارس دولتی، می توان مدارس غیرانتفاعی در سطح کشور تاسیس کرد که این منافاتی با اصول قانون اساسی ندارد ولی باید با نظارت و مشارکت موثر دولت و مردم همراه باشد.

واژگان کلیدی: مدارس غیرانتفاعی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدالت آموزشی، مدارس دولتی، نظام آموزش و پرورش ایران

مقدمه

غیردولتی موافق با این اصل است یا مخالف؟

چالش:

در این اصل ذکر شده دولت موظف است وسایل آموزش و

پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد، این مدارس غیردولتی مجوز شان را از دولت اخذ می کنند ولی از طرفی در اصول دیگر قانون اساسی همچون اصل نوزدهم و بیستم آمده است که دولت باید مانع هرگونه تبعیض در جامعه شود، پس عدالت چه میشود؟

اصل سی ام قانون اساسی بیان می دارد: ((دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.)) بحثی که پیش می آید این است که وجود مدارس

روش تحقیق و جمع آوری داده ها: در این مقاله سعی بر آن است که با روش توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه ای به بیان چالش و بررسی موضوع پردازیم.

پیشینه تحقیق: ۱. حاضری، محمدعلی، آریان راد، امین، مسئله عدالت آموزشی در دهه نخست جمهوری اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۷: بررسی تاریخ شکل گیری مدارس غیر انتفاعی، در دهه نخست جمهوری اسلامی زیاد شدن مشکلات مالی حکومت به دلیل جنگ و افزایش جمعیت و تقاضا موجب گرایش به خصوصی سازی آموزش و معنا کردن آن به عدالت آموزشی شد.

۲. گل پرور، محسن

، عریضی، سید

حمیدرضا، رابطه

نحوه نگرش به

مدارس غیرانتفاعی

با روی کرد های

عدالت اجتماعی،

سال چهارم، شماره

۱۵: بررسی رابطه

عدالت اجتماعی

با مدارس غیر

انتفاعی و نگرش

مردم در عادلانه بودن این مدارس، تحلیل مسیر نگرش ها در باب مدارس غیر انتفاعی در ابعاد مختلف و رویکرد افراد جامعه به عدالت اجتماعی بررسی شده است.

۳. مرندی، اله، قربانی، اعظم، مبانی و سازو کارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری، دوره دهم، شماره یکم: بررسی نظام آموزشی در حقوق ایران بر اساس قانون اساسی و قوانین عادی، ایجاد وسایل و مراکز مناسب آموزشی رایگان و دسترسی به آنها از سازو کارهای حمایتی از حق آموزش در قانون اساسی ج.ا.ا. است.

۴. رحمت الهی، حسین، دانش نادی، زهرا، حق و آزادی آموزش و پرورش، سال سوم، شماره ۷: بررسی حق آموزش بر اساس قانون اساسی ایران و قوانین عادی، افراد جامعه حق برخورداری از آموزش رایگان را دارند و از آزادی آموزش برخوردارند.

۵. یاری قلی، بهبود، بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیر انتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت

طرح سوال اصلی: آیا آموزش و پرورش غیر دولتی میتواند در سطح جامعه وجود داشته باشد با توجه به اینکه آموزش و پرورش جزو نهاد های اجتماعی است که باید عدالت داشته باشد؟
طرح سوالات فرعی: با توجه به اینکه کشور ما جزو جوامع اسلامی است و قانون اساسی هم بر این موضوع تاکید دارد و در این جوامع اصل بر این است که افراد باید از حقوق فردی و اجتماعی یکسان برخوردار باشند آیا این شیوه آموزشی مغایر با این اصل نیست؟ وجود مدرسی با خدمات لوکس و اردوهای خارج از کشور و خدماتی

که برای ارائه آن چندین میلیون از والدین پول گرفته می شود آیا به معنای این نیست که وجود مدارس غیر دولتی یعنی اینکه پولدارها می توانند آموزش با کیفیت و خوب ببینند و آیا این نقض عدالت آموزشی نیست؟

فرضیه: فرض ما این است که با اینکه این مدارس به صورت رایگان نیستند ولی مخالفتی با اصل سی ام قانون اساسی ندارند. چارچوب نظری: ((تحقق عدالت از شعارها و اهداف اجتماعی حاکم در جوامع بشری و یکی از عوامل موثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش است. مک لود (۲۰۱۰) عدالت را حیاتی ترین عامل نهادهای اجتماعی می داند و از آنجایی که آموزش و پرورش جزو نهادهای اجتماعی هستند بحث عدالت در این محیط ها یک نکته کلیدی است.)) (اسلامی هرنیدی و همکاران، ۲۰۱۳: ۹۸) (رسیدن به مدینه فاضله اسلامی منوط به تحقق اهداف عدالت در گستره جامعه اسلامی است و این مهم میسر نمی شود مگر با شناخت صحیح و همه جانبه از مفهوم عدالت...)) (صفاری و همکاران، ۸: ۱۳۹۹) عدالت آموزشی، فراهم کردن فرصت برابر در آموزش عادلانه است.

هدف: هدف ما در این مقاله بررسی امکان وجود یا عدم وجود مدارس غیر دولتی در سطح جامعه است.





رویکرد هرمنوتیکی، سال سوم، شماره ۲: بررسی اهداف و اصول تاسیس مدارس غیر انتفاعی، بیان ناسازگاری مدارس غیر انتفاعی در مبانی و اصول خود با عدالت اجتماعی و وارد کردن نقدهایی بر وجود این مدارس و محقق نشدن اهداف تشکیل این مدارس. ضرورت تحقیق: ضرورت عملی بحث از آن روست که اصل سی ام قانون اساسی تاکید بر فراهم سازی امکان آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت دارد اما وجود مدارس غیر انتفاعی در سطح جامعه و خدمات ارائه شده توسط آنها ناسازگار با این اصل به نظر میرسد و به نظر میرسد تاکنون مقاله مستقلى در این زمینه ارائه نشده است. سامان دهی: لذا بر این اساس این مقاله را به دو بخش تقسیم نموده که ابتدا مدارس غیر انتفاعی و سپس موازنه آزادی و عدالت آموزشی بر اساس حقوق موضوعه ایران را بررسی خواهیم نمود.

بخش اول: مدارس غیر انتفاعی

((آموزش و پرورش در حکم مهمترین نهاد اجتماعی در ایفای رسالت خویش نیازمند به کارگیری منابع فکری، مالی، حمایتی و معنوی قابل توجهی است که تامین آن به شرایط فرهنگی و نگرش جامعه به ویژه تصمیم گیرندگان حوزه تعلیم و تربیت رسمی کشور بستگی دارد. از جمله تغییرات و رویدادهایی که نظام آموزشی کشور ما در طول سال های پس از انقلاب اسلامی تجربه کرده است، فعالیت مدارس غیر انتفاعی در کنار مدارس دولتی است. این مدارس زیر نظر وزارت آموزش و پرورش کشور، بر اساس هدف ها و سیاست های آن، اما با مشارکت مالی مردم اداره می شوند. مدارس غیر انتفاعی با وجود فرض ها و اصول زیربنایی قوانین مربوط به آنها، به منظور آزاد سازی بخشی از هزینه های آموزش و پرورش از طریق واگذاری آن ها به خانواده های مرفه و در نتیجه ارتقای سطح آموزش و پرورش با تکیه بر توان مردم صورت گرفت.)) (یاری قلی، ۱۳۹۲: ۲) وجود مدارس غیر انتفاعی در سطح جامعه امری آشکار است و ما نیز بر آن اذعان داریم.

فصل اول: تاسیس مدارس غیر انتفاعی

اینک می خواهیم تاریخچه و اهداف و اصول مدارس غیر انتفاعی را در دو گفتار بررسی کنیم.

گفتار اول: تاریخچه مدارس غیر انتفاعی

((کوشش برای برقراری عدالت آموزشی با تصویب قوانینی در دوره مشروطه و پهلوی اول آغاز شد. این کوشش ها در دوره پهلوی دوم تداوم یافت. حکومت پهلوی دوم با افزایش درآمد های نفتی در دهه ۱۳۵۰، آموزش عمومی و عالی را رایگان اعلام کرد. با این حال

حق شهروندان را برای تصمیم درباره تحصیل در مراکز آموزش ملی/ خصوصی و دولتی با تصویب قانون الحاق به قرارداد بین المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات به رسمیت شناخت. در دوره جمهوری اسلامی بر سر بودن یا نبودن مراکز آموزشی غیر دولتی اختلاف نظر به وجود آمد. جناح چپ که طرفدار دولتی سازی همه امور بود توانست با تصویب قانونی بر خلاف قانون الحاق به قرارداد بین المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات همه مدارس ملی کشور را دولتی و مراکز آموزش عالی خصوصی را در قالب دو دانشگاه دولتی ادغام کند... چند سال بعد کوشش برای نظام مند کردن این مدارس در کنار عواملی از قبیل تداوم مهاجرت از روستاها به شهرها و رشد جمعیت شهری، افزایش شمار دانش آموزان و به ویژه دانش آموزان دختر که بعضی از آن ها تا پیش از آن به دلایل شرعی به مدارس نمی رفتند؛ مشکل کمبود مدارس و در نتیجه شکل گیری مدارس چند نوبته را در پی آورد... بدین ترتیب راه اندازی مدارس خصوصی که نام غیر انتفاعی یافته بودند، راهکار گسترش عدالت آموزشی معنا شد...)) (حاضری، آریان راد: ۱۳۹۶: ۲۲ و ۲۳) همانطور که در تاریخچه شکل گیری این مدارس ذکر شد از دوران مشروطه و پهلوی تا دوران جمهوری اسلامی بحث ایجاد این مدارس مطرح بوده است.

گفتار دوم: اهداف و اصول مدارس غیر انتفاعی

((در خرداد ماه سال ۱۳۶۷، قانون مدارس غیر انتفاعی در قالب ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره به تصویب رسید و مدارس خصوصی به از سرگیری فعالیت مجدد خود چند سال پس از انقلاب نائل آمدند. مطابق ماده ۱ قانون تاسیس مدارس غیر انتفاعی مصوب مجلس شورای اسلامی در مورخ ۶۷/۳/۵ مدارس غیر انتفاعی در زمره مدارس محسوب می شوند که از محل مشارکت های مردمی و مطابق هدف ها، ضوابط، برنامه ها و دستورالعمل های عمومی وزارت آموزش و پرورش و تحت نظارت وزارت خانه مذکور، احداث و اداره می شوند... بنابراین پرداخت شهریه تحصیلی از جمله شروط اولیه ثبت نام جهت ورود به مدارس غیر انتفاعی می باشد. از جمله قوانین مدارس غیر انتفاعی جهت اعمال عدالت تربیتی طرحی به نام طرح رافع می باشد. از طریق طرح شماری از دانش آموزان یتیم و با استعداد می توانند به صورت رایگان جذب مدارس غیر انتفاعی شوند... علاوه بر این شرایط اقتصادی جامعه در زمان تصویب این طرح نیز باید مورد توجه قرار گیرد. کشور ما در زمان تصویب قانون

امکانات آموزشی که هر شهر و هر روستا باید به نسبت جمعیت داشته باشد (رنانی ۱۳۹۴) و عدالت عمودی اشاره به رفتار برابر با نابرابرها دارد در این نوع عدالت تلاش می شود تا برای هر دانش آموز مطابق نیاز و شرایط او، خدمات و منابع آموزشی فراهم شود (کاپاتینو ۲۰۱۷)) (اسلامی هرنیدی و همکاران، همان: ۲) ((در باره کارکرد اجتماعی عدالت آموزشی و رابطه آن با آموزش دولتی میان محققان اختلاف نظر وجود دارد. برخی خواهان آموزش دولتی در همه سطوح آموزش، برخی خواهان آموزش دولتی و اجباری در سطح آموزش عمومی و برخی خواهان آموزش دولتی و نیز خصوصی در همه سطوح آموزش به موازات یکدیگر هستند)) (حاضری، آریان راد، همان: ۴) ما نیز تا حدودی اذعان بر نظر سوم داریم، زیرا نظراول در همه سطوح آموزش ممکن نیست و دولت نیاز به هزینه کردن بیشتر دارد که با مشکلات اقتصادی کنونی ممکن به نظر نمی رسد. نظر

دوم هم موافق با حق آزادی افراد نیست و نمی شود افراد را مجبور به آموزش کرد و اگر آموزش دولتی و خصوصی همگام با یکدیگر باشد می تواند در سطح رقابت

ها و کارایی ها تاثیر گذار باشد و دولت امکان فراهم کردن امکانات آموزشی را برای افراد کم درآمد جامعه بهتر می تواند فراهم کند ولی اگر کاملاً دولتی باشد آموزش در تمام سطوح، درست است که از یکسری از تبعیض ها جلوگیری می شود ولی کیفیت آموزش شاید به مراتب کمتر شود، از طرفی موسساتی نیز هستند که به صورت خصوصی جدا از دولت فعالیت های آموزشی انجام می دهند که در این صورت باز نمی توان از آموزش افراد مرفه در این مراکز جلوگیری نمود.

بخش دوم: موازنه آزادی و عدالت آموزشی بر اساس حقوق موضوعه ایران

((از یک سو پذیرش تاسیس مدارس خصوصی مطابق با آزادی آموزش است و از سوی دیگر همین آزادی می تواند ناقض برابری افراد جامعه شود.)) (رحمت الهی، دانش ناری، ۱۳۹۳: ۵) از آن جایی که این موضوع در قوانین ما منعکس گردیده لذا بر اساس

تاسیس مدارس غیر انتفاعی یعنی سال ۱۳۶۷ به علت محدودیت منابع مالی آموزش و پرورش که ناشی از افزایش جمعیت دانش آموزان، تورم ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی و کاهش درآمد دولت بود، در صدد جلب منابع مالی از جانب مردم در امر آموزش و پرورش برآمد. اگرچه جلب منابع مالی برای آموزش و پرورش می تواند راه های دیگری هم داشته باشد، اما مدارس غیر انتفاعی یک راه حل علمی و ممکن بود. مدارس غیر انتفاعی با پذیرش مسئولیت آموزش و پرورش خانواده های مرفه با هزینه خود آنان، می تواند بخشی از هزینه های آموزش و پرورش را از دوش دولت بردارد و دولت می تواند امکانات مالی آزاد شده را در خدمت آموزش و پرورش دانش آموزان غیر مرفه به کار گیرد و از این طریق سطح آموزش و پرورش کل فرزندان کشور را در شرایط ناگوار بالا ببرد...

(یاری قلی، همان: ۶۵)

اهداف و اصول شکل گیری مدارس غیر انتفاعی بیان گردید که نقش عوامل گوناگون را باید در دوران شکل گیری این مدارس مورد توجه قرار داد.

فصل دوم: اهمیت عدالت آموزشی

((تحقق عدالت یکی از شعارها و اهداف اجتماعی حاکم در جوامع بشری و عاملی موثر در تحقق آموزش و پرورش است.)) (اسلامی هرنیدی و همکاران، همان: ۲)

((یکی از جنبه های عدالت، عدالت آموزشی است. در محیط های آموزشی زمانی عدالت تحقق می یابد که یادگیرندگان از طریق درون داده ها و فرآیندها در مدارس بتوانند اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی را کسب کنند (یمینی، جلالی و اقبالی، ۲۰۱۷) فراهم کردن فرصت های برابر و عادلانه آموزشی جزئی از عدالت آموزشی است و رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش و پرورش را یک جزء مهم در زندگی افراد می دانند امری اصلی به شمار می آید (لویین ۲۰۰۹). بعضی عدالت آموزشی را به دو قسمت عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم کرده اند. عدالت افقی در آموزش یعنی تعداد صندلی، کلاس، معلم و سایر



قانون اساسی و قوانین عادی در دو فصل به بررسی می پردازیم.

فصل اول: قانون اساسی

((بررسی قوانین داخلی بر مبنای سلسله مراتب میان قوانین ابتدا به بررسی اصول قانون اساسی و سپس قوانین سازمان دهنده در جهت اجرای اصول قانون اساسی می پردازیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل آزادی را به طور کلی مورد توجه شدید قرار داده است و خواسته است که به طور جدی و بدون بهانه به حفظ و رواج و بقای آن عنایت شود. تدوین کنندگان قانون اساسی... اصل وجود آزادی را در دو اصل ۹۰ و ۹۲ قانون اساسی مورد توجه قرار داده است... اصل سوم قانون اساسی بیان می دارد « برای بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده ی صحیح از مطبوعات، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام

سطوح و تحصیل

و تعلیم آموزش

عالی و تقویت روح

بررسی و ابتکار

در همه ی زمینه

های علمی، فنی،

فرهنگی، اسلامی از

طریق تاسیس مراکز

تحقیق و تشویق

محققان. اصل ۳۰

قانون اساسی از

اصول مهم در زمینه

آموزش است. اصل ۳۰ قانون اساسی بیان می کند: ((دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.)) در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی تدوین قانون اساسی این اصل به عنوان حق ملت در نظر گرفته شده است... از مجموع مذاکرات در زمینه ی رایگان بودن حق آموزش چنین برداشت می شود که اگرچه اصل بر رایگان بودن حق مذکور است اما این امر به معنای نفی آموزش خصوصی نیست. به نظر می رسد از لحاظ قانون اساسی آزادی تعلیم و تربیت مفروغ عنه بوده و نیازی به تصریح نداشته است. در واقع هدف مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی این بوده که بی سوادی را ریشه کن سازد تا سطح آگاهی های عمومی بالا رود

و بدین سان محیطی مساعد برای رشد فضایل اخلاقی فراهم گردد. (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۶)) (رحمت الهی، دانش ناری، همان ۱۴۰۱) برای بررسی بیشتر موضوع به نظرات دیگران نیز می پردازیم. ((... دو پارادایم وجود دارد: پارادایم کارکرد گرایی و پارادایم انتقادی. پارادایم کارکرد گرایی مدرسه را سازوکاری موثر برای مقایسه و تخصیص افراد مستعد و ابزاری برای ایجاد و مهارت های شناختی می داند... براساس این پارادایم برخی نظریه پردازان کارکرد آموزش و پرورش را موجب تحرک اجتماعی و تحقق بخش عدالت اجتماعی می دانند؛ آنان تاکید دارند که عدالت آموزشی از مهم ترین مطالباتی است که ذیل عدالت اجتماعی شمرده می شود. از این جمله هایمن تاکید می کند که طبق یافته های بسیاری از تحقیقات، عدالت آموزشی متغیری

بسیار مهم در موفقیت

و پیشرفت دانش آموزان

در کشور های در حال

توسعه و فقیر است

هرچند زمینه اجتماعی

اقتصادی هم نقش

در خوری دارد. (حسینی،

۲۰۱۳: ۸۹) کلمن نیز

معتقد است که ایجاد

امکان آموزش رایگان

برای بچه ها بدون در

نظر گرفتن سابقه خانوادگی، طبقه اجتماعی، قومی، نژادی، و نیز جنس از ضروریات عدالت آموزشی است (سرخ جعفر، ۱۳۸۶: ۱۰۷) از دیدگاه این دسته از نظریه پردازان آموزش کالایی عمومی است؛ بنابراین آنان مخالف آموزش خصوصی و خواهان آموزش دولتی هستند. از دیدگاه آنان گسترش آموزش خصوصی موجب جذب امکانات آموزشی بهتر در مراکز خصوصی و اختلاف کیفیت خدمات آموزشی مراکز آموزشی خصوصی و دولتی و ایجاد تبعیض می شود. پارادایم انتقادی تفسیر متفاوتی از آموزش و پرورش و رابطه آن با جامعه عرضه می کند. این پارادایم نیز همانند پارادایم کارکرد گرایی، معتقد است مدرسه رابطه نزدیکی با جامعه دارد؛ ولی بر این باور است که مدرسه بیشتر با تقاضاهای نخبگان جامعه رابطه دارد تا با نیاز های کل آنان. این پارادایم؛ مدرسه را عاملی می داند



اما در عمل نیز با اینکه باید تحصیل در مدارس دولتی رایگان باشد با این حال برای امکانات جانبی، هزینه هایی از والدین گرفته می شود. همانطور که الان در دوران پاندمی کرونا نیاز به امکانات جانبی از جمله گوشی هوشمند و اینترنت وجود دارد و خانواده هایی امکان فراهم کردن این وسایل را ندارند باید دولت در این راستا اقداماتی موثر انجام دهد. (مرندی، قربانی، ۱۴۰۰: ۱۹، ۲۰)

فصل دوم: قوانین عادی

((از جمله قوانینی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تصویب شد، اساسنامه ی نهضت سواد آموزی جمهوری اسلامی ایران است که در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۳۰ به تصویب رسیده است... همانطور که در ماده ی

این اساسنامه تصریح شده است، هدف اصلی از ایجاد این نهاد از بین بردن بی سوادی است ... از دیگر قوانین، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش است ... به طور کلی درباره ی قانون مذکور می توان گفت این قانون یک قانون سازمان دهنده است و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی است که به آموزش و پرورش اهتمام داشته است. از دیگر قوانین مرتبط با آموزش و پرورش قانون برنامه پنجم توسعه ی جمهوری اسلامی ایران است ... از دیگر مصوبات مربوط به آموزش و پرورش سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش است که از جمله ی مصوبات شورای عالی انقلاب

فرهنگی است.)) (رحمت الهی، دانش ناری، همان: ۱۱ و ۱۲ و ۱۳) در این قوانین نیز همچون قانون اساسی اینطور به نظر میرسد که هدف ریشه کن کردن بیسوادی بوده و به این علت دولت موظف به ارائه ی امکانات آموزشی به تمام اقشار جامعه است و وجود مدارس غیر انتفاعی به معنای نقض این مورد نیست زیرا دولت زمینه های تحصیل را برای همه مردم فراهم می کند.

نتیجه گیری

مسئله ایجاد و شکل گیری مدارس غیر انتفاعی از زمان مشروطه و پهلوی تا دوران جمهوری اسلامی مطرح بوده است

که در جهت منافع نخبگان عمل می کند، نابرابری های موجود را تقویت می کند و نگرش خاصی در افراد به وجود می آورد تا وضع موجود خود را پذیرا باشند (...)) (حاضری، آریان راد، همان: ۳ و ۲) از آنجاییکه آنچه به زعم من از قانون اساسی برمی آید این است که هدف از تدوین این اصول مبنی بر رایگان بودن آموزش، به معنای نفی آموزش خصوصی نیست همانطور که دیگران نیز به این موضوع اشاره کرده اند (رحمت الهی، دانش ناری، همان: ۱۱) در واقع هدف این بوده که بیسوادی ریشه کن شود با توجه به بستر هایی که در زمان تصویب قانون مدارس غیر انتفاعی وجود داشته

است از جمله وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و... کشور، که بعد از جنگ تحمیلی و میزان تحصیلات اقشار جامعه در آن زمان کمتر از الان بوده، به نظر مخالفتی با قانون اساسی ندارد. و آموزش دولتی در همه سطوح آموزش به نظر امری درست به نظر نمی آید: ((خصوصی سازی آموزش و پرورش علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت، با ایجاد یک بازار رقابتی در قلمرو یاد دهی و یادگیری به کارایی بیشتر در استفاده از منابع، توجه بیشتر به سلاقی و انتخاب های افراد جامعه منجر و با افزایش حمایت عمومی نسبت به آموزش و پرورش و طلب پاسخ

گویی بیشتر از ارائه دهندگان خدمات قادر به ارتقا کیفیت آموزش است.)) (خدیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲) بنابراین ما مخالف پارادایم کارکرد گرایی هستیم زیرا کاملاً دولتی بودن آموزش باعث ارتقای کیفیت آموزش نخواهد شد. از طرفی خصوصی سازی کل آموزش نیز امر درستی نیست زیرا دولت مکلف به ارائه آموزش رایگان و همگانی است و خصوصی سازی کل آموزش کشور باعث عدم توانایی و دسترسی اقشار متوسط و کم درآمد جامعه به آموزش می شود. بنابراین بهتر است مدارس دولتی و غیر انتفاعی همگام باهم فعالیت کنند اما با نظارت موثر دولت و مردم.





که بعد از انقلاب با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پیش آمده بعد از جنگ تحمیلی، یک راه حل علمی و ممکن بود. مدارس غیر انتفاعی محل مشارکت های مردمی و مطابق اهداف و برنامه ها و دستورالعمل های عمومی وزارت آموزش و پرورش، احداث و اداره می شوند. این مدارس منافاتی با مفهوم عدالت آموزشی ندارند. عدالت آموزشی فراهم کردن دسترسی همه افراد به آموزش است، اما به معنای نفی آموزش خصوصی نیست. آموزش نمی تواند صرفاً خصوصی یا صرفاً دولتی باشد و بهتر است ترکیبی از این دو با نظارت و مشارکت دولت و مردم باشد. بنابراین برای کارآمدی بهتر مدارس دولتی، می توان وجود مدارس غیر انتفاعی را در سطح جامعه پذیرفت. همگام بودن آموزش دولتی و خصوصی با یکدیگر می تواند در سطح رقابت ها و کارایی ها تاثیرگذار باشد و صرفاً دولتی بودن از کیفیت آموزش می کاهد. هدف قانون اساسی از ارائه اصول مختلف در رابطه با آموزش رایگان و همگانی ریشه کن کردن بیسوادی بوده است و نیازی به تصریح ندارد. مواد مرتبط در این خصوص در قوانین عادی نیز حاکی از این مسئله است.

منابع و مآخذ

الف) مقالات

۱_ اسلامی هرندي، فاطمه، کریمی، فریبا، نادى، محمد علی، شناسایی مولفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران، فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۴۷، ص ۵۵-۷۵، زمستان ۹۸

۲_ حاضری، محمد علی، آریان راد، امین، مسئله عدالت آموزشی در دهه نخست جمهوری اسلامی، تاریخ نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، شماره پیاپی ۱، ص ۱۷۱-۱۴۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶

۳_ خدري، علی، سعیدیان خوراسگانی، نرگس، شاه طالبی حسین آبادی، بدری، مطالعه شیوه های خصوصی سازی در آموزش و پرورش در کشورهای منتخب، به منظور ارائه چارچوب ادراکی مناسب برای خصوصی سازی در آموزش و پرورش ایران، پژوهش در نظام های آموزشی، ویژه نامه، بهار ۱۳۹۷

۴_ رحمت الهی، حسین، دانش ناری، زهرا، حق و آزادی آموزش و پرورش، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۵_ صفاری، فاطمه، برات علی، مریم، میرشاه جعفری، سید

ابراهیم، گلستانی، سید هاشم، استنتاج اهداف، مبانی و اصول عدالت در روش های تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های اسلامی، فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۱۴، ویژه نامه، ص ۲۷-۳۶، تابستان ۱۳۹۹

۶_ گل پرور، محسن، عریضی، سید حمیدرضا، رابطه نحوه نگرش به مدارس غیر انتفاعی با روی کردهای عدالت اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۳

۷_ مرندي، الهه، قربانی، اعظم، مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره دهم، شماره یکم، پیاپی بیستم، ص ۱۰۲-۷۹، بهار ۱۴۰۰

۸_ یاری قلی، بهبود، بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیر انتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت: رویکرد هرمنوتیکی، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال سوم، شماره ۲، ص ۲۱۰-۱۹۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ (ب) قوانین

۹_ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱۰_ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش

۱۱_ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

۱۲_ اساسنامه نهضت سواد آموزی جمهوری اسلامی ایران

۱۳_ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



لزوم بازنگری در قوانین آزمایشی در نظام حقوقی ایران

مریم زمانی (دانش آموخته کارشناسی رشته حقوق دانشگاه لرستان)

چکیده:

براساس اصل ۸۵ قانون اساسی تقنین آزمایشی با شرایط خاصی تجویز شده است. که مانند هر قانون دیگری در ایران یکسری مزایا و معایب را به همراه دارد. مدت اعتبار این قوانین موقتی است و بعد از پایان این مدت بایستی نسبت تبدیل و یا تغییر این قوانین به قوانین دائمی و یا قوانین آزمایشی دیگری تصمیم گیری شود در نهایت با توجه به مطالعات و تحقیقاتی که در این زمینه داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که ارزیابی قوانین آزمایشی آن طور که شایسته است صورت نمی گیرد. و همین امر قوانین آزمایشی را به یک معضل نسبتاً بزرگ در کشور تبدیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: اصل ۸۵ قانون اساسی، تقنین آزمایشی

مقدمه

پیشینه تحقیق یا ادبیات تحقیق:

مورد اول: بارانی بیرانوند، امیر، عبدالله، مختاری، نقد و بررسی تقنین آزمایشی در حوزه قانون گذاری، ۱۳۹۹، ۲۹: این مقاله درمورد مفهوم قانون آزمایشی، شرایط تقنین آزمایشی، مزایا و معایب این قوانین کار شده است
مورد دوم: ناصر علی، منصوریان، آگاه، وحید، جایگاه قوانین آزمایشی در حقوق عمومی ایران، ۵۵، ۱۳۹۰:

در این مقاله در مورد شرایط اصلی تصویب قوانین آزمایشی توصیف و بررسی اصل ۸۵ قانون اساسی و سرانجام قوانین آزمایشی در ایران صحبت شده است

چالش تحقیق: از آنجایی که قوانین آزمایشی برای مدت زمان مشخص و محدودی وضع می شوند، و بعد از این مدت بایستی نسبت به تبدیل این قوانین به قوانین دائمی یا جایگزینی آن ها با قوانین آزمایشی دیگری تصمیم گیری شود، چالش این است که این تصمیم گیری ها بر چه اساسی صورت می گیرد؟ و مجلس چگونه این قوانین را تحلیل و بررسی می کند؟

ابزار و روش جمع آوری داده ها: ابزار و روش جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای می باشد چون قرار است با رجوع به اسناد و مدارک، داده ها را به دست آوریم.



مورد سوم: نجفی، مهدی، بررسی تحلیلی انتقادی اصل ۸۵ قانون اساسی، ۸، ۱۳۹۷: در این مقاله هم به بررسی و تحلیل اصل ۸۵ تفویض اختیار قانون گذاری، اساس این تفویض اختیار، حدود قانون گذاری، اجرا و نظارت بر آن صحبت شده است.

مورد چهارم: فلاح زاده، علی محمد، همتی، مجتبی، جواهری طهرانی، محمد، فتحی، جواد، مزروعی ابیانه، یحیی، بهادری جهرمی، علی، طحان نظیف، هادی، ۱۳۹۱: در بخشی از این کتاب به تفکیک قوا و صلاحیت قانون گذاری و قوانین آزمایشی اشاره شده است.

ضرورت تحقیق:

در همه موارد ذکر شده در پیشینه تحقیق دیدیم که به بررسی و تحلیل قوانین آزمایشی (جایگاه، مزایا و معایب)، تفکیک قوا، پرداخته است حال این که ضرورت این تحقیق از این جهت است که در مورد نحوه چگونگی تبدیل یا تغییر قوانین آزمایشی در ایران مطلبی بیان نکرده اند، این که این تغییر یا تبدیل بر چه اساس صورت می پذیرد و آیا قواعدی حاکم بر پروژه سنجش و ارزیابی قوانین آزمایشی وجود دارد یا خیر؟ اگر هست با چه کیفیتی؟

«قانون گذاری عبارت است از قواعدی به قدر کافی کلی، سازمان یافته و هماهنگ که کشف و شناخت آن ها آسان باشد تا قضات و مجریان هر چه ساده تر به سهولت طریقه حل مسائل خاص را از آن ها به دست آورند» (فلاح زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷)

فصل اول: اصل ۸۵ قانون اساسی و تفویض اختیارات

گفتار اول: توصیف اصل ۸۵ قانون اساسی

«پاراگراف اول اصل ۸۵ قانون اساسی به قوانین آزمایشی اختصاص دارد: سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست..... ولی در موارد ضروری می تواند اختیار و وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آن ها با مجلس خواهد بود.» (منصوریان، آگاه، ۱۳۹۰: ۳).

همان طور که بیان شد قانون گذار اساسی ابتدا سعی کرده با استفاده از آموزه های تفکیک قوا اصل بنیادین غیر قابل انتقال بودن سمت نمایندگی را عنوان کند اما در ادامه بایک استثنا کمیسیون های داخلی را با شرایطی مجاز به وضع قانون دانسته.

گفتار دوم: ویژگی قوانین آزمایشی

«قوانین آزمایشی با ۲ ویژگی از سایر قوانین شناخته می شوند.

نخست: موقتی بودن یا تصریح به مدت زمانی که قانون در آن اجرا می شود. شرطی ضروری که طبق آن قانون باید مدت دار باشد، بنابراین در این قوانین با نوعی سنت شکنی مواجه هستیم، زیرا در قوانین غیر آزمایشی قانون بدون محدودیت زمانی خاص تا هنگامی که اصلاح تکمیل یا نسخ نمی شد معتبر می بود. در حقیقت همین مشخص نبودن زمان تغییر موجب شده بود تا از آن ها با قوانین دائمی یاد شود. دوم: برخورداری از عنصر ارزیابی که در طول اجرا انجام می شود. ارزیابی به معنای سنجش و نقد است.» (منصوریان، آگاه، ۱۳۹۰: ۱، ۲)

مبحث اول: مزایای قوانین آزمایشی

الف: سرعت در تقنین و صرفه جویی در وقت مجلس

«یکی از علل اقبال به قانون گذاری به صورت آزمایشی سرعت در قانون گذاری و صرفه جویی در وقت مجلس است بدیهی است که جریان عادی تصویب یک قانون آن هم قانونی مثل قانون مجازات با حجم زیاد مواد قانونی و به صورت ماده به ماده، وقت زیادی از مجلس می گیرد. علاوه بر آن تکلیف دادگاه ها و جامعه حقوقی در این میان چیست؟ این امر در نگاه مقنن اولیه قانون اساسی به چشم می خورد. در طرح تفویض اختیار تصویب اساسنامه به دولت یا کمیسیون های مجلس در سال ۱۳۶۸ آمده: اگر مشکل کندی در کار است، از طریق اصل ۸۵ قابل تامین است. اقتضای یک جامعه این است که هر چه سریع تر قوانین جامع توسط مرجع ذی صلاح تصویب شود و امور و مناسبات موجود در جامعه تعدیل و اداره گردد این مهم با سرعتی که در تصویب قوانین آزمایشی وجود دارد همخوان و سازگار است.» (بارانی بیرانوند، مختاری: ۱۳۹۹: ۶) استفاده از قوانین آزمایشی می تواند روند تصویب قانون را سرعت بخشد، اما باید توجه داشت که این تسریع در روند تصویب به شتاب زدگی تبدیل نشود و قانون فاقد جامعیت و مانعیت لازم می شود.

ب: تخصصی شدن امور

«قانون گذاری از وظایف اصلی مجلس و امری پیچیده و تخصصی است، بنابراین مجلس باید نهایت دقت خود را در وضع قانون داشته باشد. وضع قوانین جامع سبب اصلاح مناسبات در ارکان جامعه و ترقی کشور خواهد شد. قانون نماد و سند حقوقی یک کشور است، بنابراین باید با مطالعه عمیق و جامعیت به تصویب برسد. زیرا هر چه دارای این خصیصه باشد، در عمل کمتر مورد اصلاح و تغییر واقع می شود.» (صانعی، ۱۳۸۱: ۱۹۱)

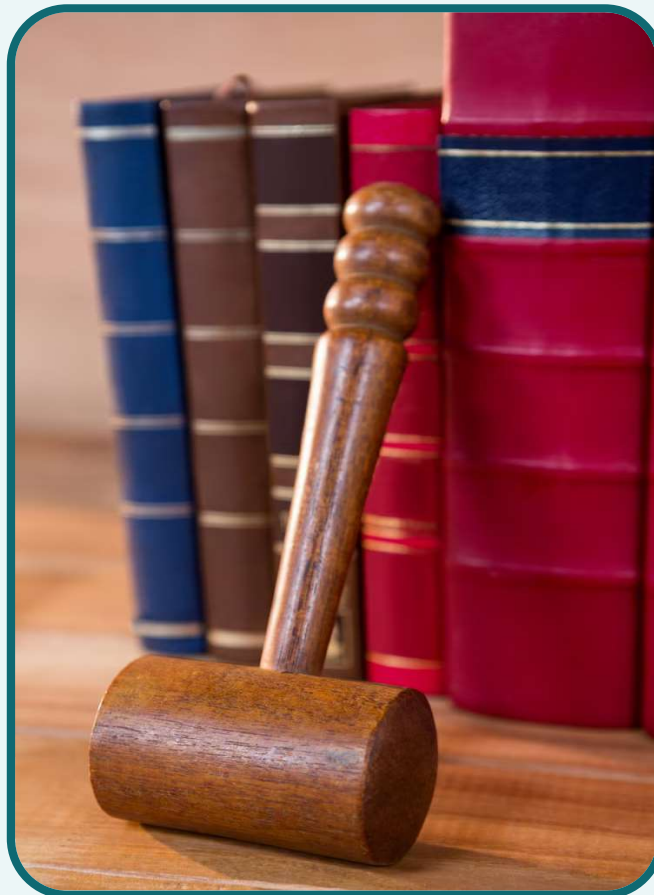
تخصصی بودن کمیسیون ها این امکان را به وجود می آورد که با دقت بیشتری به مسائل و تصویب قوانین بپردازند و از همه مهم تر ق ج: کاهش تورم قوانین

مبحث دوم: ایرادات وارد بر قوانین آزمایشی

قوانین آزمایشی مانند سایر پدیده‌های حقوقی از دوجنبه شکلی و محتوایی قابل بررسی هستند و هم چنین نقدهایی بر این قوانین وارد است گاه به اصل وضع و گاه به نحوه اجرای این قوانین که در ذیل بیان می‌شود. قوانین مناسب با شرایط را تصویب کنند.

الف: مغایرت با اصل تفکیک قوا

«اصل تفکیک قوا مبنای استمرار قدرت و فعالیت قوه مقننه است، چراکه تقسیم کار و ایجاد نظم و عدم دخالت سایر قوا از اهداف اولیه این اصل است. نظریه تفکیک قوا توسط جان لاک تئوریزه وبا بسط آن توسط منتسکیو به نظریه برجسته در سیاست تبدیل شد. طبق این نظریه باید قوای اصلی یعنی قوای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی را به نهادهای متعدد و متفاوت واگذار کرد. هدف اصلی تفکیک قوا به‌عنوان یکی از ارکان دموکراسی جلوگیری از استبداد و خودکامگی و تمرکز قدرت است.» (فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹، ۶۰، ۵۸) این نظریه مورد تصریح برخی از علما چون نائینی است. «..... بر اساس اصل ۵۷ تفکیک قوا در ایران پذیرفته‌شده و بر استقلال قوا نیز تصریح شده‌است. قوه مقننه براساس اصل تفکیک قوا قوه ناظر و قانون‌گذاری است و قوای دیگر حق دخالت در اختیارات و وظایف آن را ندارند. با وجود این



شورای نگهبان در آراء مختلف تقنین غیر مجلس را مخالف اصل ۸۵ قانون اساسی قلمداد کرده‌است.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۶: ۴۸) ایراداتی که در این جا مجال گفتن نیست از طرف شورای نگهبان مطرح شدند که بعضاً هم قابل رد هستند.

ب: خروج از محدوده اصل ۸۵ قانون اساسی

«در اصل ۸۵، ۴ مورد مهم مورد اشاره است:

۱) اصل قائم به شخص بودن سمت نمایندگی

۲) اصل عدم تفویض اختیار قانون‌گذاری

«با وقوع انقلاب جمهوری اسلامی، مقررات و قواعد اسلامی در دستور کار مقنن قرار گرفت. اما این امر سبب سقوط اعتبار قوانین پیش از انقلاب نشد اگرچه با وقوع انقلاب نظام سیاسی و مدیریتی کشور به کلی دگرگون می‌شود، اما مطابق اصول کلی حقوق و منطق حاکم بر نظام حقوقی تحولات حقوقی چندان گسترده‌ای مشاهده نمی‌شود و عمدتاً اصولی از قانون اساسی که به تشریفات و اختیارات قانون‌گذاری مربوط بودند دگرگون شدند. مجلس ملی سابق منحل و مجلس جدید با قواعدی تازه و همچنین نهادهای حقوقی مانند شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام تاسیس شد.

اما قوانین مصوب قانون‌گذاری پیشین اعتباراتشان را از دست ندادند. زیرا تشکیل مجلس جدید معنایی جزاین ندارد، مشروعیت مجلس پیشین از دست‌رفته است. بر این مبنا قوانین مذکور تا زمانی که به دست قانون‌گذار نسخ و یا به طریق مقرر در قانون اساسی جدید ابطال نشده باشند کما سبق معتبرند.» (وکیلیان، ۱۳۹۰: ۲۲۲) همان‌طور که بیان شد کاهش تورم قوانین در ایران موجب کاهش بسیاری از مشکلات از جمله سردرگمی تابعان قوانین و قضات خواهد شد. و از این جهت بسیار کارآمد و مؤثر است.

د: افزایش کارآمدی و کیفیت

قانون

«اجرای آزمایشی قانون با روشن ساختن بسیاری از زوایای پنهان و تاریک آن ضعف‌های آن را آشکار می‌سازد این مزیت را می‌توان در خصیصه ارزیابی قوانین آزمایشی دنبال کرد. با اتمام دوره آزمایشی و ارزیابی، پارلمان ملزم است تا در خصوص سرنوشت قوانین تصمیم‌گیری کند.» (ساکت، ۱۳۸۷: ۳۰۹) برخلاف آنچه گفته شد، ارزیابی قوانین آزمایشی به صورتی روشن و شفاف در ایران مشخص نیست. یعنی پروسه ارزیابی واضح نیست و همین امر روند تصویب دائمی یا تغییر قوانین آزمایشی را دچار مشکل می‌کند.



۳) امکان تفویض تصویب قانون آزمایشی به کمیسیون‌های داخلی مجلس

۴) امکان تفویض تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها و شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی یا وابسته به دولت و کمیسیون‌های داخلی یا دولت به نظر می‌رسد که مهم‌ترین ایراد در خصوص قوانین آزمایشی که نتیجه آن کثرت قوانین آزمایشی باشد خروج از محدوده اصل مذکور است که از منظر حقوق و فقها فقهی بررسی می‌شود. «بارانی بیرانوند، مختاری، ۱۳۹: ۱۴

ج: مغایرت با ویژگیهای مجلس (جمعی بودن و شفافیت مجلس)

وضع قوانین آزمایشی در کمیسیون‌های داخلی مجلس با برخی ویژگی‌های مجلس مانند جمعی و اکثری بودن مجلس و نیز شفافیت مجلس همخوانی ندارد در ذیل به تبیین این ۲ ویژگی می‌پردازیم.

مغایرت با ویژگی جمعی بودن مجلس: «قانون نماد اراده عمومی ملت است. مردم با انتخاب نمایندگان این اراده را به آنان تفویض می‌کنند، و این صلاحیت نه برای برخی نمایندگان بلکه برای تمام آنان ثابت است. بنابراین اراده ملی در نمایندگی و قانون جلوه می‌کند و قانون اساسی صلاحیت مشترک نمایندگان را با مشارکت در امور مجلس مقرر داشته است و نمی‌توان صلاحیت مستقل برای آنان قائل شد.» (وکیل، عسگری، ۱۳۸۸: ۳۶۳). این در حالی است که قوانین آزمایشی مصوب کمیسیون‌ها از آرا و نظرات ۱۵ تا ۲۰ نفر برخوردار است با اینکه امکان استفاده از نظرات و ایده‌ها و اصلاحات ۲۹۰ نفر از نمایندگان وجود داشت. و بهترین بود که امکان کسب نظر از همه ۲۹۰ نفر وجود داشته باشد.

مغایرت با ویژگی شفافیت مجلس

«دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات در تحقق شفاف بودن کنش‌های حکومت مؤثر است. از دموکراسی به حکومت مشارکت تعبیر می‌شود، و روشی در حکومت مبتنی بر اراده ملت و شروع آن احترام به حق رای مردم است. شفافیت پارلمان، یعنی تقنین در دید همگان صورت پذیرد. بنابراین پنهان‌کاری، دشمن دموکراسی بوده می‌تواند به بی‌خبری گسترده مردم از مسائلی که مورد علاقه آنان است، بیانجامد. علنی بودن جلسات مجلس حاکی از آنست که مردم از نحوه عملکرد نمایندگان قانونی خود آگاهی داشته باشند، و با اطلاع از روند مصوبات، مفاد قانون را بر آنان قابل درک تر و اجرای آن را تسهیل می‌کند. در قانون اساسی در اصل ۶۹ این امر مورد توجه قرار گرفته است.» (هاشمی، ۱۳۸۲: ج ۲: ۱۱۳).

این در حالی است که قوانین آزمایشی در کمیسیون تخصصی مجلس با حضور تعدادی از افراد بدون حضور رسانه و شهروندان به تصویب می‌رسند و این امر با شفافیت پارلمان و دموکراسی منافات دارد. ایرادات دیگری

در ارتباط با قوانین آزمایشی مطرح است که در این جا مجال گفتن آن‌ها نیست.

نتیجه:

با توجه به مطالب گفته شده و مطالعات صورت گرفته اینجانب مشخص شد که ارزیابی قوانین آزمایشی به معنای سنجش و نقد آن‌ها، صورت نمی‌گیرد. یعنی قانون‌گذار بایستی در صورت اشتباه بودن این قوانین با تغییر، در صورت غلط بودن با اصلاح و در صورت مفید بودن با ارائه مجدد آن، جامعه را بهره‌مند سازد. اما نه تنها ارزیابی قانون آزمایشی صورت نمی‌گیرد، بلکه تمديد چند باره آن و فقدان نهادی برای ارزیابی، تقنین آزمایشی را به معضلی برای کشور تبدیل کرده است.

منابع:

کتاب‌ها:

۱) قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، میزان، ۵ و ۱۳۹۶، ۶

۲) فلاح‌زاده، علی‌محمد، همتی، مجتبی، جواهری طهرانی، محمد، فتحی، جواد، مزروعی ابیانه، یحیی، بهادری جهرمی، علی، طحان نظیف، هادی، علیزاده، ولی، تفکیک تقنین و اجرا، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۱، ۱

مقالات

۱) منصوریان، ناصر علی، آگاه، وحید، جایگاه قوانین آزمایشی در حقوق عمومی ایران، نشریه تحقیقات حقوقی، ۵۵، پاییز ۱۳۹۰

۲) بارانی بیرانوند، امیر، مختاری، عبدالله، نقد و بررسی تقلیل آزمایشی در حوزه قانون‌گذاری، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۲۹، ۱۳۹۹

۳) نجفی، مهدی، بررسی تحلیلی انتقادی اصل ۸۵ قانون اساسی، نشریه قانونی یار، ۸، زمستان ۱۳۹۷



مصاحبه با معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان لرستان

مصاحبه کننده:

محمد حسین شکوری راد (دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه لرستان)

تنظیم کنندگان:

سجاد باقری (دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه لرستان)

صبا گل آقایی شاپور آبادی (دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه لرستان)

بحث آسیب های اجتماعی هر آن رفتار و ناهنجاری که در این الگوها، علقه ها و پیوند ها خدشه وارد کند اینها را به عنوان یک آسیب اجتماعی تلقی می کنند تعریف ما از آسیب اجتماعی یک تعریف فردی نیست یک تعریف همه جانبه است یعنی هم خدشه ای که بر الگوهای رفتاری در جامعه مدنی را شامل می شود و هم خدشه ای که بر الگوهای رفتاری فردی وارد می شود همه اینها را به عنوان یک مجموعه کامل به آن نگاه می کنیم در جامعه مدنی هر جا که از این مسیر تعریف شده این مسیری که خود جامعه مدنی آن را پذیرفته احیاناً انحرافی صورت بگیرد آن را به عنوان آسیب اجتماعی در نظر می گیرد البته در علوم مختلف تعاریف مختلفی هم از آسیب های اجتماعی شده است در یک معنا آسیب اجتماعی را در حوزه علوم اجتماعی خارج از جرم می دانند یعنی آنجایی که در معنای قانونی آن آسیب اجتماعی منتهی می شود به یک رفتار مجرمانه که در قانون جرم تعریف شده این را در معنای عام آسیب اجتماعی به آن نگاه می کنیم. ما سرقت هم اگر چه جرم تلقی شده در قانون و مجازات دارد اما به عنوان یک آسیب اجتماعی به آن نگاه می کنیم همانگونه که طلاق را به عنوان یک آسیب اجتماعی نگاه می کنیم

- بنده از انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان تشکر می کنم فرارسیدن سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و ورود امام راحل به کشور عزیزمان ایران تبریک عرض می کنم این ایام ایام مبارکی است و همه باید قدر بدانیم برای همکاران تن آرزوی توفیق دارم. بنده بیژن دارایی هستم معاون قضایی دادگستری کل استان لرستان که در سمت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان مشغول به کار هستم در عین حال دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی دارم و تقریباً یک دهه است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز استان هستم و کار قضایی هم رییس شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان هستم.

+ به عنوان سوال ابتدایی از منظر جنابعالی به عنوان معاونت پیشگیری از جرم چه تعریفی از آسیب های اجتماعی دارید؟

- بالاخره در جوامع مدنی یکسری هنجارها، قواعد و رفتارهایی تعریف شدند که اینها به عنوان فاکتور و الگویی همه جوامع مدنی اینها را پذیرفتند که با رعایت این الگوها و رعایت این هنجارها ست که زندگی فردی خانوادگی و اجتماعی معنا پیدا می کند لذا ما در



اما در یک معنای محدود نه، در یک معنای محدود آسیب اجتماعی آنجایی تعریف می شود که هنوز فرد وارد ورطه بزهکاری نشده است که تحت عنوان آسیب های اولیه (آسیب های ثانویه) از آن یاد می کند آن زمان که تعریف مجرمانه پیدا می کند تحت عنوان جرم از آن یاد می شود اما ما نگاهمان به آسیب اجتماعی باید در مجموع دستگاه قضایی هر سه شکل وجود دارد حتی آن جایی که وصف جزایی پیدا می کند ما به عنوان آسیب اجتماعی به آن نگاه می کنیم.

• با توجه به صحبتی که کردیم راجع به اینکه جرایم هم جایی که بزهکاری رخ می دهد ما آن را بخشی از آسیب های اجتماعی می دانیم می خواستیم بدانیم شما به عنوان معاونت پیشگیری آیا آماری دارید که بیشترین جرایم در استان مربوط به چه جرمی است؟ و اینکه مقایسه استان با سایر استان ها در وقوع جرایم مختلف استان چه رتبه ای دارد و چه جایگاهی دارد؟

ما آمار دقیقی داریم یعنی مطالعه میدانی دقیقی داریم به روز هم رصد می کنیم این وضعیت آسیب های اجتماعی را. ما از حیث جرایم اگر به لحاظ آسیب های اجتماعی به آن نگاه کنیم، متأسفانه سرقت اولین رتبه را در استان ما دارد یعنی نه تنها امسال بلکه سال گذشته، ادوار مختلفی است که سرقت اولین جرم است و بعد از جرم سرقت از حیث آمار کمی ما توهین را داریم و باز از این حیث رتبه سوم مربوط به صدمات بدنی ناشی از تصادفات رانندگی داریم این سه جرم اولویت دار ما است البته فرمودید که از حیث مقایسه استانی این وضع در همه استانها نیز به همین منوال است یعنی تقریباً جرم سرقت اولین جرمی که همه استانها با آن درگیر هستند، تقریباً این سه جرمی که بنده عرض کردم مبتلا به همه کشور است، حالا ممکن است یک جایی نوسان غیر قابل توجهی داشته باشد.

• الان این سه جرمی که شما فرمودید، به هر حال یک آمار کمی نسبت به جمعیت وجود دارد، آیا رتبه استان جزو استان هایی است که به نسبت جمعیت کمتر جرم انجام می گیرد یا نه جزو استان های صدرنشین این جرایم است؟

– نمی توانم بگویم صدرنشین به لحاظ جمعیت شاید در متوسط کشور قرار داریم البته هر چه که هست قابل قبولی نیست. وضعیت سرقت ما در شرایط فعلی چه استان لرستان چه در استان های دیگر در وضعیت نگران کننده ای است، عوامل مختلفی دارد که

اگر در سوالات بود به آن خواهیم پرداخت.

• شما به عنوان مقام پیشگیری چه نوع اقدامات پیشگیرانه ای در سطح دولت، دستگاه قضایی و جامعه صورت می گیرد و اینکه دسته بندی آن به چه شکل است؟ چه نحوه ای دارد و اصولاً نهاد متولی و هماهنگ کننده بین این چند بخش که جامعه را شکل می دهد، دولت را شکل می دهد و دستگاه قضا را شکل می دهد، چه نهادی است؟

– سوال قبلی را تکمیل کنم چون بنده فقط به جرایم پرداختم از حیث آسیب اجتماعی، برای اینکه پاسخ جامعی داده باشم علاوه آن سه جرمی که عرض کردم متأسفانه امروز دو آسیب اجتماعی دیگر که گریبانگیرمان است، یکی موضوع اختلافات خانوادگی و طلاق است و یکی هم بحث اعتیاد و گرایش به مواد مخدر این هم دو آسیب اجتماعی است اگرچه وصف جزایی ندارند اما دو آسیب نگران کننده است. این آسیب ها اتفاقاً جزو مواردی بود که میدانید تقریباً دو سه دوره است مقام معظم رهبری رهبری تکلیف کردن به وزارت کشور، چهار آسیب را احصا کرده اند و همه دستگاه ها را مکلف کردند برای هم نمایی در این رابطه یکی آسیب طلاق است و دیگری موضوع اعتیاد، یکی هم مفاسد اخلاقی و یک مقطعی هم بحث مهاجرت بود.

ببینید ما در پاسخ سوال اخیر شما، در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از تکالیف قوه قضاییه پیشگیری از وقوع جرم معرفی شده است. از طرفی ما وقتی که قوانین متفرقه دیگر را در حوزه های مختلف راجع به سازمانهای دیگر، دستگاه تقنینی ما راجع به دستگاه اجرایی ما، نگاه می کنیم می بینیم در همه قوانین خاص برای همه نهادها تکلیف پیشگیری دیده شده یعنی اینطور نیست که بگویم فقط پیشگیری به عهده قوه قضاییه است، هرکسی با توجه به آن رسالتی که دارد باید در راستای پیشگیری از وقوع جرم گام بردارد. قانونی هم وضع شد سال ۱۳۹۴ تحت عنوان قانون پیشگیری از وقوع جرم که یک ضرورت بود، چون ما یک قانون مدون و همه گیر می خواستیم که بتواند این موارد را به هم مرتبط کند و یک مدیریتی در بحث پیشگیری ایجاد می کند اما متأسفانه این قانون یکی از مشکلات ما در خصوص پیشگیری همین کاستی های قانونی است این قانون قانون جامع و مانعی نیست اگرچه بالاخره آغازی بود و همه دستگاه ها را کنار هم آورد مسئولیت اصلی با همه نهادها است چون در آنجا سران سه قوه عضو هستند یک گفتمان مدیریت

دکتری چه در پایان نامه های کارشناسی ارشد و رساله های پژوهشی در نظر داشته باشند. تعامل خوبی داریم با این دستگاه ها منتهی این را باید بدانیم بالاخره ما برداشتمان این است که آنچه در قانون اساسی به عنوان پیشگیری بر عهده قوه قضائیه نهاد شده بیشتر جنبه پیشگیری قضایی دارد چون ظرفیت و توان دستگاه قضایی در این نیست که بخواهد وارد اجرا بشود در فاز پیشگیری و بیشتر مدیریت پیشگیری همان نکته که اشاره کردید که آیا مدیریت واحدی وجود دارد؟ ما اگرچه در قانون خیلی تعریف نشده اما برداشتمان این است که در قانون اساسی مدیریت پیشگیری بر عهده قوه قضائیه است برای همین اینجا سکویی است که مطالبه

گری می کند از دستگاه ها جایی که تکالیف بر عهده دارند یکی از ضعف های ما در بحث همین پیشگیری های دولت این است که حقیقتاً دستگاه ها از آن رسالت اصلی خودشان فاصله گرفتند در بحث پیشگیری یعنی آموزش و پرورش، صدا و سیما، سازمان جهاد کشاورزی به ویژه نهادهای دینی و مردمی این ها در مقوله پیشگیری

آن تکالیف که در این زمینه دارند به خوبی عمل نمی کنند. گاهی متأسفانه نه تنها عامل بازدارنده ای نیستند بلکه خودشان بستر وقوع بسیاری از جرایم و آسیب ها هستند که این هم خودش یک مقوله دیگری است که بحث ترک فعل مدیران را پیش می آورد و آن نکته ای که عرض کردم ضمانت اجرا ندارد قانون پیشگیری از وقوع جرم باز اینجا تاکید می کنم که یکی از ضعف هایی که امروز وجود دارد در این بحث ضمانت اجرا اینکه بالاخره شما به عنوان مدیریت پیشگیری باید از آن متولی و مسئول مطالبه گری کنیم یک جایی می بینیم که کوتاه شده است چه حالا از روی تقصیر چه عامدانه بعد زمانی که می خواهیم برخورد کنیم و پیشگیری قضایی انجام بدیم می بینیم ضمانت اجرایی وجود ندارد اگرچه دستورالعمل هایی از سوی ریاست قوه قضائیه صادر شده اما چون در عمل ضمانت اجرا وجود ندارد خیلی نتیجه نداشته است.

*** آقای دکتر شما فرمایش کردید ۴۶ برنامه که الان طرح توجیهی دارند در دستور کار قرار دارند و همچنین فرمایش**

پیشگیری می خواست ایجاد کند اما به جهات مختلف ناموفق بود یکی از جهات عدم توفیقش عدم وجود ضمانت اجراست در باغ ضمانت اجرای دیده نشده و یک قانون موجزی است که نتوانست پاسخ بدهد به نیازهای پیشگیرانه در بدنه قوه قضائیه تقریباً یک دهه است که معاونتی تحت عنوان معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم شکل گرفت در همه حوزه ها نیز ورود دارد یعنی چه پیشگیری فرهنگی چه در حوزه پیشگیری اجتماعی چه در حوزه وضعی چه در حوزه امنیتی و چه در حوزه قضایی حساب کنیم ما الان در استان لرستان چیزی نزدیک به ۴۶ برنامه در دستور کار داریم

همه این برنامه ها هم دارای طرح توجیهی هستند و همه دارای اعضای مشترکی هستند متناسب با آن موضوع و طرح توجیهی یعنی مثلاً در حوزه پیشگیری از تصرف اراضی ملی یا تخریب اراضی جنگلی در آنجا متناسب با آن هدف و برنامه اداره منابع طبیعی سازمان جهاد کشاورزی امور آب برق و... این دستگاه ها عضو

هستند اینها را ما جمع می کنیم کنار هم و جلسات مختلفی برگزار می کنیم تکالیفی که بر دوش اینها نهاده شده و از آنها بازخواست می شود و مطالبه گری می کنیم از آن ها که بتوانیم در واقع آن هدفی که به دنبال آن هستیم برسیم در حوزه های مختلف به همین شکل در حوزه طلاق داریم در حوزه اعتیاد برنامه های مفصلی داریم در حوزه سرقت و جرایمی که پر تکرار هستند در خود مجموعه دستگاه قضایی در جایی که احساس می کنیم آرا و دادگاه های ما به ویژه در تعیین احکام شان جنبه پیشگیرانه را در نظر داشته باشند و استفاده از جایگزین های حبس و مقولات دیگر هم این را ما به شکل مستمر داریم رصد می کنیم. در دوره های آموزشی کارهای فرهنگی کارهایی که با مشارکت آموزش و پرورش دارد انجام می شود با دانشگاه ها و محافل علمی ارتباط خوبی داریم به ویژه آن جایی که به دنبال جرم شناسی بسیاری از این عوامل هستیم. راهکارهای پیشگیرانه تا تقریباً ۱۶۹ عنوان پژوهشی را به دانشگاه ها اعلام کردیم که اینها را به عنوان رؤس فعالیت های پژوهشی خودشان چه در رساله های





کردید که حدود ۱۰ سال است که ما معاونت پیشگیری از وقوع جرم در سیستم دادگستری ها و قوه قضاییه داریم اما چرا در این ده سال با همین طرح هایی که فرمایش کردید بالاخره از همان ابتدا یک طرح هایی وجود داشته است چه کسانی که سابق بر شما و چه الان که شما هستید دلیل اینکه تاثیر ملموس در حوزه پیشگیری از جرم دیده نمی شود چی هست یعنی ما آسیب هایی که فرمایش کردید، آسیب های قضائیمان در این یک دهه چندین برابر شده است، حداقل در دید جامعه و بنظر می رسد که همین معاونت پیشگیری از جرم شاید به همان دلیل نبود ضمانت اجرا آتچنان موفق عمل نکرده است، دلیلش را شما چه چیزی می بینید؟

- نه اینطور نیست بالاخره امروز باید ببینیم اولاً ظرفیت معاونت پیشگیری و حقوق پیشگیرانه چه قدر است عوامل هم در نظر بگیریم ببینیم چه کاری اتفاق افتاده است امروز بین فقر اقتصادی که ما دوسه سال هست که رتبه اول را داریم بین تورم که ما دوسه سال است که رتبه اول تا دوم را داریم با این رتبه فلاکت البته یک ملاک غیررسمی است (جمع بین فقر و تورم را لحاظ می کنند) بین این بسیاری از آسیب های اجتماعی که بنده عرض کردم با این مشکلات و مسائل اقتصادی کارخانه های تعطیل که وجود دارد و بیکاری رابطه معناداری وجود دارد بار آن می افتد بر دوش دستگاه قضایی یعنی یک فرد اگر می آید سرقت میکند ۸۰۷۰ درصد سارقان کسانی هستند که دنبال ارتزاق هستند. بسیاری از مشکلات خانوادگی ما ناشی از فقر اقتصادی بیکاری زوج توانایی اداره زندگی را ندارد. نمی خواهم بگویم علت تامه همه آسیب های اجتماعی و جرائم مشکلات مالی اقتصادی معیشتی کار و تورم اینها است اما قویا ارتباط دارد. شما با این وضع باید حساب کنید که ببینید حجم جرایم چقدر افزایش پیدا کرده است درست است که ما می گوئیم سرقت رتبه اول را دارد یا می گوئیم مثلاً توهین اما اینطور نیست که رها شده باشد این برنامه های پیشگیرانه تاثیر خودش را گذاشته بالاخره یک جرمی همیشه رتبه اول را دارد سرقت نباشد تصادفات می آید اول. در تمام دنیا اینگونه است اگر این برنامه های پیشگیرانه نبود مطالبه گری از دستگاه ها نبود اگر حداقل پیگیری ها نبود امروز وضع نابسامانی بود امروز این که من و شما لااقل آمارها نشان می دهد اما در مجموع استان امنی هستیم احساس امنیت در بین مردم وجود دارد ولو ممکن است یک سرقتی هم اتفاق بیفتد ولی طبیعی است اما آن احساس امنیت برقرار است

اگر این مقوله و برنامه پیشگیرانه نبود این اتفاق نمی افتاد با این عوامل و زمینه هایی که عرض کردم که بسیار تاثیرگذار است امروز ما باید وضعی می داشتیم که هیچ کس جرات نمی کرد به خیابان بیاید یا منزل خود را رها کند. اما این گونه نیست و احساس امنیت وجود دارد یکی از دلایل عمده ای که نه تنها شما دیگر متولیان امر همیشه سوال میکنند که چرا جواب نمی دهد ما یک فرض ایده آل را فکر میکنیم یعنی فکر می کنیم برنامه های پیشگیرانه به یک جایی ختم بشود که ما هیچ جرمی نداشته باشیم در صورتی که مسائل پیشگیرانه غیر ملموس است و اثرات آن دراز مدت است و یک متری برای اندازه گیری دقیق آن وجود ندارد اما آمارهای ما نشان می دهد لااقل با وجود این عوامل کنترل شده است و رها نیست ممکن است این ماه با ماه دیگر پنج فقره یا ده فقره متفاوت باشد اما اینطور نیست که ما به یک باره روند افزایشی داشته باشیم که بخواهد به آن حس امنیت خدشه وارد کند.

+ به نظر می رسد که بیانات شما کاملاً درست است اما باید به دنبال این آمار کمی باشیم یعنی باید بگوئیم که ما از این نقطه ای که هستیم وضع اقتصاد ایمان بدتر شده و ما در این نقطه آمده ایم یک برنامه مدون اجرا کردیم و در نتیجه این برنامه مدون مثلاً ما اگر وضع اقتصادی مان صد برابر بدتر شده باشد جرایم ۱۰ برابر شده اند.

مثلاً جرایمی که مربوط به وضع اقتصادی اند و هر جرم دیگری، حال می خواهیم بدانیم آمار کمی در این خصوص وجود دارد؟

- بله آمار کمی نشان می دهد.

+ در چه دوره هایی، مثلاً می توانیم بگوئیم در فلان جرم این میزان متهم را داشتیم؟

- اگر بخواهیم موردی صحبت کنیم مثال های زیادی وجود دارد، مثلاً در موضوع قتل هایی که اتفاق افتاده در یک مقطعی ۲، ۳ سال پیش آمار قتل های خانوادگی افزایش داشته و اکنون نمی خواهیم به صورت دقیق و عددی بیان کنیم ولی میزان آن قابل توجه بود. امروزه در برنامه ای که ما به این عرصه ورود جدی داشتیم ستادی تحت عنوان کنترل مجرمان حرفه ای تشکیل شد یکی از دلایلی که داشتیم این بود که برخی از متهمین ما متواری هستند و این باعث شده بود که خانواده ها در پی تقاص باشند، یک بانک اطلاعاتی ایجاد کردیم برای تمامی مجرمان حرفه ای سابقه دار و این افراد

تعرض و تعدی و تفریط است پس حساسیت به ناچار بیشتر است؛ کماکان که خط قرمز قوه قضائیه امنیت و جان مردم است و سپس عموم و ثروتهای عمومی.

گاهی هم می بینیم جرایمی که جنبه فردی دارند بسیاری از اینها جرایمی اند که نیاز به پیگیری خود بزه دیده دارند یعنی وقتی خود بزه دیده پیگیری و شکایت نمی کند، طبیعتاً مدعی العموم حق ورود ندارد ولی جایی که بحث ثروت عمومی است وظیفه مدعی العموم است یعنی حتی اگر کسی نباشد که مطالبه کند وی موظف به ورود است چرا که در ظاهر هم به نشان میدهد که بحث ورود جدی تر است لذا در بحث منافع فردی مانعی برای ورود وجود دارد.

+ ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم در تعریف پیشگیری به بیان می کند: (پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم) این پیش بینی، شناسایی و ارزیابی یک کار کارشناسی است و کارمیدانی شاید به صورت کمتری باشد و بیشتر کارشناسانه است؛ می توانیم بگوییم یکی از بهترین بسترهای کارشناسی دانشگاه ها هستند و شما در اول فرمایش خود صحبت کردید که موضوعاتی به عنوان کار تحقیقی به دانشگاه ها سپرده اید. اما دستگاه قضایی و بخش های مختلف آن یک اکراهی در برخورد با دانشگاه دارند و این اکراه احساس میشود. مثلاً وقتی ما از طرف دانشگاه از دستگاه قضایی می خواهیم در برنامه ای شرکت کنند قضات، دادیاران، دادستان و... یک اکراهی در این مورد دارند دلیل این اکراه دستگاه قضایی چیست؟! آیا از جانب معاونت پیشگیری یا از جانب ریاست محترم دادگستری برای همکاری بیشتر کارمندان و قضات با دانشگاه تشویقی وجود دارد؟

- بنده این بیان که دستگاه قضایی در ارتباط با دانشگاه کراهت دارد را قبول ندارم بسیاری از همکاران قضایی و همکاران اداری ما خود دانشجو هستند یا به عنوان مدرس در دانشگاه فعالیت می کنند یعنی امروزه با سابق خیلی تفاوت کرده و نیاز ما به دانش و دانشگاه بیشتر شده، طبق بیان مقام معظم رهبری که می فرمایند: "پیشگیری از وقوع جرم یک کار کاملاً علمی است و قوه قضاییه باید ارتباط خودش را با دانشگاه و محافل علمی تقویت کند" لذا این سرلوحه کار ماست.

امروزه ما در حوزه های مختلف ارتباط بسیار قوی با دانشگاه داریم اگر هم دانشگاهی احساس می کند که ارتباطش با دستگاه قضایی کم است به نظر بنده علت را در خود دانشگاه جستجو باید کرد.

را رصد کردیم یعنی وقتی از زندان آزاد می شوند هر کدام باید رصد شوند که هم اکنون کجا هستند و از چه طریق ارتزاق می کنند و... و بسیاری از قاتلین متواری دستگیر شدند و در رسیدگی و اجرای احکام تصریح شد.

در منازعات که ریشه بسیاری از قتل ها بودند گروه های صلح و سازش محلی تشکیل دادیم، اگر جایی منازعه رخ داد گروهی انتخاب می کردیم که بر اساس شرایط مکانی طبق نظر دادستان برای جلوگیری از درگیری های بعدی ورود داشته باشند چون مشاهده کردیم خیلی از این قتل ها زنجیره ای هستند یعنی منازعه ای رخ داده و در پی هم درگیری های بعدی اتفاق افتاده یعنی هم ورود پلیسی هم ورود قضایی برای رسیدگی و تصریح در اجرای احکام و دستگیری و هم یکم ورود اجتماعی (گروه های صلح و سازش) یعنی خود جامعه مدنی را مشارکت دادیم و به آنها اختیار دادیم که هراسی از عدم پشتیبانی دستگاه قضایی نداشته باشند و یک پشتوانه قضایی برای این صلح و سازش داشته باشند. امروز آمار قتل هایی که رخ داده با سه سال پیش اصلاً قابل مقایسه نیست یعنی بیش از نصف تقلیل پیدا کرده و در سایر حوزه ها هم به همین صورت است.

+ یک بحث دیگری که مطرح کردید راجع به جرایمی مانند اراضی ملی و جنگل ها و سرقت های عمومی بود که متولی شان دولت است یعنی در اختیار دولت هستند. مشاهده می کنیم در جرایمی که مربوط به اقدامات دولت است قوه قضاییه ورود بیشتری داشته به نسبت جرایمی که بزه دیده آن مردم هستند این دلیلش این است که قوه قضاییه ورود کافی نداشته، یا دلیلش این است که سایر دستگاه ها همکاری لازم را نداشته اند؟!

- در بحث ورود، برای دستگاه قضایی تفاوتی نمی کند که بزه دیده مردم باشند یا دولت حتی اگر نظر شما هم درست باشد و ورود بیشتری به جرایمی که دولت بزه دیده آن است وجود داشته باشد، آجاهم به خاطر مردم است چون آنجا منافع عموم مردم را در پی دارد مثلاً جرایمی مثل توهین یا تهدید خیلی جامعه را متضرر نمی کند چون مربوط به حق شخصی فرد است و مسلماً حساسیت در جایی که جنبه عمومی وجود دارد خیلی بیشتر است اگر می بینیم که بیشتر راجع به انفال و مراتع و جنگل ها صحبت می شود به خاطر مردم است زیرا ثروت عمومی است و منافعش به عموم مردم می رسد و سودآوری بیشتری دارد و بیشتر در معرض



بنده که شاید به عنوان متولی در این بخش هستم ابتدای امر خود را یک فرد دانشگاهی میدانم.

کارگروه‌های مختلفی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در معاونت پیشگیری داریم که در حوزه‌های مختلف به بررسی می‌پردازند، شورای مشورتی خانواده را داریم که جزو هیئت علمی هستند و با ایشان راجع به مشکل و مسائل دادگاه خانواده به صحبت می‌پردازیم، شورای مشورتی اطفال و نوجوانان را داریم که راجع به اطفال بزهکار و نوجوانان، و راجع به چگونگی رسیدگی در دادگاه‌ها همراه با اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که عضو این شورای مشورتی هستند می‌پردازیم. یک شورای پیشگیری از وقوع جرم داریم که ریاستش با رئیس دادگستری کل استان لرستان است با عضویت همه مدیران کل دستگاه‌های اجرایی، نهادهای مردمی، معاون سیاسی و امنیتی استانداری، اینجا اگرچه در قانون پیشگیری از وقوع جرم تعریف نشده اما حسب ضرورت به عنوان مدعو رؤسای دانشگاه‌ها را عضو کردیم و از ایشان در جلسات دعوت به عمل می‌آوریم که در حوزه‌های مختلف نظر می‌دهند. در بحث جایگزین‌های حبس اخیراً با دانشگاه‌ها مخاطبه کردیم که شما نیازهایتان را در مورد استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس بیان کنید که در حوزه‌های مختلف در آن جایی که ظرفیت وجود دارد از این ظرفیت دانشجو و اساتید و نخبگان علمی استفاده به عمل می‌آوریم. تیمی تحت عنوان نخبگان پیشگیرانه هم در معاونت اجتماعی تشکیل دادیم که بسیاری از همکاران ما در دانشگاه‌ها عضو هستند.

در بحث آسیب‌های اجتماعی که فرمودید بله، شناسایی عوامل کار میدانی و مطالبه میدانی لازم دارند یعنی ما عوامل را شناسیم نمی‌توانیم راهکار ارائه دهیم یک کار خوبی که بنده در ابتدای عرایض مطرح کردم در ابتدا گفتیم سرقت اتفاق افتاده، طلاق وجود دارد، توهین هست و... چرا؟! این مسائل عامل فردی و اجتماعی و قضایی دارند که ما با بعضی از اعضای هیئت علمی دانشگاه دور یک میز گرد هم آمدیم و در هر حوزه‌ای در خواست و مطالبه کمک کردیم؛ مثلاً در حوزه منابع طبیعی، جنگل و... دانشگاه‌ها نگران بودند و می‌گفتند ما می‌خواهیم آمار بگیریم دستگاه‌ها همکاری نمی‌کنند، مطالعه میدانی می‌خواهیم اجازه ورود نمی‌دهند، فرد می‌خواست با زندانی صحبت کند زندان اجازه نمی‌داد. ما در شورای پیشگیری از وقوع جرم مصوب کردیم که معاونت پیشگیری با این گروه نخبگان علمی بنشینند و ضرورت‌های دستگاه‌های اجرایی را ببینند که کجا احساس خطر و آسیب می‌کنند. موضوعی بگیرند،

عنوان مطرح کنند و در اختیار دانشگاه قرار دهند تا روی آن موضوع کار کنند و نتیجه را ارائه دهند و هر نگرانی و آسیبی که احساس می‌کردند را قوه قضائیه برطرف کرد.

لذا گرد هم آمدیم و با اعضای هیئت علمی عنوان بندی کردیم و همانطور که عرض کردم که ۱۶۹ عنوان پژوهشی در آوردیم که تمرکز بر روی بحث‌ها شکل بگیرد. در کارهای پایان نامه و رساله‌های دکتری و طرح‌های پژوهشی بنده چون خود بنده عضو کاریر به کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه هستم در یک مقطعی ما اجازه ندادیم که دانشجویها به سمت دیگر بروند یعنی دقت بکنید در یک مقطعی گفتمان پیشگیری در دانشگاه شکل گرفت هر جایی که مشاهده می‌کردیم یک دانشجوی یک موضوع پیشگیرانه را برداشته بود مثلاً موضوع آب، جنگل یا حتی خودکشی و به آنها گفتیم هر کجا که می‌خواهید بروید به شما آمار می‌دهیم و یک فضایی باز شد که دانشگاه به زندان ورود پیدا کرد و دانشجویها با همکاران قضایی ما مصاحبه می‌کردند یعنی دستگاه قضایی پذیرفته بود که دانشگاه اگر به عنوان یک پژوهشگر بخواهد بیاید این خواسته دستگاه قضایی است و باید همکاری شود و دانشگاه تعجب کرده بود که چگونه می‌تواند با زندانی مصاحبه کند و چگونه می‌تواند در جلسات دادگاه شرکت کنند و این اجازه داده شد که تا از قاضی دادگاه سوال کند. که البته این مسئله باز هم نیاز به تقویت بیشتر دارد.

• قانون پیشگیری از وقوع جرم مقام سیاست‌گذاری را در حوزه پیشگیری از جرم را همان شورای عالی می‌داند که متشکل هست از ۲۳ تا ۲۵ از مسئولین بلندپایه حکومتی آیا این شورای عالی اصولاً تشکیل می‌شود؟ قرار بود حداقل یک بار در هر فصل تشکیل بشود که در قانون هم اشاره شده آیا اصلاً مصوبه‌ای داشته است؟

نه متأسفانه شورای عالی پیشگیری از جرم با وجود اینکه در قانون پیشگیری در جرم پیش‌بینی شده نتوانست به این هدف خود نائل بشود، جلسه‌ای برگزار نشده فقط یک جلسه در زمان آقای رئیسی که خیلی این انتظار را که باید را برآورد نکرد. عرض کردم یکی از عمده مشکلات در حوزه پیشگیری نبود یک قانون جامع و مانع و مدون، ما یک سازمان پیشگیری نیاز داریم اینکه بخواهیم جزیره‌ای عمل کنیم که هر تکه‌ای از آن را بر عهده یکی یا دستگاهی بگذاریم که آن هم همان رسالت کاری خودش چیز فوق‌العاده‌ای نیست اینکه متولی اصلی در اجرا نداشته باشیم یکی از ضعف‌های

بحث پیشگیری از نبود ضمانت اجراست. عدم تشکیل شورای عالی پیشگیری از جرم هم یکی از نمونه مشکلات و ضعف‌های این مسئله است.

آمار سیاه جرم در جرایم خاص خیلی بالا است مثل تجاوز جنسی خشونت‌های خانگی چه اقدامی معاونت پیشگیری در جهت کاستن این آمار انجام داده است؟ و اینکه نتیجه ملموس رخ داده یا خیر؟ اگر خیر موانع این اتفاق چه بوده؟ بله آمار خیلی بالایی هست در برخی جرایم مثل تجاوز جنسی و خشونت‌های خانگی هرچند در کارهای فرهنگی و برنامه‌هایی که داریم سعی می‌کنیم که به این مقولات توجه کنیم گاهی در این بحث برنامه‌های ما به صورت

مستقیم تمرکز دارد و گاهی به شکل غیر مستقیم وقتی ما ورود پیدا می‌کنیم به حوزه‌های فرهنگی مثلاً دوره‌های آموزشی مستمر با همکاری آموزش و پرورش برای مربیان مهدهای کودک و والدین را جمع‌آوری می‌کنیم برای تقویت مهارت‌های ارتباطی با فرزندان،

حامیان و خانواده‌های معتادان را گرد هم می‌آوریم راجع به چگونگی حمایت‌های بعد از درمان

(خروج) صحبت می‌کنیم، در دل خود زندانیان ورود پیدا می‌کنیم آنهایی که تحت عنوان تجاوز به عنف چه بزه‌دیده و چه بزه‌کار گرد هم می‌آوریم و دوره‌هایی متمرکز در رابطه با بحث‌های فرهنگی برگزار می‌کنیم همین‌ها به شکل مستقیم ارتباط دارد با بحثمان بلاخره رقم سیاه جرم اینکه ما سعی می‌کنیم در ارتباط با رسانه‌های یک اطمینان‌خاطر بدسیم به بزه‌دیدگان که سکوت نکنند، گزارش کنند و نترسند و شهادت به آنها می‌دهیم این که سامانه‌هایی راه اندازی کردیم ظرفیت‌های ایجاد کردیم مانند سجام سامانه جامع اطلاعات مردمی تلفن‌هایی در اختیار مردم قرار دادیم، رسانه‌ای کردیم همه اینها بحث‌هایی است

که رقم سیاه پنهان نماند و راه ارتباطی داشته باشند با ما اینکه الان دفتری داریم تحت عنوان دفتر حمایت از زنان و خانواده، کارشناسان ما و مددکاران ما در آنجا به طور ثابت مستقر هستند، دفتری تحت عنوان حمایت از اطفال و نوجوانان کارشناسان و متخصصان ما که برای همین کار استخدام شدن و تخصص دارند (روانشناسی خواندند و ثابت هستند) به چه خاطر؟ اینکه زن بزه‌دیده ما، طفل ما، نوجوان بزه‌دیده ما وقتی می‌آید در دستگاه قضایی اگر برود پیش قاضی بدون اینکه توجهی کند البته تکلیفی هم ندارد در این قبال به پرونده‌های خود رسیدگی می‌کند، اما اینجا یک دفتر هست که یک متولی دارد که اینطور نیست منتظر بماند بلکه باید برود شخص مورد نظر را پیدایش کنند، باید بروند کیس به کیس پیدا کنند اگر دادگاه خانواده

ما با زوجی مواجه شد که اختلاف دارند و فرزندشان در معرض آسیب است تماس می‌گیرند با دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان و مداخلت می‌کنیم و یا به دنبالش می‌رویم پیدایش می‌کنیم مثلاً در فلان روستا بچه نوجوان دختر که پدر و مادرش جدا شدند



پدرش مورد ضرب و شتم قرارش می‌دهد، سریع نیرو اعزام می‌کنیم که آن نوجوان را پیدا کنند. ما بی حرکت ننشستیم در خصوص آمار رقم سیاه و آنرا به طرق مختلف با برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی تمرکز بر روی افراد که چه بزه‌دیده چه بزه‌کار در معرض خشونت خانگی هستند و یا گاهی از طریق دفاتر ارتباطی پیدا می‌کنیم و ورود قانونی پیدا می‌کنیم مثلاً قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به آمار رقم سیاه جرایم تمرکز دارد.

نقش دستگاه قضایی در بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی را چطور می‌بینید؟ و اینکه نقش دستگاه قضایی در بزه‌دیدگی ثانویه که در گزارش و پیگیری آن بزه‌دیدگی که رخ داده را چطور می‌بینید؟ و چه اقداماتی برای مقابله با این اتفاق افتاده؟



یک تئوری تقریباً در دو دهه اخیر در حوزه جرم شناسی مطرح شد آن هم تئوری جرم شناسی واکنش های اجتماعی، چه گفته؟ گفته که ما برای پیدایی علل الوقوع جرم فقط این طور نیست که دور بین را زوم کنیم بر بزهکار که سرقت کرده، فلان کرده، گفته علاوه بر آن ببینید چه نهادهای دیگری در وقوع بزه نقش دارند این تئوری این کار را کرده یعنی بروید ببینید دستگاه قضایی، دستگاه اجرایی، پلیسی، نهادهای مدنی چه نقشی در بزه دیدگی دارند؟ ما بدون تردید می پذیریم چه دستگاه قضایی و اجرایی و چه نهادهای ثانویه و متولی یک پای عوامل بزه و آسیب هستند اگر حرفه ای رفتار نکنند کار ساز که نیستند در درمان، اصلاح و بازسازگاری خودشان منشاء بسیاری از آسیب های اجتماعی هستند در تعیین مجازات ها و وقتی می گوئیم اصل فردی کردن مجازات یعنی تعیین مجازات متناسب برای بزهکار یعنی پرونده شخصیت طرف را ببینید، وضعیت خانوادگی و فردی و عوامل وقوع جرم را را ببینید، یک مجازات متناسب تعیین کنید که اهداف مجازات را به دنبال داشته باشد؛ درمان، بازسازگاری (فرد را با جامعه آشتی بدهید) جبران خسارت، ناتوان سازی، بازدارندگی جنبه پیشگیریانه، ما اطمینان داریم که آنجایی که مجازات متناسب نیست به اهداف که نرسیدیم هیچ بلکه فرد را دوباره وارد ورطه بزهکاری کردیم اگر برچسب زنی را به عنوان یکی از تئوری هایی که زیر نظر تئوری های جرم شناسی اجتماعی است مد نظر قرار ندهیم و برچسب به فرد بزنیم یعنی آن را از هستی ساقطش کردیم اگر ما پلیس را در تحقیقات یقات که انجام می دهد مراقبت نکنیم و بحث برچسب زنی را رعایت نکند به هیچ عنوان نمی توانیم به اهداف مجازات برسیم و اجتماع آن را نمی پذیرد پس دستگاه قضایی نقش به سزائی در وقوع بزه دیدگی یا بزهکاری و درمان و پیشگیری دارد در کنار سایر دستگاه ها که بنده به آن دستگاه ها کاری ندارم و فقر و بیکاری و معیشت و فرهنگ و... که در وقوع بزه نقش دارد را کنار بگذاریم، ما ظرفیت های قانونی زیادی داریم که بتوانیم فائق بیاییم در این مقوله، امروز تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان کاری تخصصی و خوبیست که متاسفانه هنوز اجرایی نشده امروز ظرفیت های قانونی که در بدنه نیروی انتظامی قانونگذار برای دادگاه های ما ایجاد کرده، مجازات های جایگزین حبس، نهادهای ارفاقی مانند تعلیق، تعویق، آزادی مشروط همه اینها برای چه است؟ برای اینکه قاضی محکمه بتواند اصل فردی کردن را رعایت کند پس اگر قاضی از این اصول مترقی استفاده نکند یعنی آن، این نقش را در بزه دیدگی ثانویه دارد و کار ما به عنوان متولی امر

این است که بتوانیم این مسئله مهم را برای همکارانمان تشریح و تبیین کنیم تا دچار روزمرگی نشوند و فقط به حبس نگاه نکنند و از ظرفیت های قانونی استفاده کنند برای تعیین مجازات متناسب و امروز ما ارتباط داریم با دستگاه ها، آیین نامه اجرایی مجازات های جایگزین حبس را می خواهیم پیاده کنیم به دستگاه ها می گوئیم بگوئید شما به چه چیزی نیاز دارید؟ دوره های آموزشی مستمر برای همکاران قضائی مان برگزار می کنیم تا توجیه کنیم آنها را که حبس چقدر آسیب دارد! باز دیدهای دوره ای که تکلیف برای همکاران قضایی ما باید بروند در زندان باز دید کنند هر ماه یک بار با زندانیان خودشان بنشینند و حرف هایشان را بشنوند و درک کنند شرایط زندان را الزام تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی به خاطر همین است تا نقش دستگاه قضایی به عنوان عامل جرم را از بین برود و از ظرفیت های قانونی استفاده شود تا از آسیب زندان چه برای خودش و چه برای خانواده اش از همسر و بچه که بی سرپرست می ماند بکاهیم تا خود دستگاه قضایی عامل بزه کاری و بزه دیدگی نباشد. شَم قضایی باید مدیریت بکند، آگاهی ساز شود، این ظرفیت ها باید تبیین و تشریح شود تا همکاران ما با اهداف مجازات ها و مستمراً تقویت شود بحث آموزشی تا بتوانند مثلاً ما در بحث اعمال منافی عفت در لرستان که قبیله ای و عشیره ای و تعصبات قومی است که اگر اتفاقی بیفتد درگیرهای بعدی دارد بیشتر قتل ها ریشه در این مسئله دارد اگر همکاران قضایی ما مدیریت نکنند همان طور که در قانون پیش بینی شده در اعمال منافی عفت حق تحقیق ندارند و پلیس حق تحقیق ندارد، مستقیماً باید توسط دادگاه به اصالت گرفته شود و محرمانه است ممکن شاکی باشد یا در ملا عام باشد اتفاقی بیفتد، همکاران قضایی ما مدیریت می کنند و با نهایت رازداری و نهایت تاکیدات که در دین اسلام و شرع ما آمده. برخورد ما در پرونده های منافی عفت مثل سرقت نیست که سارق را بچرخانند از باب... تا جنبه بازدارندگی داشته باشد اینجا برعکس است کافیسست همکار قضایی ما حرفه ای عمل نکند پس می تواند یک عامل باشد در وقوع جرایم چه برای خود بزهکار و بزه دیدگی اش و سایر اشخاص اما این آموزش ها، تشریح مسائل، جلسات هایی که برگزار می شود، هشدار هایی که داده می شود و ارتباط با خانواده های آن ها و نهاد های مردمی و زندانیان باعث می شود از این عامل بالقوه خارج شویم یعنی به بالفعل تبدیل نشود.



مواد قانونی مرتبط با فیلم سینمایی عرفزار

هانیه علی حسینی (دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه آزاد کرمان)

قبل از آغاز نقد حقوقی فیلم عرفزار باید به نکته ای اشاره کنم که دراول فیلم به ان اشاره شده است، رویه ها و قوانین مورد اشاره در فیلم لزوماً نص قانون و رویه های جاری قضایی در کشور نیست این موضوع برای یک فیلم حقوقی که به مسائل قضایی و قانونی میپردازد جالب نمی باشد چراکه با دیدن فیلم تمام مسائل اشاره شده در اذهان عمومی ماندگار میشود و اثر خود را میگذارد و در جاهایی از فیلم که منطبق با قوانین ایران نمی باشد احساسات و ذهنیت منفی نسبت به قانون ایران به وجود می آورد چراکه احکام اشاره شده فقط دیالوگ ها و سکانس ها را جذاب میکند اما از جنبه عمومی معایبی را به دنبال دارد. اشاره خوب فیلم به انبوه پرونده ها و سختی در رسیدگی به پرونده ها از جنبه های خوب این فیلم میباشد که باید چاره ای برای این موضوع داشت و به دنبال راهی باشیم که رسیدگی در پرونده ها سریع تر صورت گیرد و حجم زیاد پرونده ها باعث کندی این روند نشوند. علاوه بر آن در فیلم عرفزار مقایسه خوبی بین فرزند سارا و دختر زن و شوهری که به دنبال گرفتن شناسنامه بودند انجام شده است این فیلم علاوه بر موضوعات حقوقی و قضایی به موضوعات فرهنگی و اجتماعی هم توجه داشته است. و همچنین فضای حاکم بر رسیدگی را به خوبی به نمایش گذاشته است و فشار روحی و روانی که بر عوامل قضایی حاکم است را به خوبی به تصویر کشیده است.

در قسمت اول فیلم که به موضوع شلیک ضابط پرداخته شده است:

قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری:

ماده ۱- مأمورین مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضائیه به تفتیش، تحقیق و کشف جرائم و اجرای احکام قضائی و یا سایر مأموریت های محوله، مجاز به حمل و بکارگیری سلاح می باشند موظفند به هنگام بکارگیری سلاح در

موارد ضروری کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲- مأمورین مسلح موضوع این قانون باید شرایط زیر را داشته باشند: سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله، داشتن آموزش های لازم در راستای مأموریت های محوله، تسلط کامل در بکارگیری سلاحی که در اختیار آن ها گذارده می شود، آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به بکارگیری سلاح. **طبق مورد ۴ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح:** مأمورین انتظامی در مواردی چون دستگیری سارق و قاطع الطريق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب انفجار



نموده و در حال فرار باشد حق بکارگیری سلاح را دارند.

طبق تبصره ۳ ماده ۱۰ این قانون - مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً «چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: تیر هوائی، تیراندازی کمر به بالا، تیراندازی کمر به پائین، را رعایت نمایند، اخطار قبلی الزامی است. **ماده ۱۲** - مأمورینی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به بکارگیری سلاح نمایند از این جهت هیچ گونه مسئولیت جزائی یا مدنی نخواهند داشت. **ماده ۱۳** - در صورتی که مأمورین با رعایت مقررات این قانون

سلاح بکار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی برآنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوط خواهد

بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را به این منظور اختصاص داده و حسب ورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد. **ماده ۱۴** - نیروهای مسلح می‌توانند در مواردی که مقتضی بدانند علاوه بر جبران خسارت وارده در قبال صدمات جانی و ضرر و زیان مالی که مأمورین مسلح در جهت انجام وظیفه طبق این قانون متحمل شده‌اند، مطابق مقررات به مأموران مذکور کمک مالی نمایند. **ماده ۱۶** - هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به بکارگیری سلاح نماید حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی وفق قوانین تحت پیگرد قرار می‌گیرد.

قسمت دوم مربوط به خانواده شهردار:

طبق ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی:

چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد. جرایم غیر قابل گذشت، جرائمی است که تعقیب آنها به

شکایت شاکی خصوصی نیاز ندارد و اگر شاکی نیز اعلام رضایت کند، مراجع قضایی نمی‌توانند به استناد رضایت شاکی، امر تعقیب و محاکمه و اجرای حکم را متوقف کنند و تعقیب آن منوط به درخواست کسی نیست و دادستان به عنوان نماینده جامعه مکلف به تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب می‌باشد. **طبق ماده ۸ قانون این دادرسی کیفری** - محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد: الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلاص در نظم عمومی ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص

یا اشخاص معین **ماده ۹۹ ق.ا.دک** - ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود: الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر



و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص **ماده ۱۱۱ ق.ا.د.ک** - تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است... **ماده ۱۳ ق.ا.د.ک** - تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: الف - فوت متهم یا محکوم علیه ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت پ - شمول عفو - نسخ مجازات قانونی ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون جرایم عمومی، یا شاکی خصوصی دارند یا ندارند. در صورتی که جرم عمومی، شاکی خصوصی داشته باشد، با شکایت اوریسیدگی به جرم آغاز می‌شود اما با گذشت او خاتمه نمی‌یابد و تا تعیین تکلیف پرونده رسیدگی ادامه خواهد یافت..

رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است. پس از تنظیم شکواییه توسط بزه دیده، پرونده مستقیماً به دادگاه ارجاع می شود و باید متذکر شد در جرم زنای به عنف، پرونده برای انجام تحقیقات به دادسرا نمی رود و مستقیماً به دادگاه ذی صلاح ارجاع داده می شود. بنابراین در اینجا بازپرس نمیتواند به پرونده رسیدگی کند. **طبق ماده ۱۹۲ آیین دادرسی کیفری** - تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرایم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی الامکان به صورت توافقی رسیدگی می شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی گری نماید. بنابراین حضور تمام افراد از جمله شاکی و متهمین در جلسه کاملاً اشتباه بوده و خلاف قانون می باشد. **با استناد به ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی:** ادله اثبات جرم عبارت است از، اقرار، شهادت، قسامه، سوگند در موارد قانونی و علم قاضی ادله اثبات جرم هستند. **با استناد به ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی:** هرگاه ادله که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر موجب علم قاضی شود. توجه به ادله مورد توجه در قانون، به اثبات جرم با فیلم اشاره ای نشده و در دادگاه اثبات جرم با فیلم به عنوان تنها دلیل شاکی امکان پذیر نیست و فقط می تواند به قاضی پرونده کمک کند تا در کنار ادله دیگر همچون اقرار، شهادت، قسامه و سوگند، برای اثبات اتهام رخ داده یا تبرئه متهم مورد توجه قرار گیرد. بنابراین اشاره ی بازپرس به عدم وجود دوربین در باغ دلیل موجهی نبود. در قسمتی از فیلم مشاهده میکنیم که بازپرس متهم را به اعدام تهدید میکند **بر اساس ماده ۱۹۵ آیین دادرسی کیفری** - بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می کند و به او اعلام می نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می کند. پرسش ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. **طبق ماده ۱۲۹ ق.آ.ک:** سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است.

در صورتی که جرم دارای جنبه عمومی، شاکی خصوصی نداشته باشد و توسط ضابطان دادگستری و ماموران انتظامی یا مدعی العموم، مورد شکایت واقع شود، پیگیری آن تا حصول نتیجه و صدور رای در دادگاه ادامه می یابد. در واقع به همین دلیل است که به جرم عمومی، جرم غیر قابل گذشت نیز گفته می شود. **بر اساس ماده ۱۰۰ ق.آ.ک** در خصوص تاثیر گذشت شاکی در مجازات جرایم غیر قابل گذشت، شایان ذکر است حتی اگر شاکی خصوصی گذشت کند صرفاً، میزان مجازات، کاهش خواهد یافت و البته گذشت شاکی، در برخی جرایم حدی تاثیری در سقوط یا تخفیف مجازات نخواهد داشت. بنابراین اجبار سارا به گذشت و انصراف از شکایتش از لحاظ قانونی تاثیری نخواهد داشت علاوه بر آن همسر سارا به کما رفته است و این جرم از جنبه عمومی قابل پیگیری است. تجاوز به عنف نوعی از زنا است که همراه با عدم رضایت و خواست قربانی می باشد.

مطابق بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی: ت - زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است. **تبصره ۲** - هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. **به موجب ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی:** هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است. بنابراین اگر مرد انکار کرد زن باید آن را ثابت کند در عین حال باید ثابت کند که نزدیکی بدون رضایت وی رخ داده است. اثبات حکم تجاوز به عنف: باید متهم در نزد قاضی ۴ بار اقرار کند. همچنین طبق قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط اثبات زنا، علم قاضی است که از طریق متعارف حاصل می شود، یعنی اینکه قاضی می تواند با توجه به اقرارهای کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند و سایر قرائن و شواهد، جرم متهم را زنا به عنف تشخیص داده و حکم صادر کند. یکی از راه های دیگر اثبات جرم حضور ۴ شاهد می باشد. وزمانی که ۴ شاهد برای اثبات جرم وجود نداشته باشد، قاضی می تواند به علم خود رجوع کند. **طبق ماده ۳۰۶ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - به جرایم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می شود. تبصره (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم**



بنابراین نباید سوالاتی که بازپرس از متهم می‌پرسد تلقینی باشد به این معنا که پاسخ را به متهم القاء نمایند، زیرا با توجه به شرایط روحی متهم و اینکه علاقمند است با پاسخ‌های خود هرچه زودتر جلسه‌ی بازجویی به پایان برسد. و آنچه در روند رسیدگی به پرونده مشاهده می‌شود سفارشات و اعمال نفوذ در پرونده است که به صورت علنی صورت می‌گیرد. افکار عموم مردم با تماشای این قسمت مورد تزلزل واقع می‌شود و منطبق با واقعیت نمی‌باشد. طبق ماده ۱۱ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی: هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزد یکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فائده دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازاء اعمال نفوذ

نزد مأمورین مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تعهدی از او بگیرد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد. از شش

ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد. هرگاه وجه نقد یا فائده یا تعهد را به اسم مأمورین مزبوره و به عنوان اینکه برای جلب موافقت آنها باید پرداخته شود گرفته باشد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال و به جزای نقدی از دو هزار ریال الی پانزده هزار ریال محکوم خواهد شد. جلب موافقت آنها باید پرداخته شود گرفته باشد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال و به جزای نقدی از دو هزار ریال الی پانزده هزار ریال محکوم خواهد شد. **در داستان زن و مردی که به بازپرس مراجعه کرده بودند تا برای دخترشان شناسنامه بگیرند:**

در خصوص دریافت شناسنامه برای طفل متولد شده در اثر عمل زنا

باید گفت که:

طبق ماده ۱۶ قانون ثبت احوال:

اعلام و امضاء دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود:

- ۱- پدر یا جد پدری ۲- مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد. ۳- این بند به موجب ماده ۷ قانون اصلاحی ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ حذف شده است. ۴- وصی یا قیم یا امین ۵- اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند ۶- متصدی یا نماینده موسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است ۷- صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد. تبصره - در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضاء

اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابویین که مراجعه می‌کند با قید نام کوچک طرف غائب تنظیم خواهد شد. اگر مادر اعلام کننده



باشد نام خانوادگی مادر به طفل داده می‌شود.

ماده ۱۷ قانون ثبت احوال اشاره میکند به اینکه هرگاه ابویین طفل معلوم نباشند سند یا نام خانوادگی آزاد و نامهای فرضی در محل اسامی ابویین تنظیم می‌گردد. تصحیح اسامی فرضی یا تکمیل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی با حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت به عمل خواهد آمد و نام خانوادگی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی اصلاح خواهد شد. موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس نخواهد شد پس چگونه ممکن است که در شناسنامه طفل قید شود ولد الزنا؟ در صورتی که هیچ قانونی نسبت به این موضوع وجود ندارد. طبق رأی وحدت رویه ۶۱۷ دیوان عالی کشور در خصوص اثبات

فقط صد ضربه شلاق حدی است پس جزای نقدی بار نمی شود. جرم منافعی عفت تحقیق مجاز است ولی صرفاً توسط قاضی دادگاه به عمل می آید. در این گونه موارد پرونده جهت رسیدگی مستقیماً به دادگاه صالح ارسال می گردد در نتیجه حضور بازپرس در این قسمت هیچ ارتباطی با موضوع ندارد و همچنین مرجع صلاحیت دار در خصوص اثبات نسب فقط دادگاه خانواده میباشد. گرفتن شناسنامه برای نوزادان، تکلیف قانونی پدر و مادر تلقی می شود و حتی در مورد فرزندان متولد از رابطه نامشروع نیز پدر مکلف به گرفتن شناسنامه برای فرزند و پرداخت نفقه به وی می باشد.



به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و **تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷** قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابویین طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد وزانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از عمو مات و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و مسأله ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی

علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و

نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از

جمله اخذ شناسنامه برعهده

وی می باشد و حسب

ماده ۸۸۴ قانون مدنی

صرفاً موضوع توارث

بین آنها منتفی

است.

مرجع صلاحیت

دار برای طرح

دعوی اثبات

نسب مشروع،

دادگاه خانواده

می باشد و آنچه

اهمیت دارد اگر

فرزند، نتواند ضمن

دعوی اثبات نسب، رابطه

زوجیت والدین را به ثبت رسانده

و ثابت کند که نطفه وی توسط پدر منعقد شده است، نسب وی،

نامشروع تلقی می شود لازم به ذکر است که از جمله اثبات نسب پدری

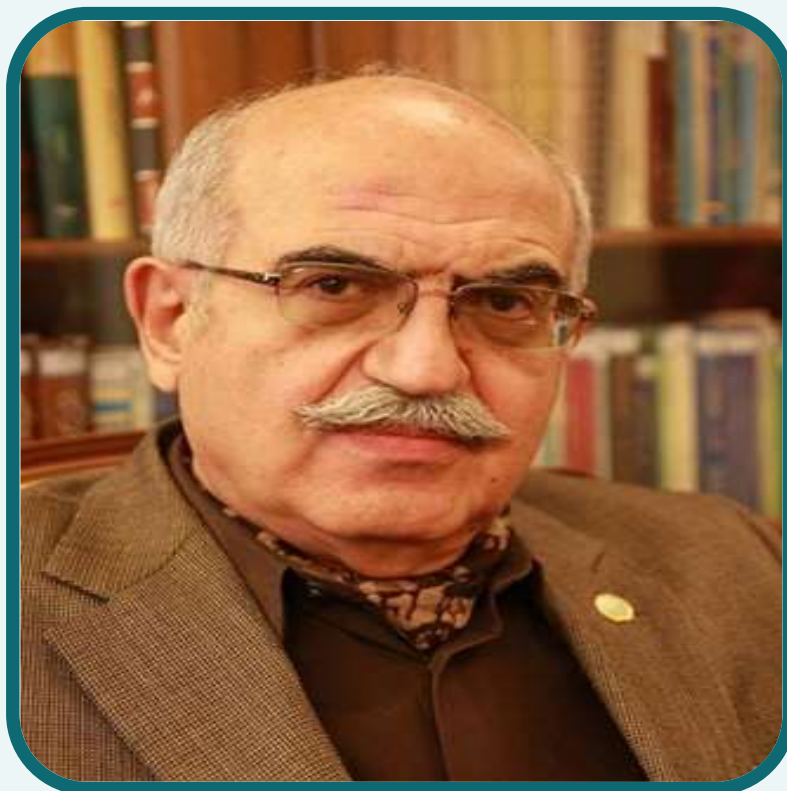
، انجام آزمایش هایی همچون آزمایش دی. ان. ای و یا استناد به اماره

فراش می باشد.

در نتیجه به طور خلاصه به ایرادات این قسمت اشاره میشود. بازپرس

به صد ضربه شلاق و بیست میلیون تومان جزای نقدی اشاره میکند.

طبق ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی: مجازات زنا ی غیر محصنه



پیشینه بهمن کشاورز به قلم خود

مینا فلاهی (دانشجوی ورودی ۱۴۰۰ کارشناسی حقوق دانشگاه لرستان)

مشخصات فردی و خانوادگی

متولد ۲۱/۰۶/۱۳۲۳ در تهران

جد پدری (محمد وکیل التجار یزدی) نماینده دوره اول و دوم مجلس شورای ملی

جد مادری (شیخ محمود کسمائی) از یاران میرزا کوچک خان جنگلی

پدر (کریم کشاورز) نویسنده و مترجم و مولف اهل یزد

مادر (فرخنده نویدی کسمائی) فعال در عرصه فرهنگ و هنر اهل گیلان

متاهل دارای دو فرزند (کریم و شهریانو بهارک) که هر دو وکیل دادگستری هستند

سوابق تحصیلی

دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون در سال ۱۳۴۳ (نفر اول پسران تهران)

لیسانس حقوق قضائی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷

فوق لیسانس حقوق جزا از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۶ (موضوع پایان نامه: وضعیت روانی متهم)

فوق لیسانس حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۶۸

موضوع پایان نامه: سرقتی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلامی

سوابق کاری و حرفه ای

فهرست نگاری کتب و ویزیتوری دارویی

وکیل دادگستری از ۱۶/۰۲/۱۳۵۰

سه دوره عضویت در هیات مدیره کانون وکلای مرکز

دو دوره تصدی ریاست اشتغال به کارهای گوناگون در تابستانها از کلاس هفتم متوسطه تا پایان دوره لیسانس از قبیل موزائیک سازی، هیات

مدیر کانون وکلای مرکز

فعالیت در کمیسیونهای مختلف قانون منجمله کمیسیون حمایت و معاضدت قضائی و فعالیت مستمر در اداره معاضدت قضائی از ۱۳۴۹ (دوران کارآموزی تا ۱۳۸۲)

پنج دوره دو ساله ریاست اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری
برگزاری کلاسهای آئین نگارش حقوقی، هنر دفاع، آئین تنظیم قراردادهای و... در جهاد دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاههای تهران و آزاد
پرورش کارآموزان وکالت که تعدادشان حداقل برای تشکیل دو کانون وکلا کافی است

تألیفات

فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی (اولین فرهنگ از این نوع در ایران که چاپ اول آن در سال ۱۳۵۴ منتشر شد).
دادگاههای عام، پیشینه ساختار، آئین دادرسی
آئین نگارش حقوقی و کلیات عملی علم حقوق
آئین تنظیم قراردادهای
مجموعه محشای قانون تعزیرات (با همکاری شهربانو بهارک و کریم کشاورز)
سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلام
بررسی تحلیلی قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶
هنر دفاع در دادگاهها استراتژی و تاکتیک
وکیل دادگستری و اخلاق حرفه ای
قضا و مزاح
آداب و شگردهای وکالت در دادگستری
آسیب شناسی وکالت دادگستری
دفاع و استدلال شفاهی در دادگاه ها
مقالات و مصاحبه های متعدد در جراید کثیرالانتشار در خصوص مسائل حرفه ای و حقوقی و اجتماعی

مواضع عمده حرفه ای

مخالفت با قانون دادگاههای عام از آغاز تا انجام
مخالفت با ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه از آغاز تا حال
مخالفت با کلیه اقدامات و حرکات مغایر با استقلال کانون وکلا و مخالفت با هر اقدامی که معارض کرامت و حرمت و استقلال حرفه ای فرد
فرد وکلا باشد.
اعتقاد به آموزش عمومی حقوق به مردم
اعتقاد به لزوم توجه جدی به حق دفاع شهروندان (موضوع اصل ۳۵ قانون اساسی)

روش زندگی استاد کشاورز از زبان خود

من از ابتدا تاکنون وکیل حرفه ای بودم و هیچ شغل دولتی و یا مشاوره دولتی هم نداشتم. البته غیر از کارهایی که در دوران تحصیل می کردم. اگر قرار باشد دوباره زاده شوم و از نو شروع کنم، باز هم وکیل خواهم شد. من از همان دبیرستان البرز ورزش میکردم. کشتی گیر بودم و همینطور هم ادامه داشت و بعدا که به دانشکده وارد شدم از همان سال اول دریکی دوتا مسابقه شرکت کردم و زمین خوردم و دیدم دیگر وقت کشتی گذشته است، ولی ورزش را به صورت دویدن، راه پیمایی و ورزش با وزنه و این قبیل امور بطور مرتب و به صورت یک برنامه جدی در زندگی ادامه دادم. سلامت بدن علاوه بر ورزش به این هم بر می گردد که در انتخاب کارها و نحوه انجام آنها جوری عمل کنید که خواب شبستان آشفته نشود و معیارتان برای انتخاب موکلین هم باید این باشد. این توصیه ای است که من به فرزندانم و همکاران جوان می کنم. مرحوم آقای فریدون منو - وکیل سرپرست و شوهر خاله ام هم بود و خیلی چیزها از ایشان یاد گرفتم - نصایح زیادی به من کرد که برایم بسیار مفید بود یکی از آنها که کاملاً در ذهنم مانده است، این است که «زمانی که می خواستم شروع به کار کنم گفت فلانی این را به یاد داشته باش مالک هیچ چیزی به جز



وعده غذایی که قبلاً خورده‌ای و لباسی که الان برتن داری نیستی. بنابراین حرص نزن برای اینکه ممکن است به وعده غذا بعدی نرسی. وقتی که کارت تمام شد این لباس را هم از تنت درمی‌آوردند، بنابراین بی‌خود حرص نزن». این نصیحت همیشه در گوش من بوده و در نتیجه حرص نزنم و اعصابم هم ناراحت نبوده است. هرگز محتاج نامرد هم نشدم. خداوند همیشه لطفش شامل حال من بوده است و همیشه شکرگزارم.

تاسیس و برپایی اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری از زبان استاد کشاورز

در برپایی اتحادیه سراسری زحمات بسیار کشیده شد. قطعاً دیگران هم زحمت کشیدند بنابراین این را که نقش من چه بود و چقدر موثر بودم باید دیگران بگویند و تاریخ قضاوت کند. البته این را بگویم که شاید از سالهای ۶۹ و ۷۰ به فکر تشکیل «اتحادیه وکلای دادگستری» و نه «اتحادیه کانونهای وکلا» بودم که با تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت و تشکیل کانونهای کوچک و کم جمعیت، فکر کردم باید «اتحادیه کانونها» تشکیل شود. اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) از سال ۱۳۸۲ با ثبت در مرجع ثبت شرکت های تهران تحت این اسم شروع به کار کرد.

هدف از تشکیل اتحادیه این بود که کانون های کم جمعیت و دور افتاده از هم بهم بیوندند و بتوانند در اهداف مشترک هماهنگ عمل کنند و معضلات و مشکلات موجود را حل کند. این منظور تا حد زیادی برآورده شده است. جرقه تاسیس اتحادیه را مرحوم محمدی از کانون گیلان زد. در واقع کانون گیلان در این مسئله پیش قدم بود و نام بردن از ایشان برای ادای دین از لحاظ تاریخی بود و متعرض این نیستم که چه کسانی پایه گذار اتحادیه هستند.

بنای تاسیس اتحادیه از طریق تنظیم اساسنامه در کانون مرکز که در آن زمان بنده تصدی آن را برعهده داشتم گذاشته شد. مهمترین کاری که اتحادیه انجام داده و می‌دهد، برگزاری آزمون است و در راه انجام این امر بسیار خوب عمل کرده است.

درگذشت

بهمن کشاورز در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ بر اثر ایست قلبی در بیمارستان مهراد تهران درگذشت.

نامگذاری خیابان

در شهریورماه سال ۱۳۹۹ خیابان هفتم خالد اسلامبولی واقع در منطقه ۶ تهران به نام او بعنوان پیشکسوت عرصه حقوق ایران نامگذاری شد.

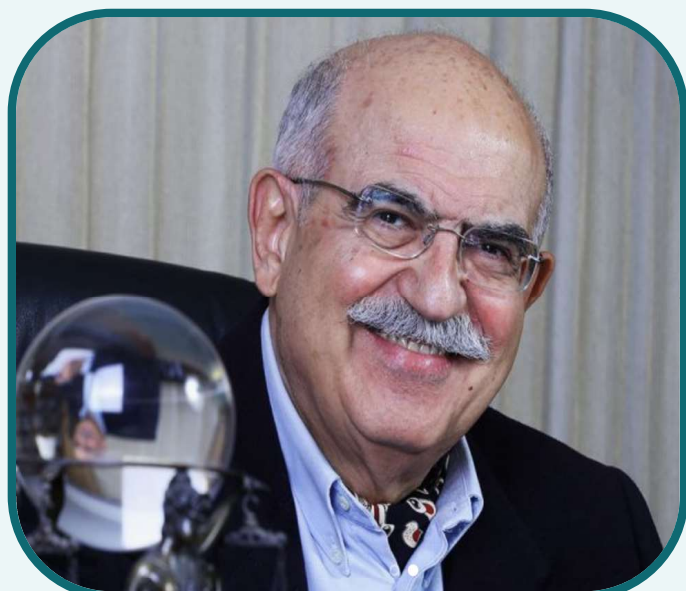
بنیاد حقوقی و انتشارات کشاورز

بنیادی حقوقی به نام بهمن کشاورز برای گرامیداشت تلاش های پنجاه ساله او در شهریور ۱۳۹۸ تأسیس شد و مهرماه ۱۳۹۸، همایشی با عنوان همایشی با عنوان اخلاق و حقوق به مناسبت تأسیس این بنیاد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش رئیس اسکودا، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز و دیگران سخنرانی کردند. بهمن کشاورز، ریاست انتشارات کشاورز را نیز عهده دار بود. بهمن کشاورز حقوق دان، وکیل دادگستری و رئیس پیشین اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران بود.

منابع:

۱- ویکیپدیا (دانشنامه آزاد) <https://fa.wikipedia.com>

۲- بنیاد حقوقی بهمن کشاورز <https://bahmankeshavarz.com>



اخبار حقوقی

نرگس کریمی (دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه لرستان)

محمد جعفر منتظری رئیس دیوان عالی کشور شد

با حکم رئیس قوه قضائیه، حجت الاسلام محمد جعفر منتظری که تا پیش از این دادستان کل کشور بود، به عنوان رئیس دیوان عالی کشور منصوب شد.

حجت الاسلام موحدی آزاد نیز که تاکنون رئیس دادگاه انتظامی قضات بود، جایگزین منتظری در سمت دادستان کل کشور شد. بر اساس اصل یکصد و شصت و دوم قانون اساسی، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

لایحه عفاف و حجاب توسط مجلس تصویب شد.

قوه قضائیه لایحه ای تحت عنوان لایحه صیانت از عفاف و حجاب ذیل ۷۰ ماده به دولت تقدیم و دولت این لایحه را اصلاح و نام آن را به لایحه حمایت از عفاف و حجاب تغییر داد و به مجلس شورای اسلامی ارسال نمود، کلیات لایحه ۲۸ خرداد در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و متن آن ۶ مرداد منتشر شد.

این لایحه در پی برخورد با کسانی است که حجاب شرعی را رعایت نکرده و موجب بی عفتی و ترویج برهنگی میشوند و ضمانت اجرایی برای نقض کنندگان این قانون نظیر جرایم نقدی درجه ۷ و ۸، محرومیت های اجتماعی، توقیف وسایل نقلیه سرنشینان نقض کننده در اعمال مواد این لایحه را دربر دارد و همچنین در خصوص اعمال خلاف این لایحه توسط افراد معروف در عرصه های هنری، ورزشی و... نیز ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است. فصل دوم و سوم این لایحه وظایف عمومی و اختصاصی دستگاه های اجرایی را بیان داشته است که نکول از آنها تخلف محسوب میشود.

آزمون وکالت ۱۴۰۲ برگزار شد.

در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۴۰۲ آزمون وکالت کانون وکلای دادگستری با ۱۱۰ هزار داوطلب در ۳۳ شهر کشور برگزار شد. برخلاف سال های گذشته ظرفیت قبول شدگان آزمون در سال ۱۴۰۲ اعلام نشده است. در خصوص برگزاری یا عدم برگزاری آزمون اختبار پس از اجرای قانون تسهیل ابهام وجود دارد چرا که طبق قانون تسهیل تراز قبولی هم پایین تر آمده است. تراز اولیه پس از اجرای طرح تسهیل ۲۷۰۰ است، بدین معنا که داوطلبی که صرفا سر جلسه شرکت کند ترازش ۲۷۰۰ است!

چک های قدیمی فقط در بانک خودشان پذیرفته میشود.

مطابق قانون جدید صدور چک مصوب ۱۳۹۷ مراتب صدور چک ها باید در سامانه صدور یکپارچه دسته چک به ثبت برسد که ثبت در این سامانه از فروردین ۱۴۰۰ لازم الاجرا شد. طبق اخبار آتی از ابتدای مهرماه ۱۴۰۲ چک های صادر شده قبل از این تاریخ (چک های قدیمی) فقط در بانک محال علیه (بانک های صادر کننده این دسته چک ها) پذیرفته میشوند.

اخبار کوتاه:

- صدور کارت ضابط خاص برای نیروهای معرفی شده از سوی مخابرات.
- زندان رجائی شهر کرج تخلیه و تعطیل شد!
- خبرنگاران تحت سامانه جدیدی از سوی قوه قضائیه از روند دادرسی پرونده های مهم اقتصادی با خبر خواهند شد.





فعالیت های ادوار گذشته انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان

دوره ششم

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

پرسش و پاسخ با موضوع:

کسب و کار تلقی شدن حرفه وکالت؟! LIVE

وکیل محمد شیوایی
دبیر کمیسیون سایت، کانون وکلای دادگستری مرکز
مدیر عامل بنیاد حقوقی بهمن کشاورز

زمان: چهارشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۹۹ ساعت ۲۰
درج انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان به آدرس: [lu.sa.of.law](https://www.lu.sa.of.law)

پرسش و پاسخ با موضوع کسب و کار تلقی شدن حرفه وکالت با حضور وکیل محمد شیوایی (دبیر کمیسیون حمایت کانون وکلای دادگستری مرکز، مدیر عامل بنیاد حقوقی بهمن کشاورز) چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق به مناسبت روز وکیل برگزار می کند:

نهاد وکالت؛ ویژگی ها و الزامات LIVE

دکتر اکبر نقدی سپهوند
وکیل پایه یک دادگستری
عضو هیئت علمی دانشگاه

زمان: جمعه هشتم اسفند ماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۸

نهاد وکالت؛ ویژگی ها و الزامات با حضور جناب آقای دکتر اکبر نقدی سپهوند (وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیئت علمی دانشگاه) جمعه ۸ اسفند ماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۸

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار میکند:

جلسه پرسش و پاسخ

در لایو اینستاگرامی LIVE

با موضوع: انتقال مال غیر

دکتر فرشاد چنگایی
(وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه)

زمان: ۲۰ اسفند ماه ساعت ۲۰ در پیج انجمن به آدرس: [lu.sa.of.law](https://www.lu.sa.of.law)

جلسه پرسش و خوانی و تحلیل رای با موضوع انتقال مال غیر با حضور دکتر فرشاد چنگایی (وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه) چهارشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۹ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

گفت و گوی دانشجویی با موضوع:

موسیقی عامه پسند و چالش های پیش رو

به بهانه ای انتشار موزیک ویدئوی جنجالی روزهای اخیر

دکتر حامد رهدارپور
عضو هیئت علمی حقوق دانشگاه لرستان

زمان: دوشنبه ۲۵ اسفند ماه ساعت ۲۰ در گروه اسکایپی به آدرس: <https://join.skype.com/oVM1I2hOE5Fa>

موسیقی عامه پسند و چالش های پیش رو با حضور دکتر حامد رهدارپور (عضو هیئت علمی حقوق دانشگاه لرستان) دوشنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۹ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می‌کند:

برنامه‌ی

تحلیل و نقد حقوقی و جرم شناختی فیلم

LIVE

حضور برای علاقه‌مندان آزاد است.

THE TRIAL OF THE CHICAGO 7

دکتر مهر برزگر : با حضور

عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا و وکیل پایه‌ی یک دادگستری

زمان: چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ساعت ۲۱

در لایو پیج انجمن علمی حقوق به نشانی:

[Mehbarzegar](https://www.instagram.com/Mehbarzegar) [Lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/Lu_hoqooq_anjomanelmi)

برنامه‌ی تحلیل و نقد حقوقی و جرم شناختی فیلم
The trial of the Chicago ۷
 با حضور دکتر مهری برزگر (عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا و وکیل پایه یک دادگستری)
 چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۱

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می‌کند:

گفت‌وگوی دانشجویی با موضوع:

قمار و آثار حقوقی ناشی از آن

با حضور:

دکتر فرشاد چنگایی

وکیل پایه‌ی یک دادگستری و مدرّس دانشگاه

زمان: پنجشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

ساعت ۲۱

در گروه اسکایپی به نشانی: <https://join.skype.com/oVM1I2h0E5Fa>

قمار و آثار حقوقی ناشی از آن با حضور دکتر فرشاد چنگایی
 (وکیل پایه‌ی یک دادگستری و مدرّس دانشگاه)
 پنجشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۱

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می‌کند:

بخش زنده اینستاگرامی با عنوان:

قتل‌های خانوادگی از منظر جامعه‌شناسی کیفری

LIVE

با حضور:

دکتر محبوبه امینی

◇ عضو هیات علمی دانشگاه یزد
 ◇ پژوهشگر جرم‌شناسی
 ◇ وکیل پایه یک دادگستری

زمان: دوشنبه ۲۵ مرداد ماه ساعت ۲۰

در پیج اینستاگرامی انجمن علمی حقوق به نشانی: [Lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/Lu_hoqooq_anjomanelmi)

قتل‌های خانوادگی از منظر جامعه‌شناسی حقوقی با حضور دکتر محبوبه امینی (عضو هیات علمی دانشگاه یزد، پژوهشگر جرم‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری)
 دوشنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می‌کند:

جایگاه رئیس‌جمهور در معماری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

LIVE

با حضور:

آقای شهریار نبوی

پژوهشگر حقوق عمومی و مدرّس دانشگاه

زمان: چهارشنبه ۲۶ خرداد ماه ساعت ۲۱:۳۰

در لایو انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان

نشانی: [Lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/Lu_hoqooq_anjomanelmi)
[Shahryaar_n](https://www.instagram.com/Shahryaar_n)

جایگاه رئیس‌جمهور در معماری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حضور آقای شهریار نبوی (پژوهشگر حقوق عمومی و مدرّس دانشگاه)
 چهارشنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۱:۳۰



دوره هفتم

انجمن علمی حقوق
با همکاری گروه حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

جشن نو ورودی ها

با حضور اعضای هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه لرستان
همراه با پرسش و پاسخ دانشجویی

مکان:
اتاق اسکای روم به آدرس:
<https://www.skyroom.online/ch/lurestanuni/naahad-ostani>

زمان:
پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۰
ساعت: ۱۵

حضور تنها برای دانشجویان گروه حقوق مجاز می باشد.

جشن نو ورودی ها با حضور اعضای هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه لرستان + همراه با پرسش و پاسخ
پنجشنبه ۲۰ آبان ماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۵

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:
گفت و گوی اسکای با موضوع:

تناسب جرم و مجازات

(بررسی رای صادر شده پرونده "سرقت بادام هندی")

با حضور:
دکتر فرشاد چنگایی
مدیرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری

زمان:
جمعه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۱

در گروه اسکای به نشانی: <https://join.skype.com/oVM1I2hOE5Fa>

تناسب جرم و مجازات (بررسی رای صادر شده پرونده "سرقت بادام هندی") با حضور دکتر فرشاد چنگایی (مدیرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری) جمعه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۱

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان
برگزار می کند:

چگونه در آزمون وکالت موفق شویم؟

با حضور:
سید علی موسوی
رتبه ۲۶ آزادگان خراسان

محمد رضا خارستانی
رتبه ۲۲۶ آزادگان مرکز

تاریخ: جمعه ۱۴۰۰/۰۹/۵
ساعت: ۲۰
مکان: پیج انجمن علمی حقوق به آدرس:
[lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi)

چگونه در آزمون وکالت موفق شویم؟
با حضور سید علی موسوی (رتبه ۲۶ آزادگان خراسان) و محمد رضا خارستانی (رتبه ۲۲۶ آزادگان مرکز)
جمعه ۵ آذر ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان به مناسبت
روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان
برگزار می کند:

خشونت علیه زنان و راهکارهای مقابله با آن در حقوق موضوعه ایران

با حضور:
دکتر بهشید ارفع نیا
وکیل پایه یک دادگستری
دکترای حقوق از دانشگاه سوربن فرانسه
عضو هیأت علمی دانشگاه
نحال حوزه حقوق زنان

زمان: پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۹/۴ ساعت ۱۴:۰۰ تا ۲۰:۰۰

مکان: صفحه اینستاگرامی انجمن به آدرس:
https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi

خشونت علیه زنان و راهکارهای مقابله با آن در حقوق موضوعه ایران با حضور دکتر بهشید ارفع نیا (وکیل پایه یک دادگستری، دکترای حقوق از دانشگاه سوربن فرانسه، عضو هیأت علمی دانشگاه، فعال حوزه حقوق زنان)
پنجشنبه ۴ آذر ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان به مناسبت شب یلدا برگزار می‌کند:

LIVE

دوره‌های دانشجویی

با حضور:

دکتر حمیدرضا کارگر
عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان

زمان: دوشنبه ۲۹ آذرماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰
در پیج اینستاگرامی انجمن علمی حقوق به نشانی:

[Lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/Lu_hoqooq_anjomanelmi)

دوره‌های دانشجویی با حضور دکتر حمیدرضا کارگر (عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان) دوشنبه ۲۹ آذرماه ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان به مناسبت سالروز تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌کند:

فراز و فرود ایده بازنگری قانون اساسی (از جمهوری اول تا جمهوری دوم)

با حضور:

آقای شهریار نبوی
پژوهشگر حقوق عمومی
مدرس دانشگاه

زمان: جمعه ۱۴۰۰/۹/۱۲ ساعت ۲۰
مکان: صفحه اینستاگرامی انجمن به آدرس

https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi_2

فراز و فرود ایده بازنگری قانون اساسی (از جمهوری اول تا جمهوری دوم) با حضور آقای شهریار نبوی (پژوهشگر حقوق عمومی، مدرس دانشگاه) جمعه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان به مناسبت هفته وکیل مدافع برگزار می‌کند:

LIVE

چالش‌ها و جذابیت‌های شغل وکالت

زمان:

چهارشنبه چهارم اسفند ماه ۱۴۰۰
ساعت ۲۱

با حضور:

دکتر محمدادی جعفرپور
وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری فارس

در صفحه اینستاگرامی انجمن علمی به آدرس: [lu_hoqooq_anjomanelmi](https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi)

چالش‌ها و جذابیت‌های شغل وکالت با حضور دکتر محمدادی جعفرپور (وکیل پایه یک دادگستری، عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری فارس) چهارشنبه ۴ اسفند ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۱

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان به مناسبت هفته وکیل مدافع برگزار می‌کند:

آئین نامه جدید لایحه استقلال؛ هست و باید یا زهرابرومند
همان: وکیل زهرابرومند
عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری قم
زمان: دوشنبه دوم اسفندماه ۱۴۰۰
ساعت: ۲۰

لینک برگزاری: https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi

آئین نامه جدید لایحه استقلال؛ هست و باید یا زهرابرومند (عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری قم) دوشنبه ۲ اسفند ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰



انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

موفقیت در المپیاد دانشجویی

LIVE با حضور:

دکتر رضا زالی

- رتبه ۱۰ المپیاد حقوق کشوری سال ۹۶
- رتبه ۷ کارشناسی ارشد
- و رتبه ۱ دکتری حقوق خصوصی

زمان: جمعه ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

در صفحه اینستاگرامی انجمن علمی به آدرس:

[lu_hoqooq_anjomanelmi1](https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi1)

موفقیت در المپیاد دانشجویی با حضور دکتر رضا زالی
(رتبه ۱۰ المپیاد حقوق کشوری سال ۹۶، رتبه ۷ کارشناسی ارشد و رتبه ۱ دکتری حقوق خصوصی)
جمعه ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

نقد حقوقی و جرم شناختی فیلم:

THE HUNT 2012

با حضور:

دکتر مهریبرزگر
عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا

زمان:
پنجشنبه ۱۲ اسفند - ساعت ۲۰

در صفحه ی اینستاگرام انجمن به آدرس:

[lu_hoqooq_anjomanelmi1](https://www.instagram.com/lu_hoqooq_anjomanelmi1)

تحلیل حقوقی و جرم شناختی فیلم The Hunt ۲۰۱۲ با حضور دکتر مهریبرزگر (عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا)
پنجشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۴۰۰ ساعت ۲۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان
با همراهی رسانه گروهی دانشگاه لرستان
برگزار می کند:

آشنایی با حقوق دانشجویی

(تشریح حقوق و تکالیف دانشجویان در آیین نامه های انضباطی)

با سخنرانی: دکتر حامد رهدارپور
عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه لرستان
عضو حقوقی کمیته های انضباطی دانشگاه

زمان:
شنبه ۷ خرداد ماه ساعت ۱۰

مکان: سالن آمفی تئاتر دانشکده اقتصاد

برنامه آشنایی با حقوق دانشجویی
با سخنرانی دکتر حامد رهدارپور (عضو هیأت علمی گروه حقوق و عضو حقوقی کمیته های انضباطی دانشگاه لرستان)
شنبه ۷ خرداد ماه ۱۴۰۱ ساعت ۱۰

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

معرفی گروه حقوق

9

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان
با سخنرانی اعضای هیأت علمی
به همراه پرسش و پاسخ
و برگزاری مسابقه دانشجویی و اهدای جوایز

زمان: دوشنبه ۱۴۰۱/۱/۲۲ ساعت ۱۴
مکان: سالن آمفی تئاتر دانشکده اقتصاد

جشن بازگشایی، معرفی گروه حقوق (و انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان) با سخنرانی اعضای هیأت علمی به همراه پرسش و پاسخ و برگزاری مسابقه دانشجویی و اهدای جوایز
دوشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۱ ساعت ۱۴

دوره هشتم



برنامه بازدید از دادگستری و حضور در جلسه رسیدگی پرونده حقوقی: تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ ساعت ۱۰ الی ۱۲ در محل دادگستری (کیو) با حضور دکتر فرشاد چنگایی وکیل و استاد دانشگاه لرستان و همچنین ۵۰ تن از دانشجویان گروه حقوق برگزار شد.

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

**پرسش و پاسخ با مسئولین دانشگاه
پیرامون مشکلات گروه حقوق**

با حضور:
مسئولین دانشگاه
رئیس و معاونین دانشکده ادبیات
اساتید هیأت علمی گروه حقوق

تاریخ:
دوشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ ساعت ۱۰

مکان:
دانشکده اقتصاد، طبقه ی دوم، راهرو سمت راست
سالن کنفرانس شهید میر بهرسي

*** حضور برای دانشجویان حقوق آزاد است. ***

برنامه پرسش و پاسخ با مسئولین دانشکده ادبیات پیرامون مشکلات گروه حقوق: تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ ساعت ۱۰ الی ۱۲ در سالن کنفرانس شهید میر بهرسي با حضور رئیس و معاونین دانشکده ادبیات، اساتید هیأت علمی گروه حقوق و دانشجویان.



برنامه بازدید از دادگستری و حضور در جلسه رسیدگی پرونده کیفری: در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ ساعت ۱۰ الی ۱۲ در محل دادگستری (میدان پلیس) با حضور ۲۵ تن از دانشجویان گروه حقوق برگزار شد.

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

نقد حقوقی مستند: (و عنکبوت آمد)

با حضور: دکتر فرشاد چنگایی (وکیل و استاد دانشگاه)

تاریخ: دوشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ ساعت ۱۳

دانشکده اقتصاد، طبقه همکف
راهرو سمت چپ، سالن آمفی تئاتر شهید شکوهی

برنامه نقد حقوقی مستند و عنکبوت آمد: در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ ساعت ۱۳ الی ۱۵ در سالن آمفی تئاتر شهید شکوهی با حضور دکتر فرشاد چنگایی وکیل و استاد دانشگاه لرستان با حضور دانشجویان حقوق و دانشجویان دیگر رشته ها برگزار شد.



انجمن علمی حقوق
دانشگاه لرستان برگزار می کند:

کلاس روش مطالعه

با حضور:
دکتر افسانه عبدلی (عضو هیات علمی دانشگاه لرستان)

مکان:
دانشکده اقتصاد، طبقه همکف، راهرو سمت راست
سالن کنفرانس شهید رشوند

حضور برای عموم دانشجویان آزاد است

چهارشنبه
۱۴۰۱/۰۹/۳۰
ساعت: ۱۰

برنامه کارگاه روش مطالعه: در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲ در سالن کنفرانس شهید رشوند با حضور دکتر افسانه عبدلی عضو هیات علمی دانشگاه لرستان و همچنین حضور عموم دانشجویان برگزار شد.

انجمن علمی حقوق
دانشگاه لرستان برگزار می نماید:

مناظره حقوقی با موضوع «محاربه»

با حضور: دکتر حامد رهدارپور (عضو هیات علمی دانشگاه لرستان)

مناظره کنندگان: سجاد باقری و محمدحسین شکوری راد
(دانشجویان ورودی ۹۸)

مکان:
ساختمان مدیریت امور فرهنگی
(جنب کتابخانه مرکزی)، آمفی تئاتر شهید سلیمانی

«همراه داشتن کارت دانشجویی الزامی است.»

دوشنبه
۱۴۰۱/۰۹/۲۸
۱۰-۱۲

برنامه مناظره حقوقی با موضوع محاربه: در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ ساعت ۱۰ الی ۱۲ در سالن آمفی تئاتر شهید سلیمانی با حضور دکتر حامد رهدارپور عضو هیات علمی دانشگاه لرستان و همچنین حضور عموم دانشجویان برگزار شد.

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان
با افتخار برگزار میکند

جلسه تحلیل پرونده

باموضوع وجه التزام

(ناشی از تأخیر در انجام تعهد)

با حضور: جناب آقای احسان رحمتی
قاضی دادگستری

مکان:
دانشکده اقتصاد، سالن
کنفرانس شهید میربهرسی

زمان:
سه شنبه
۱۹ اردیبهشت ماه ساعت: ۱۳

جلسه تحلیل پرونده با موضوع وجه التزام (ناشی از تأخیر در انجام تعهد): این جلسه در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ ساعت ۱۳ الی ۱۵ در سالن کنفرانس شهید میربهرسی با حضور جناب آقای احسان رحمتی (قاضی دادگستری)، دکتر حامد رهدارپور (عضو هیات علمی دانشگاه لرستان) و دکتر فرشاد چنگایی (وکیل و استاد دانشگاه) و همچنین دانشجویان عزیز برگزار گردید.

انجمن علمی فقه و مبانی حقوق دانشگاه اردکان با همکاری انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان برگزار می کند:

کارگاه عیدانه آموزشی حقوق ثبت

زمان برگزاری:
۵ الی ۷ فروردین ماه
ساعت ۱۰ الی ۱۱:۳۰

مدرس:
آقای ملک محیدی
وکیل پایه یک دادگستری

نحوه برگزاری: مجازی

مخاطبین: دانشجویان رشته حقوق و فقه و حقوق

زمان ثبت نام: ۲۴ اسفند الی ۳ فروردین

هزینه ثبت نام: ۲۵/۰۰۰ تومان

ثبت نام از طریق شماره تماس: ۰۹۳۶۴۱۷۲۳۸۴

همراه با ارائه گواهی حضور در کارگاه

کارگاه حقوق ثبت با همکاری انجمن فقه و مبانی حقوق دانشگاه اردکان: این برنامه با همکاری انجمن فقه و مبانی حقوق دانشگاه اردکان در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۰۵ لغایت ۱۴۰۲/۰۱/۰۷ ساعت ۱۰ الی ۱۲ در سامانه آموزشی دانشگاه اردکان برگزار شد.



جشن فارغ التحصیلان ورودی ۹۸ گروه حقوق: این برنامه در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ ساعت ۱۵ الی ۱۷ در سالن آمفی تئاتر دانشکده علوم پایه با حضور دکتر حامد رهدارپور، دکتر فرشاد چنگایی، دکتر لیلیا جوانمرد و همچنین دانشجویان عزیز و دوستان و خانواده‌های محترمشان برگزار گردید.

انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان
برگزار میکند

اکران و نقد حقوقی فیلم
شاهدی برای محاکمه

زمان:
دوشنبه
۲۵ اردیبهشت ماه

ساعت:
۱۰ صبح

مکان:
ساختمان فرهنگی
آمفی تئاتر شهید سلیمانی
حضور برای عموم دانشجویان عزیز
آزاد است.

با حضور:
جناب دکتر حمیدرضا کارگر
(عضو هیئت علمی گروه
حقوق دانشگاه لرستان)

اکران و نقد حقوقی فیلم شاهدی برای محاکمه: در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ ساعت ۱۰ الی ۱۳ در سالن آمفی تئاتر شهید سلیمانی با حضور دکتر حمیدرضا کارگر (عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه لرستان) و دانشجویان عزیز برگزار گردید.



بازدید دانشجویان حقوق دانشگاه لرستان از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خرم‌آباد: در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۳ ساعت ۱۰ الی ۱۴ در محل دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خرم‌آباد با حضور دکتر فرشاد چنگایی و دانشجویان عزیز برگزار گردید. دانشجویان ابتدا در یکی از شعب بازپرسی حاضر و سپس در جلسه‌ای با حضور دادستان، معاونین دادستان و بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خرم‌آباد شرکت نمودند.

کارگاه اسناد تجاری
(چک و سفته)

ویژه
تابستان

زمان:
۱۸، ۲۰، ۲۹، ۲۷، ۲۵ تیر ماه

ساعت:
۲۰ تا ۲۱

نحوه برگزاری:
مجازی

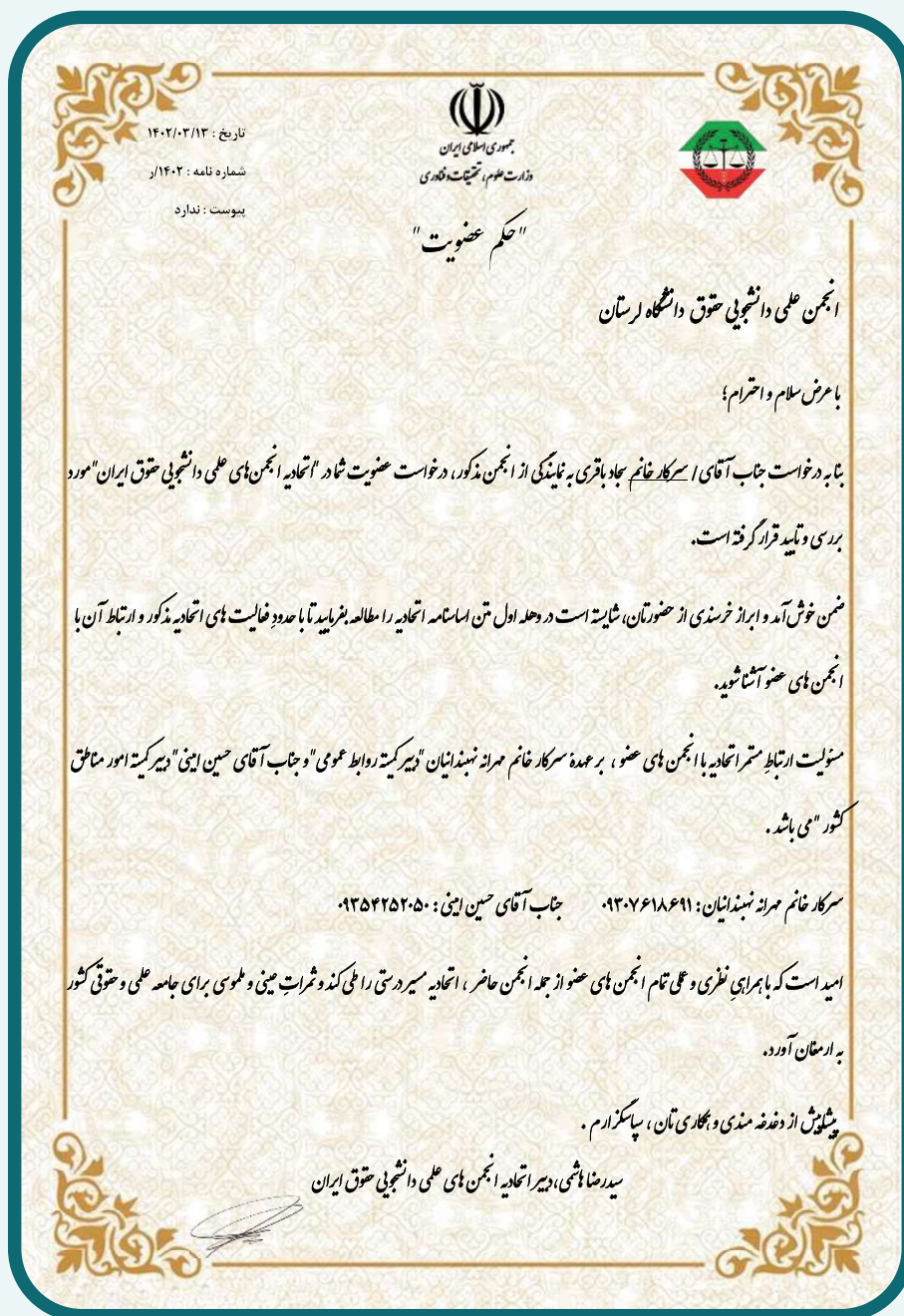
ثبت نام:
۹۱۰۱۵۱۴۰۹۸

هزینه ثبت نام:
۳۰/۰۰۰ تومان

با تدریس
آقای علی ملک محمدی

انجمن علمی فقه و مبانی حقوق دانشگاه اردکان
با همکاری انجمن حقوق دانشگاه لرستان

کارگاه حقوق اسناد تجاری (چک و سفته) با همکاری انجمن فقه و مبانی حقوق دانشگاه اردکان: این برنامه با همکاری انجمن فقه و مبانی حقوق دانشگاه اردکان در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ لغایت ۱۴۰۲/۰۴/۲۹ ساعت ۲۰ الی ۲۱ در سامانه آموزشی دانشگاه اردکان با حضور آقای ملک محمدی، وکیل پایه یک دادگستری، برگزار شد.



افتخاری دیگر برای انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه لرستان به عضویت اتحادیه کل انجمن های علمی دانشجویی حقوق ایران نائل گردید.

با تلاش و پشتکار اعضای انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان و شرکت مستمر و فعال نماینده انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان در جلسات اتحادیه، انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان رسماً به عضویت اتحادیه سراسری انجمن های علمی دانشجویی حقوق ایران درآمد.



معرفی رمان حقوقی شاید

محمد مهدی مؤمنی (دانشجوی ورودی ۱۳۹۹ کارشناسی حقوق دانشگاه لرستان)

((چطور میشود سالها در زندان دوام آورد؟ اینجا به گذراندن سال، ماه یا هفته فکر نمیکنی؛ به همین امروز فکر میکنی، اینکه امروز را چطور بگذرانی، چطور دوام بیاوری. وقتی بیدار میشوی، فکر میکنی یک روز دیگر هم تمام شد. روزها پشت سر هم میگذرند. هفته ها میگذرند و ماه ها به سال تبدیل میشوند. می بینی در زندان دوام می آوری، چون هیچ راه دیگری نداری و میفهمی مقاوم تر از چیزی هستی که فکر میکردی.))

متن فوق گزیده ای از رمان شاید نوشته جان گریشام، از نویسندگان حقوقی ایالات متحده آمریکا است. گریشام در سال ۱۹۵۵ در آمریکا متولد شد و دارای منصب وکالت میباشد. او با نویسندگی رمان های تخیلی حوزه حقوق توانست جایگاه خود را در حوزه رمان تثبیت کند و همین رمان او توانست در سال ۲۰۱۲ عنوان پرفروش ترین کتاب نیویورک تایمز را کسب کند.

این رمان درباره وکیلی سیاه پوست به نام مالکوم بنیستر است که در شهری کوچک به وکالت با همکاری سایر شرکایش با درآمدی ناچیز مشغول است که به علت اتهام به پولشویی به تحمل حبس به مدت ده سال و پرداخت ۱۲۰/۰۰۰ دلار محکوم شده است و او در زندان برای سایر زندانیان مشاوره های حقوقی انجام میدهد و از این راه خود را سرگرم کرده، هر چند که همسر و فرزند وی او را ترک کرده اند و حال روحی روانی مساعدی ندارد و میتواند گفت تنها ملاقات کننده وی پدرش است که او یک افسر پلیس است و بر این باور است که هر کاری که قانونی نیست غیر قانونی است و جایی برای تردید یا انعطاف نمی دید و او برخلاف اصل برائت پسرش را گناهکار میدانست و این رفتارش تحت تاثیر شغلش بود. بنیستر با حقوق خود در زندان با عنوان کتابدار و واریزی های هر چند اندک توسط پدرش سعی در پرداخت جزای نقدی است و در آستانه پنجمین سال حبسش به فکر آزادی از کمپ فراستبرگ واقع در غرب ایالت مریلند است. پس از قتل یک قاضی ایالتی به نام فوست و عدم کسب اطلاعات کافی پس از انجام تحقیقات توسط اف بی آی، وی به فکر این که با لودادن اطلاعات قاتل از قانون آزادی در ازای افشای اطلاعات قاتلین خطرناک بهره مند شود، دست به اقداماتی میزند. این رمان به معضلات حقوقی و کاستی های قانونی کشور آمریکا می پردازد و توانست بازخورد های مثبتی را دریافت و در کنار سایر معروف ترین اثرهای گریشام مانند **وصیت نامه**، **شرکت**، **آخرین هیئت منصفه**، **محافظان** و... قرار گیرد. این رمان در کشورمان توسط انتشارات نشر افق چاپ گردیده و نسخه های فیزیکی و صوتی با اسکن کد های زیر در دسترس و نسخه الکترونیکی این اثر ارزشمند در نرم افزارهایی مانند فیدیبو و طاقچه در دسترس است.



نسخه
صوتی

الکترونیکی



نسخه

نسخه
فیزیکی





سایت های حقوقی

محمد مهدی مؤمنی (دانشجوی ورودی ۱۳۹۹ کارشناسی حقوق دانشگاه لرستان)

در این بخش به معرفی تعدادی از سایت های حقوقی که مناسب برای حقوقدانان عزیز میباشد فراهم کرده ایم. اصولاً به روز بودن قوانین و مطالب حقوقی منتشر شده در فضای سایبر امری مهم در جهت بهبود اطلاعات حقوقی و پویایی در حل مسائل حوزه رشته حقوق است، در حوزه نشر و اطلاع رسانی قوانین، معاونت حقوقی ریاست جمهوری از جمله نهاد های پیشرو در جهت بالا بردن سطح آگاهی و اطلاع هر چه زودتر عامه مردم میباشد که از این رو از جمله منابع معتبر و دست اول به حساب می آید.

از جمله ابتکارات دیگر معاونت حقوقی ریاست جمهوری وزیر مجموعه آن یعنی (معاونت تدوین، تنقیح، انتشار قوانین و مقررات)، ابداع و راه اندازی سامانه ملی مقررات جمهوری اسلامی ایران است. در این سامانه قوانین در فهرست های کاربردی تقسیم شده و دارای رابط کاربری آسان و جامع جهت دسترسی به قوانین مورد نظر است.

از دیگر سامانه های مرتبط با حقوق، به ویژه حقوق شهروندی، سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است. قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، به منظور شفافیت در کار نهاد های حکومتی و امکان نظارت شهروندان و رسانه ها، در سال ۱۳۸۷ در مجلس تصویب و در سال ۱۳۸۸ برای اجرایی شدن به رئیس جمهور وقت، ابلاغ شد. اما تدوین آیین نامه اجرایی و ابلاغ آن تا سال ۱۳۹۴ طول کشید. در این سامانه اطلاعاتی از قبیل:

آمار رسمی، آیین نامه ها و ضوابط، اطلاعات قراردادها، آیین نامه های مشارکت اشخاص در اجرای اختیارات سازمان، ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات و اقدامات، اهداف، وظایف، سیاست ها و خط مشی و ساختار، اختیارات و وظایف مأموران ارشد دستگاه، اسناد و مکاتبات اداری، روش ها و مراحل ارائه خدمات سیستم به جامعه، انواع اطلاعات نگهداری شده و آیین نامه دسترسی به آنها موجود است. برای استفاده از این سامانه باید در آن ثبت نام نموده و درخواست های خود را برای استفاده از اسناد ثبت کرده و مسئول یا مدیر پاسخگویی که توسط بالاترین مقام دستگاه و سازمان تعیین می شود به درخواست های اطلاعات مردم در سامانه پاسخ می دهد و امکان استفاده از این سامانه فراهم میگردد.

در پایان با اسکن کردن کد های زیر به سایت های ذکر شده میتوانید دسترسی پیدا نموده و از آن ها استفاده نمایید.



سامانه ملی
انتشار و
دسترسی
به فضای آزاد

مقررات
کشور



سامانه
ملی

معاونت
حقوقی
ریاست
جمهوری



به یاد بزرگان...

محمد جعفر جعفری لنگرودی (زاده ۲۴ فروردین ۱۳۰۲ - درگذشته ۸ اسفند ۱۴۰۱) فقیه، مجتهد، فیلسوف، ادیب، شاعر و حقوقدان ایرانی و صاحب تألیفات فراوانی در حقوق و ادبیات بود. جعفری لنگرودی در سال ۱۳۸۵ دانشنامه عمومی حقوق موسوم به الفارق را که توسط انتشارات گنج دانش منتشر شد به اتمام رساند. الفارق نخستین و بزرگترین دانشنامه حقوقی به زبان فارسی است که بر اساس مبانی استدلالی و اجتهادات عمیق حقوقی تمام مذاهب شش گانه باطنی، شیعه اثنی عشری، مالکی، حنفی، حنبلی و شافعی و همچنین حقوق روم، یعنی نظام حقوقی فرانسه، را در فقه معاملات و عناوین و موضوعات مهم حقوقی مورد آنالیز و تحقیق قرار داده است.

وی مدتی رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران و هم چنین مدیر گروه حقوق خصوصی آنجا بود که لقب ذو الریاستین را به او داده بودند. جعفری لنگرودی یکی از اعضای هیئت شش نفره تدوین پیش نویس قانون اساسی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ایران بود. جعفری لنگرودی در تمام این سالها علاوه بر قضاوت و تحقیق، از تدریس و تربیت شاگردان بنام غافل نماند و بیش از ۳۰ سال از عمر خود را صرف تدریس و تعلیم نمود. او تا پایان عمر در ایستبورن (Eastbourne) انگلستان به سر می برد. کتاب دائرة المعارف عمومی حقوق (الفارق) از تألیفات وی در سال ۱۳۸۷ و در بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان برترین کتاب سال رشته حقوق شناخته شد. سرانجام در هشتم اسفند ماه سال ۱۴۰۱ ایشان در سن ۹۹ سالگی در ایستبورن انگلستان درگذشت و در کنار همسر مرحومه خود در آنجا به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش مانا...



سخن پایانی

منت و عزت خدای را، پرودگار خلق و خداوند کبریا که توفیقش را رفیق راهمان ساخت تا با تهیه و تنظیم دومین شماره از نشریه علمی-تخصصی آواداد، توفیق خدمت به شما عزیزان را داشته باشیم؛ این شماره از مجله آواداد، پس از چند ماه تلاش برخی از دانشجویان علاقه‌مند در این زمینه، زیر نظر انجمن علمی حقوق دانشگاه لرستان در تابستان سال ۱۴۰۲ منتشر شد. ضمن تشکر از تمامی دانشجویان و افرادی که در تدوین و چاپ این شماره از نشریه نقش داشتند، نکاتی را در ارتباط با نشریه متذکر می‌شوم.

نشریه آواداد از نظر طبقه‌بندی، یک مجله علمی-تخصصی می‌باشد؛ این مقالات به بررسی مباحث تخصصی مربوط به یک حوزه علمی مشخص می‌پردازند که امید است به این مهم دست یافته باشیم. همانطور که می‌دانید انتشار نشریه به طور مرتب و برنامه‌ریزی شده، امری است که نیازمند صرف وقت و انرژی بسیاری می‌باشد؛ با این وجود تیم نشریه انجمن با تلاش و پشتکار زیاد و با وجود تعداد کم نیروهای فعال دانشجویی، در ابتدای کار، تلاش خود را بر آن داشت تا نشریه‌ای در شأن اساتید و دانشجویان این گروه فراهم آورد و آن را به طور منظم در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

در تهیه و نگارش این شماره از آواداد، نهایت تلاشمان بر این بوده تا ضمن امانت‌داری، متون به شکلی شیوا و بیانی روان، ارائه گردد. در پایان لازم به یادآوری است که این مجموعه عاری از اشکال و ایراد نمی‌باشد؛ بنابراین دست تمامی عزیزانی که ما را در شناسایی و برطرف کردن این مشکلات یاری نمایند صمیمانه می‌فشاریم و پذیرای نقدهای سازنده شما هستیم.

مدیر مسئول آواداد

سجاد باقری

شیوه نامه ارسال مقالات به نشریه علمی - تخصصی آواداد

۱) مقاله نباید کمتر از ۵ و بیشتر از ۱۰ صفحه باشد.

۲) مقالات ارسالی مبایست در قالب ۲۰۰۳

word به بالا بوده و قلم فارسی آن

Bnazanin با سایز ۱۱ باشد و

به آدرس الکترونیکی

avadad.law@gmail.com

ارسال شود.

۳) مقالات ارسالی به ترتیب باید مشتمل بر

موارد ذیل باشد:

*عنوان

* نام و نام خانوادگی نویسنده / نویسندگان،

رتبه علمی، دانشگاه محل تحصیل یا تدریس،

تلفن تماس و نشانی پست الکترونیک.

*چکیده

* کلید واژگان

*مقدمه

* چالش تحقیق، ضرورت تحقیق،

سوال تحقیق،

روش تحقیق (از نظر هدف و شیوه به کارگیری

مطالب)، ابزار گردآوری داده‌ها و سازماندهی

تحقیق.

*متن اصلی

پس از بیان هر مطلب، ارجاع منبع درون متنی

به این صورت نوشته می شود؛ (نام خانوادگی

نویسنده، تاریخ انتشار: شماره صفحه).

* نتیجه گیری

*فهرست کامل منابع مورد استفاده، همراه با

مشخصات کامل آنها به ترتیب الفبایی نام

خانوادگی نویسنده

*کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب، نام

مترجم (در صورتی که کتاب ترجمه باشد)،

شماره جلد، نوبت چاپ، انتشارات، محل نشر،

تاریخ انتشار

*مقاله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله، نام

مترجم (اگر ترجمه باشد)، نام مجله، شماره

مجله، صفحات مجله، سال انتشار

۴) مسئولیت صحت مقالات از حیث مطالب

ارائه شده به عهده نویسنده مسئول بوده و

نشریه مسئولیتی در این خصوص نخواهد

داشت.

۵) پذیرش اولیه مقاله منوط به رعایت شیوه

تدوین مقالات و پذیرش نهایی و چاپ منوط به

تأیید مشاور علمی نشریه است و در هر صورت

نتیجه به نویسنده اعلام خواهد شد.

۶) نشریه در ویرایش مقالات آزاد است.

ای عدالت، مرا در زمره عاشقان خود بپذیر و فیضی بخش تا سیمای تو را در پرده هر پندار
وریا از ستم باز شناسم، من نیز در برابر سراسر منطق را به پای تومی ریزم و همه قوانین
را به سوی تومی کشم، باشد که این معامله به هدایت اندیشه من و چیرگی تو بر لشکر
ظلم انجامد.

مرحوم دکتر محمد جعفر جعفری لشکرودی



@lawdepartmentlorestan



@lu_hoqooq_anjomanelmi1